

سیمای امام مهدی (عج) در کلام معصومان (ع)

محمدمهدی حائری‌پور

جمال بی مثال

مشخصات کتاب

جمال بی مثال / حائری پور، محمدمهدی؛ 1348 -

سیمای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در کلام معصومان علیهم السلام / محمدمهدی حائری پور - قم: انتشارات مؤسسه آینده روشن، پژوهشکده مهدویت، 1393.

ISBN 978 – 600 – 5073 – 45 – 4.

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا.

کتاب نامه.

1. امام شناسی، 2. مهدی شناسی، 3. غیبت و انتظار، 4. ظهور - الف. انتشارات مؤسسه آینده روشن. پژوهشکده مهدویت. ب. عنوان.

BP550/3/436/689و 7

ب 1393

جمال بی مثال؛ سیمای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در کلام معصومان علیهم السلام

نویسنده:محمدمهدی حائری پور

حروف نگار:ناصراحمدپور

صفحه آرا:علی قنبری

طرح جلد:ا. اکبرزاده

ناشر:مؤسسه آینده روشن

نوبت چاپ:اول، 1393

شمارگان:1000 جلد

بها:100000 ریال

شابک:4- 45-5073- 600-978

مرکز پخش:قم، خیابان صفاییه، کوچه 25، پلاک 27، تلفن: 37840902 - 025

توضیح: شعر پشت جلد از غلام حسین یوسفی (ناقوس) می باشد.

همه حقوق برای ناشر محفوظ است

ص:1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

جمال بی مثال

سیمای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در کلام معصومان علیهم السلام

محمدمهدی حائری پور

ص:5

این تلاش ناچیز را به محضر مولای کریم که میزبان بزرگ عالم وجود است تقدیم می کنم و نیز به حضور مادر بزرگوارش حضرت فاطمه زهرا علیها السلام که بزرگ منتظر و چشم به راه اوست و چشم ما در دو عالم به عطای اوست.

ای نگار نازنین فاطمه

یادگار آخرین فاطمه

نام زهرا بهر قرآن شد نگین

نام تو نقش نگین فاطمه

فهرست

مقدمه13

بخش اوّل: امام شناسی

فصل اوّل: ضرورت وجود امام19

نکته هایی از روایات25

علّت نیاز به امام25

امام به انتخاب خدا26

امام، مظهر لطف الهی27

امام ظاهر یا غائب28

فصل دوم: ضرورت شناخت امام31

نکته هایی از روایات34

اهمیّت شناخت امام34

مفهوم امام شناسی و جایگاه آن35

مصداق امام کیست؟36

فصل سوم: روایات دوازده امام37

روایات38

نکته هایی از روایات41

پیامبر و مسئله جانشینی او41

جایگاه عترت پیامبر41

کشتی نوح و باب حطّه42

معرفی امامان توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم 44

بخش دوم: مهدی شناسی

فصل اوّل امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن47

نکاتی دربارهٔ آیه شریفه و روایات ذیل آن50

نکاتی دربارهٔ آیه شریفه و روایات ذیل آن56

توضیحی دربارهٔ جایگاه آیه59

نکاتی پیرامون آیه شریفه و روایات آن61

فصل دوم: حسب و نسب شریف امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف 65

نکته هایی دربارهٔ روایات72

فصل سوم: اسم و کنیه و شمایل امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف 77

نکته هایی از روایات79

فصل چهارم: سیرهٔ امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف 83

نکته هایی دربارهٔ روایات88

عمل براساس قرآن و سنّت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم 88

عدالت در سطح مسئولان و مردم90

علم و دانش گسترده در زمان ظهور91

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و استفاده از قهر و خشونت92

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف امیر مهر و مهرورزی93

فصل پنجم: خصائص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف 95

نکته هایی از روایات101

بخش سوم: غیبت و انتظار

فصل اوّل: ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف 111

روایات112

نکته هایی از روایات120

ادّله ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف 120

راز پنهانی ولادت مهدی124

شبهات بی اساس دربارۀ ولادت و پاسخ آنها128

نتیجه گیری133

فصل دوم: غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف 135

نکته هایی از روایات138

سابقۀ غیبت138

چگونگی غیبت139

وظیفه ما در غیبت140

غیبت و ظهور140

فصل سوم: علّت غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف 143

روایات143

نکته هایی از روایات146

سرّی از اسرار الهی146

غیبت، سنّت الهی147

غیبت، سپر جان امام148

آزادی از بیعت طاغوت ها150

فصل چهارم: آثار و برکات امام غائب153

روایات154

نکته هایی از روایات157

ضرورت حجّت، ظاهر یا غائب157

خورشید پشت ابر158

امام غائب و هدایت باطنی159

امام غائب و لطف و هدایت آشکار160

امام غائب و هدایت با واسطه161

فصل پنجم: طول عمر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف 163

نکته هایی از روایات166

طول عمر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سنتّی الهی166

طول عمردر امّت های پیشین166

پیش بینی طول عمر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف 166

فصل ششم: اهمیّت انتظار فرج و جایگاه منتظران169

نکته هایی از روایات173

جایگاه انتظار173

جایگاه منتظر174

وظایف منتظران175

بخش چهارم: ظهور

فصل اوّل: جهان پیش از ظهور181

نکته هایی از روایات183

ضرورت حجت الهی برای ساماندهی امور184

مؤمنان و اوضاع جهان پیش از ظهور184

ترسیم روایات از جهان پیش از ظهور185

فصل دوم: علائم ظهور189

نکته هایی از روایات193

مفهوم علامت و علائم ظهور193

برداشت نادرست از روایات علائم193

دسته بندی علائم ظهور194

علائم حتمی ظهور194

سایر علائم ظهور196

فصل سوم: وقت ظهور199

روایات199

نکته هایی از روایات201

مخفی بودن زمان ظهور201

علّت پنهان بودن زمان ظهور202

خطر هلاکت و سقوط203

فصل چهارم: برکات ظهور امام مهدی7205

نکته هایی از روایات210

شکوفایی عقل و کمال اخلاقی210

حکومت و دین جهانی211

عدالت جهانی در همه بخش ها212

امنیّت همگانی در همه حوزه ها213

صفا و صمیمیّت و همدلی مردم214

ریشه کن شدن فقر از جامعه بشری215

تعهّد و مسئولیت پذیری افراد216

پیشرفت علمی و رشد ارتباطات217

سخن پایانی219

کتابنامه221

مقدمه

مهدویّت، حقیقت نابی است که ریشه در همه ادیان الهی و توحیدی دارد و ظهور مهدی و نظام عدل گستر او قله آمال و آرزوهای انبیاء و اولیاء و پیروان راستین ایشان بوده است. برای معرفی چهرۀ درخشان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کتاب های فراوانی نوشته شده است ولی بررسی ابعاد مختلف شخصیت آن بزرگوار از دیدگاه معصومین علیهم السلام لطف دیگری دارد. در مجموعه ای که پیش روی شماست تلاش گردیده که در موضوعات مختلف مربوط به حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف گزیده ای از روایات پیامبر مکرّم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام او جمع آوری شود و با عباراتی سلیس و روان ترجمه شود و آن گاه نکاتی که از آن روایات قابل استخراج است به اختصار بیان گردد. به این ترتیب مجموعه حدیثی حاضر نسبت به مجموعه های مشابه از امتیازات ذیل برخوردار است ان شاء الله:

1. کتاب های حدیثی دیگر یا جامع همه موضوعات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام نیست و یا اگر از جامعیت برخوردار است به خاطر

آوردن روایات فراوان مجموعه بسیار مفصّلی را تشکیل داده است که از حوصله بیشتر افراد جامعه بیرون است و مجموعه حاضر سعی کرده بین جامعیّت و اختصار جمع کند تا کاری مفید برای همه طبقات و اصناف باشد.

2. بیشتر مجموعه های حدیثی که تاکنون چاپ شده است یا به زبان عربی و بدون ترجمه فارسی است و یا به عکس تنها به ترجمه فارسی اکتفا شده است و متن عربی روایات که متن اصلی کلام معصومین علیهم السلام است آورده نشده و به همین دلیل برای همه سلیقه ها مقبول واقع نشده است.

3. مهم تر این که گرچه بعضی از مجموعه های حدیثی همراه با ترجمه فارسی تدوین گردیده ولی از هرگونه توضیح و بیانی دربارهٔ روایات خالی است حال آن که در موارد متعدّد، حتی ترجمه فارسی روایات، مطلب را برای خواننده آن _ به ویژه آنها که مطالعات کافی درباره امامت و مهدویت نداشته اند _ واضح نمی کند و همین امر سببِ کاهش انگیزه و شوق برای مطالعه کتاب ایجاد می کند. در مجموعه حاضر علاوه بر متن عربی و ترجمه فارسی، در هر بخش، نکاتی درباره روایات بیان گردیده که هم نوعی جمع بندی و نتیجه گیری از روایات است و هم نقطه های مبهم روایات را تا حدّی روشن کرده است و بیان آنها به صورت نکته های جداگانه و کوتاه به یادگیری و حفظ و نگهداری آنها کمک فراوان می کند. (ضمناً در پایان

هر نکته شماره روایت مرتبط با آن نکته بیان شده است)

4. مجموعه حاضر، روایاتی است که از کتاب های معتبر نزد شیعه و اهل سنت گردآوری شده است و تلاش شده است که در هر بخش پس از دیدن اکثر روایات مربوط به آن بخش، بهترین و روان ترین روایات که در کتاب های معتبر حدیثی آمده است آورده شود تا برای مخاطبان مختلف قابل استفاده باشد.

با تشکر فراوان از استاد بزرگوار و گرامی حضرت حجت الاسلام والمسلمین پورسیدآقایی (دام عزه) که بانی این کار و راهنما و مشوق ما بوده اند.

محمدمهدی حائری پور

قم مقدس _ بهار1393 (شعبان 1435)

بخش اوّل: امام شناسی

اشاره

فصل اوّل: ضرورت وجود امام

اشاره

یکی از مسائل مهم اعتقادی مسأله نیاز به امام حق است که جانشینی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را برعهده دارد. در کتاب های اعتقادی فریقین مسأله نیاز به امام برای جامعه اسلامی از بدیهیات شمرده شده است و آن چه مورد اختلاف و محل بحث و نزاع بوده خصوصیات امام و میزان در شناخت او و مقدار و کیفیّت اختیارات او بوده است، به اعتقاد شیعه «امام» مقام و منزلتی دارد که براساس آن دنیا و آخرت مردم را تأمین می کند و او علاوه بر ریاست دنیوی، بر دین و دیانت مردم نیز امام است و به تعبیر بالاتر او حجّت خدا در میان خلق است که به سبب او دین داری میسّر خواهد بود و بدون او حجّت خدا بر مردم تمام نخواهد شد. همان گونه که بدون پیامبر و کتاب آسمانی حجّت الهی بر مردم تمام نخواهد گردید. با این بیان، زمین از امام حق خالی نخواهد بود امامی که حلال و حرام الهی را بیان کرده و راه

مستقیم الهی را نشان می دهد.

دربارهٔ این موضوع روایات بسیاری موجود است که چند نمونه آن

را می آوریم:

1. امام صادق علیه السلام فرمود:

به درستی که خداوند بزرگ تر از آن است که زمین را بدون امام عادل واگذارد. (1)

2. امام صادق علیه السلام فرمود:

اگر [از] مردم تنها دو نفر [باقی] باشد هر آینه یکی از آنها

«امام» خواهد بود، و نیز فرمود: آخرین کسی که می میرد امام است تا کسی بر خدا دلیل نیاورد که خدا او را بدون حجّت واگذاشته است. (2)

3. امام صادق علیه السلام فرمود:

همیشه این گونه بوده که برای خداوند در زمین حجّتی بوده که حلال و حرام را می شناسانده و مردم را به سوی راه خدا می خوانده است. (3)

1- عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِاللهِ علیه السلام : «قَالَ إِنَّ اللهَ أَجَلُّ وَ أَعْظَمُ مِنْ أَنْ یَتْرُکَ الْأَرْضَ بِغَیْرِ إِمَامٍ عَادِل.» (کافی، ج1، کتاب الحجه، باب ان الارض لاتخلو من حجه، ح6)

2- عن ابی عبدالله علیه السلام : «لَوْ کَانَ النَّاسُ رَجُلَیْنِ لَکَانَ أَحَدُهُمَا الْإِمَامَ وَ قَالَ إِنَّ آخِرَ مَنْ یَمُوتُ الْإِمَامُ لِئَلَّا یَحْتَجَّ أَحَدٌ عَلَی اللَهِ عَزَّوَجَلَّ أَنَّهُ تَرَکَهُ بِغَیْرِ حُجَّهٍ لِلهِ عَلَیْه». (کافی، ج1، کتاب الحجه، باب انه لولم یبق فی الارض الارجلان...، ح3)

3- عن ابی عبدالله علیه السلام قال: «مَا زَالَتِ الْأَرْضُ إِلَّا وَ لِلهِ فِیهَا الْحُجَّهُ یُعَرِّفُ الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ وَ یَدْعُو النَّاسَ إِلَی سَبِیلِ الله». (کافی، ج1، کتاب الحجه، باب ان الارض لاتخلو من حجه، ح3)

4. امام باقر علیه السلام فرمود:

زمین از وجود مردی از ما [اهل بیت علیهم السلام] که حق را بشناسد

خالی نمی ماند پس آن گاه که مردم چیزی در حق بیفزایند

گوید: افزودند و اگر چیزی از آن کم کنند گوید: کاستند و اگر حق را بیاورند تصدیقشان کند و اگر چنین نباشد حق از باطل شناخته نگردد. (1)

5. جمعی از اصحاب امام صادق علیه السلام نزد او بودند و در میان آنها هشام بن حکم که جوان نورسی بود. امام فرمود:

هشام گزارش نمی دهی که با عمرو بن عبید چه کردی و چگونه با او سؤال و جواب کردی؟ ... هشام گفت: گفتم ای مرد دانش مند من غریبم اجاز می دهی سؤالی کنم؟ گفت آری بپرس. گفتم: آیا شما چشم دارید؟ گفت: پسرجان این چه سؤالی است چیزی که به چشم خود می بینی سؤال ندارد! گفتم پرسش همین گونه است. گفت: بپرس اگرچه سؤال تو احمقانه است! گفتم: شما چشم دارید؟ گفت آری دارم. گفتم: با آن چه می کنی؟ گفت: با آن رنگ ها و اشخاص را می بینم. گفتم: بینی داری؟ گفت: آری. گفتم: با آن چه می کنی؟ گفت: با آن استشمام می کنم. گفتم: دهان داری؟ گفت: آری. گفتم: با آن چه می کنی؟ گفت: مزه ها را با آن می چشم. گفتم: گوش داری؟ گفت: آری. گفتم: با آن چه می کنی؟ گفت: با آن صداها را

1- عن الحسن بن ابی حمزه الثمالی عن ابیه قال سمعت اباجعفر و هو یقول: «لَنْ تَخْلُوَ الْأَرْضُ إِلَّا وَ فِيهَا رَجُلٌ مِنَّا يَعْرِفُ الْحَقَّ فَإِذَا زَادَ النَّاسُ فِيهِ قَالَ قَدْ زَادُوا وَ إِذَا نَقَصُوا مِنْهُ قَالَ قَدْ نَقَصُوا وَ إِذَا جَاءُوا بِهِ صَدَّقَهُمْ وَ لَوْ لَمْ يَكُنْ ذَلِکَ كَذَلِکَ لَمْ يُعْرَفِ الْحَقُّ مِنَ الْبَاطِلِ». (کمال الدین، ج1، باب22، ح12، ص422)

می شنوم. گفتم: قلب هم داری؟ گفت: آری! گفتم: با آن چه می کنی؟ گفت: هر آن چه به این اعضا و حواس من وارد می شود با قلبم آنها را تشخیص می دهم! گفتم: آیا وجود این جوارح موجب بی نیازی از قلب نیست؟! گفت: نه. گفتم: چگونه ترا از قلب بی نیازی نیست و حال آن که این جوارح و حواس صحیح و سالم است؟! گفت: پسرجان وقتی این اعضا و حواس در چیزی که ببویند یا ببینند یا بچشند یا بشنوند تردید کنند در تشیخص آن به قلب مراجعه می کنند تا یقین پابرجا شود و شک از بین برود! گفتم: پس خداوند قلب را برای رفع شک و تردید حواس قرار داده؟! گفت: آری. گفتم: حتماً باید قلب باشد وگرنه برای حواس، یقین پیدا نمی شود؟! گفت: آری. گفتم: ای ابامروان (1) خدای تبارک و تعالی حواس تو را بی امام رها نکرده و برای آنها امامی گماشته که ادراک او را تصحیح کنند و در مورد شک، یقین به دست آورد و همه این مردم را در شک و سرگردانی و اختلاف واگذاشته و امامی برای آنها معیّن نکرده تا آنها را از شک و حیرت برگرداند؟!... گفت: در اینجا خاموش ماند و پاسخی نداد! (2) و (3)

1- این کنیه عمرو بن عبید است که طرف بحث هشام بوده است.

2- پس در پایان روایت آمده که وقتی عمرو بن عبید دانست که او هشام به حکم است از او تقدیر کرد و بر جای خود نشانید و امام صادق علیه السلام از هشام پرسید؟ چه کسی این استدلال را به تو آموخت؟ هشام گفت: اینها مطالبی بود که از شما یاد گرفتم و تنظیم کردم. حضرت فرمود: به خدا این حقیقتی است که در صحف ابراهیم و موسی نوشته شده است.

3- عن یونس بن یعقوب قال: «كَانَ عِنْدَ أَبِی عَبْدِاللهِ علیه السلام جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِهِ مِنْهُمْ حُمْرَانُ بْنُ أَعْيَنَ وَ مُحَمَّدُ بْنُ النُّعْمَانِ وَ هِشَامُ بْنُ سَالِمٍ وَ الطَّيَّارُ وَ جَمَاعَةٌ فِيهِمْ هِشَامُ بْنُ الْحَكَمِ وَ هُوَ شَابٌّ فَقَالَ أَبُوعَبْدِاللهِ علیه السلام يَا هِشَامُ أَ لَا تُخْبِرُنِی كَيْفَ صَنَعْتَ بِعَمْرِو بْنِ عُبَيْدٍ وَ كَيْفَ سَأَلْتَهُ فَقَالَ هِشَامٌ يَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ إِنِّی أُجِلُّكَ وَ أَسْتَحْيِيكَ وَ لَا يَعْمَلُ لِسَانِی بَيْنَ يَدَيْكَ فَقَالَ أَبُوعَبْدِاللهِ إِذَا أَمَرْتُكُمْ بِشَیْ ءٍ فَافْعَلُوا قَالَ هِشَامٌ بَلَغَنِی مَا كَانَ فِيهِ عَمْرُو بْنُ عُبَيْدٍ وَ جُلُوسُهُ فِی مَسْجِدِ الْبَصْرَةِ فَعَظُمَ ذَلِكَ عَلَیَّ فَخَرَجْتُ إِلَيْهِ وَ دَخَلْتُ الْبَصْرَةَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَأَتَيْتُ مَسْجِدَ الْبَصْرَةِ فَإِذَا أَنَا بِحَلْقَةٍ كَبِيرَةٍ فِيهَا عَمْرُو بْنُ عُبَيْدٍ وَ عَلَيْهِ شَمْلَةٌ سَوْدَاءُ مُتَّزِراً بِهَا مِنْ صُوفٍ وَ شَمْلَةٌ مُرْتَدِياً بِهَا وَ النَّاسُ يَسْأَلُونَهُ فَاسْتَفْرَجْتُ النَّاسَ فَأَفْرَجُوا لِی ثُمَّ قَعَدْتُ فِی آخِرِ الْقَوْمِ

عَلَى رُكْبَتَيَّ ثُمَّ قُلْتُ أَيُّهَا الْعَالِمُ إِنِّی رَجُلٌ غَرِيبٌ تَأْذَنُ لِی فِی مَسْأَلَةٍ فَقَالَ لِی نَعَمْ فَقُلْتُ لَهُ أَ لَکَ عَيْنٌ فَقَالَ يَا بُنَیَّ أَیُّ شَیْ ءٍ هَذَا مِنَ السُّؤَالِ وَ شَیْ ءٌ تَرَاهُ كَيْفَ تَسْأَلُ عَنْهُ فَقُلْتُ هَكَذَا مَسْأَلَتِی فَقَالَ يَا بُنَیَّ سَلْ وَ إِنْ كَانَتْ مَسْأَلَتُکَ حَمْقَاءَ قُلْتُ أَجِبْنِی فِيهَا قَالَ لِی سَلْ قُلْتُ أَ لَکَ عَيْنٌ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ فَمَا تَصْنَعُ بِهَا قَالَ أَرَى بِهَا الْأَلْوَانَ وَ الْأَشْخَاصَ قُلْتُ فَلَکَ أَنْفٌ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ فَمَا تَصْنَعُ بِهِ قَالَ أَشَمُّ بِهِ الرَّائِحَةَ قُلْتُ أَ لَکَ فَمٌ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ فَمَا تَصْنَعُ بِهِ قَالَ أَذُوقُ بِهِ الطَّعْمَ قُلْتُ فَلَکَ أُذُنٌ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ فَمَا تَصْنَعُ بِهَا قَالَ أَسْمَعُ بِهَا الصَّوْتَ قُلْتُ أَ لَکَ قَلْبٌ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ فَمَا تَصْنَعُ بِهِ قَالَ أُمَيِّزُ بِهِ كُلَّ مَا وَرَدَ عَلَى هَذِهِ الْجَوَارِحِ وَ الْحَوَاسِّ قُلْتُ أَ وَ لَيْسَ فِی هَذِهِ الْجَوَارِحِ غِنًى عَنِ الْقَلْبِ فَقَالَ لَا قُلْتُ وَ كَيْفَ ذَلِکَ وَ هِیَ صَحِيحَةٌ سَلِيمَةٌ قَالَ يَا بُنَیَّ إِنَّ الْجَوَارِحَ إِذَا شَكَّتْ فِی شَیْ ءٍ شَمَّتْهُ أَوْ رَأَتْهُ أَوْ ذَاقَتْهُ أَوْ سَمِعَتْهُ رَدَّتْهُ إِلَى الْقَلْبِ فَيَسْتَيْقِنُ الْيَقِينَ وَ يُبْطِلُ الشَّکَّ قَالَ هِشَامٌ فَقُلْتُ لَهُ فَإِنَّمَا أَقَامَ اللهُ الْقَلْبَ لِشَکِّ الْجَوَارِحِ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ لَا بُدَّ مِنَ الْقَلْبِ وَ إِلَّا لَمْ تَسْتَيْقِنِ الْجَوَارِحُ قَالَ نَعَمْ فَقُلْتُ لَهُ يَا أَبَا مَرْوَانَ فَاللهُ تَبَارَکَ وَ تَعَالَى لَمْ يَتْرُکْ جَوَارِحَکَ حَتَّى جَعَلَ لَهَا إِمَاماً يُصَحِّحُ لَهَا الصَّحِيحَ وَ يَتَيَقَّنُ بِهِ مَا شُکَّ فِيهِ وَ يَتْرُکُ هَذَا الْخَلْقَ كُلَّهُمْ فِی حَيْرَتِهِمْ وَ شَكِّهِمْ وَ اخْتِلَافِهِمْ لَا يُقِيمُ لَهُمْ إِمَاماً يَرُدُّونَ إِلَيْهِ شَكَّهُمْ وَ حَيْرَتَهُمْ وَ يُقِيمُ لَکَ إِمَاماً لِجَوَارِحِکَ تَرُدُّ إِلَيْهِ حَيْرَتَکَ وَ شَكَّکَ قَالَ فَسَكَتَ وَ لَمْ يَقُلْ لِی شَيْئاً.» (اصول کافی، ج1، کتاب الحجّه، ح3، ص318)

6. ابی حمزه گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم:

آیا زمین بدون امام می ماند؟ فرمود: اگر زمین بدون امام باشد، هر آینه فرو می رود. (1)

7. امام کاظم علیه السلام فرمود:

1- عن ابی حمزه قال: قلت لابی عبدالله علیه السلام : «أَ تَبْقَی الْأَرْضُ بِغَیْرِ إِمَامٍ قَالَ لَوْ بَقِیَتِ الْأَرْضُ بِغَیْرِ إِمَامٍ لَسَاخَت.» (کافی، ج1، کتاب الحجّه، باب أنّ الارض لاتخلو من حجه، ح10)

خداوند از زمان وفات حضرت آدم علیه السلام ، هرگز زمین را بدون امام وانگذاشته است. امامی که به وسیله او [مردم] به خدا هدایت می گردند و او همان حجّت [خدا] بر بندگان است که هر که او را وانهد گم راه شده و هر که پیرویش کند نجات یافته است. این [نصب امام] حقّی بر خداوند است. (1)

8. امام سجاد علیه السلام فرمود:

از زمان خلقت آدم علیه السلام زمین از حجّت خالی نبوده است؛ یا [حجّت] آشکار و شناخته شده و یا حجّت پنهان و پوشیده و تا قیام قیامت زمین از حجت خالی نخواهد ماند و اگر چنین نبود خداوند عبادت نمی شد. (2)

9. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود:

آیا سخن خدای بزرگ را نشنیدید که می فرماید: ای مؤمنان اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید رسول او را و اطاعت کنید اولی الامر از خود را؟ آیا این دستور تا روز قیامت نیست؟ آیا نمی اندیشید که از زمان آدم علیه السلام تا زمان امام گذشته [ابومحمّد العسکری علیه السلام _ که درود خدا بر او باد _] خداوند تعالی برای شما پناه گاه هایی قرار داد که به آنها پناهنده شوید و نشانه هایی گذاشت که به آنها هدایت شوید؟! [به گونه ای که] هرگاه عَلَمی

1- عن الامام موسی بن جعفر علیه السلام قال: «مَا تَرَکَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ الْأَرْضَ بِغَیْرِ إِمَامٍ قَطُّ مُنْذُ قُبِضَ آدَمُ علیه السلام یَهْتَدِی بِهِ إِلَی اللهِ عَزَّوَجَلَّ وَ هُوَ الْحُجَّةُ عَلَی الْعِبَادِ مَنْ تَرَکَهُ ضَلَّ وَ مَنْ لَزِمَهُ نَجَا حَقّاً عَلَی اللهِ عَزَّوَجَل». (کمال¬الدین، ج1، ص222، باب 22، ح3)
2- عن علی بن الحسین علیه السلام : «لَمْ تَخْلُ الْأَرْضُ مُنْذُ خَلَقَ اللهُ آدَمَ مِنْ حُجَّهٍ لِلهِ فِیهَا ظَاهِرٍ مَشْهُورٍ أَوْ غَائِبٍ مَسْتُورٍ وَ لَا تَخْلُو إِلَی أَنْ تَقُومَ السَّاعَهُ مِنْ حُجَّهٍ لِلهِ فِیهَا وَ لَوْ لَا ذَلِکَ لَمْ یُعْبَدِ اللّه». (کمال¬الدین، ج1، ص207، ح22، باب 21)

نهان شد عَلَم دیگری آشکار گردید و اگر ستاره ای غروب کرد ستاره ای دیگر درخشید و چون خدای تعالی ابومحمّد علیه السلام را قبض روح کرد پنداشتید که او رابطه بین خود و خلقش را قطع کرده است؟ هرگز چنین نبوده و تا روز قیامت چنین نخواهد بود تا آن روز که امر خدای تعالی ظاهر شود در حالی که آنان (مشرکان) ناخشنود باشند. (1)

نکته هایی از روایات

علّت نیاز به امام

1. بدیهی است که انسان ها به جود آمده اند تا با انجام اوامر الهی به کمال و قرب الهی برسند و در این مسیر نیاز به راهنما دارند و به همین جهت خداوند رسولان را فرستاده است و نیز به همین دلیل لازم است امامان هدایت در میان مردم باشند و خداوند هیچ گاه این نیاز را بی پاسخ نگذاشته است. (حدیث 1 و 3)

2. اعضای بدن انسان گرچه سالم باشند در انجام وظایف خود بی نیاز از قلب (و عقل) نیستند، جامعه انسانی نیز اگرچه از عقل سالم و رشدیافته برخوردار باشد بی نیاز از هدایت های امام نیست زیرا انسان

1- و فی توقیع له علیه السلام قال: «أَ مَا سَمِعْتُمُ اللهَ عَزَّوَجَلَّ یَقُولُ: (یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِیعُوا اللهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ(؛ هَلْ أُمِرَ إِلَّا بِمَا هُوَ کَائِنٌ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَهِ أَوَ لَمْ تَرَوْا أَنَّ اللهَ عَزَّوَجَلَّ جَعَلَ لَکُمْ مَعَاقِلَ تَأْوُونَ إِلَیْهَا وَ أَعْلَاماً تَهْتَدُونَ بِهَا مِنْ لَدُنْ آدَمَ علیه السلام إِلَی أَنْ ظَهَرَ الْمَاضِی أَبُو مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله کُلَّمَا غَابَ عَلَمٌ بَدَا عَلَمٌ وَ إِذَا أَفَلَ نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ فَلَمَّا قَبَضَهُ اللهُ إِلَیْهِ ظَنَنْتُمْ أَنَّ اللهَ عَزَّوَجَلَّ قَدْ قَطَعَ السَّبَبَ بَیْنَهُ وَ بَیْنَ خَلْقِهِ کَلَّا مَا کَانَ ذَلِکَ وَ لَا یَکُونُ حَتَّی تَقُومَ السَّاعَهُ وَ یَظْهَرَ أَمْرُ اللهِ عَزَّوَجَلَّ وَ هُمْ کارِهُون». (کمال الدین، ج2، ص241، باب 45، ح8)

سراسر فقر و نیاز است و مسیر او پرخطر و طولانی و مقصد او قرب الهی است. (حدیث 5)

3. همان طور که قلب (و عقل) انسان به عنوان مرکز تصمیم گیری و شناخت و آگاهی است و بدون آن ممکن است اعضا و جوارح به خطا بروند و در تشخیص، اشتباه کنند؛ امامِ عادل به عنوان رئیس جامعه بشری، میزان حق است که به وسیله او مرز حق و باطل شناخته می شود و نیز نگهبان حریم حق است تا باطلی به آن راه نیابد. (حدیث5)

4. امام عالم ترین امت به دین و حلال و حرام الهی است اگر او نباشد خطر تحریف و کم و زیادیِ دین و معارف الهی وجود دارد ولی او وظیفه دارد که اگر انحرافی پدید آمد موضع بگیرد و از انحراف امت جلوگیری کند؛ چنان که امام حسین علیه السلام در مقابل انحرافات، قیام کرد. (حدیث 3 و 4)

امام به انتخاب خدا

با توجه به جایگاه امام که باید معصوم از گناه و خطا باشد تا بتواند معیار و میزان حقّ قرار گیرد، هیچ کس جز خداوند که عالم به غیب است نمی تواند مصداق امام را در جامعه معرفی کند. (حدیث 1 و 5 و 9) چون عصمت امری است که بر همگان مخفی و نامعلوم است و نیز این که در آینده چه خواهد شد بر کسی جز خدا آشکار نیست؛ به روایت زیر توجه کنید:

سعد بن عبدالله قمی گوید: از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرسیدم که چرا مردم نمی توانند امامشان را خود برگزینند؛ آن حضرت پرسید: مرادت امام صالح اصلاح گر است یا پیشوای ناشایست فسادانگیز؟ گفتم: مرادم مقتدای صالح اصلاح گر است.

امام فرمود: با توجه به این که کسی نمی داند که در خاطر دیگری از اندیشه صلاح و فساد چه می گذرد، آیا ممکن است، مردم کسی را برگزینند که اندیشه فساد در سر دارد؟ گفتم: آری! فرمود: به همین دلیل انتخاب امام به مردم واگذار نشده است و این همان علّتی است که با برهان بر تو اقامه کردم تا عقلت به اطمینان برسد. (1)

امام، مظهر لطف الهی

1. یکی از راه ها برای لزوم نصب امام از سوی خدا، توجه به صفات کمال الهی است. خداوند عادل و حکیم و لطیف است، او خدایی است که ذرّه ای ظلم در ساحت قدس او راه ندارد و هرگونه بیهودگی و لغو از او دور است و نهایت لطف و رحمت را نسبت به بندگان خود دارد؛ بنابراین به مقتضای عدالت و حکمت و لطف بی نهایتش، مردم را بدون امام و پیشوایی که هدایت گر آنها به سوی کمال مطلق باشد نمی گذارد (همه احادیث شاهد این مطلب است).

2. امام عادل، حجّت خدا در میان خلق است بنابراین در همه

1- قال سعد بن عبدالله القمی: «فَأَخْبِرْنِی یَا مَوْلَایَ عَنِ الْعِلَّهِ الَّتِی تَمْنَعُ الْقَوْمَ مِنِ اخْتِیَارِ إِمَامٍ لِأَنْفُسِهِمْ قَالَ مُصْلِحٍ أَوْ مُفْسِدٍ قُلْتُ مُصْلِحٍ قَالَ فَهَلْ یَجُوزُ أَنْ تَقَعَ خِیَرَتُهُمْ عَلَی الْمُفْسِدِ بَعْدَ أَنْ لَا یَعْلَمَ أَحَدٌ مَا یَخْطُرُ بِبَالِ غَیْرِهِ مِنْ صَلَاحٍ أَوْ فَسَادٍ قُلْتُ بَلَی قَالَ فَهِیَ الْعِلَّهُ وَ أُورِدُهَا لَکَ بِبُرْهَانٍ یَنْقَادُ لَهُ عَقْلُکَ». (کمال الدین، ج2، ص202)

زمان ها و برای همه امّت ها باید امامی باشد تا حجّت خدا بر خلق تمام گردد و کسی بر خدا دلیل نداشته باشد، به همین جهت آخرین نفر که می میرد «امام» خواهد بود همان گونه که اولین نفر از انسان ها پیامبر بود (= حضرت آدم علیه السلام) و در این صورت عذری برای کسی باقی نمی ماند! (حدیث 2 و 7 و 8 و 9)

3. از مطالعه اسلام و ادیان الهی از آغاز خلقت، معلوم می شود که نصب امام و حجت الهی در میان خلق، سنّتی قطعی و حتمی بوده است به گونه ای که هرگاه حجّتی از دنیا رفته است، حجّت دیگری به جای او قرار گرفته است و این جریان تا زمان امام عسکری علیه السلام ادامه یافته است. (حدیث 9)

امام ظاهر یا غائب

4. با توجه به ضرورت وجود امام در هر زمان و با توجه به این که نصب امام و حجّت سنتی جاری در زمان بوده است به گونه ای که هیچ گاه زمین از حجّت الهی (پیامبر یا جانشین او) خالی نبوده است، بنابراین اگر در زمانی از زمان ها، امام ظاهر و آشکاری نباشد بدون تردید امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، غائب و پوشیده است ضمن این که روایات فراوان مبنی بر غیبت حجّت های الهی موجود است و نیز به طور خاص، غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در روایات فراوان مطرح شده است. (1) (حدیث 9 و 8)

5. این که در آیه «اولی الامر»، بدون قید زمان به اطاعت اولی الامر

1- در مبحث غیبت و علّت آن بخشی از این روایات خواهد آمد.

فرمان داده شده است، می رساند که اولی الامر در هر زمانی وجود دارد و مردم هر عصر و زمان باید از او اطاعت کنند. حال اگر در میان افراد موجود و ظاهر، کسی که شایسته این مقام باشد وجود نداشته باشد معلوم می شود که مصداق «اولی الامر» امامی است که از نظرها غائب است چون غیبت حجّتِ خدا امری بی سابقه نیست و فراوان اتّفاق افتاده است. (حدیث 9)

فصل دوم: ضرورت شناخت امام

اشاره

از نظر عقل و نقل مسئله معرفت و شناخت جایگاه بسیار مهمّی دارد و آدمی بدون معرفت به جایی نخواهد رسید بلکه هدف از خلقت، معرفت و شناخت است. آیات قرآن کریم و روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام در این موضوع، صریح و روشن است. در بحث معرفت، ابتدا معرفت خدا و شناخت صفات و اسماء حسنای او مطرح است و پس از آن شناخت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و خلفای بر حق او مراد است.

برای آشنایی با میزان اهمیّت معرفت امام و جانشین بر حق پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بعضی از روایات را در این جا می آوریم:

1. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

هرکس بمیرد در حالی که امام زمان خود را نشناسد به مرگ جاهلی مرده است. (1)

1- قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ یَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِیتَةً جَاهِلِیَّه». (کمال الدین، ج2، ص409؛ اعلام الوری، ص415؛ بحار الانوار، ج8، ص368؛ شرح المقاصد، ج5، ص239؛ ینابیع الموده، ج3، ص372)

2. از امام علی علیه السلام سؤال شد:

کمترین چیزی که آدمی به سبب آن گمراه خواهد بود چیست؟ فرمود: این که نشناسد کسی را که خدا امر به اطاعت از او کرده و ولایتش را واجب دانسته و او را حجّت در زمین و شاهد بر خلق خویش قرار داده. پرسیدند: ای امیرالمؤمنین آنها کیانند؟ فرمود: کسانی که خداوند آنها را در کنار خود و پیامبرش قرار داده و فرموده: ای گروه مؤمنان از خدا و رسول اطاعت کنید و نیز از اولی الامر از میان خود. راوی گوید: پس من سر حضرت را بوسیدم و گفتم: برایم (مطلب را) روشن ساختی و گره از کارم گشودی و هر شکّی در دلم بود از میان بردی! (1)

3. امام کاظم علیه السلام : [راوی گوید]

از آن حضرت دربارۀ آیه «و چه کسی گمراه تر است از آن که هوای خود را پیروی کرده بدون هدایتی از سوی خدا» سؤال شد. فرمود: مراد کسی است که دین خود را رأی خود قرار داده بدون این که امامی از پیشوایان هدایت را برگزیده باشد. (2)

1- عَنْ سُلَیْمِ بْنِ قَیْسٍ الْهِلَالِیِّ عَنْ أَمِیرِالْمُؤْمِنِینَ علیه السلام قَالَ قُلْتُ لَهُ: «مَا أَدْنَی مَا یَکُونُ بِهِ الرَّجُلُ ضَالًّا قَالَ أَنْ لَا یَعْرِفَ مَنْ أَمَرَ اللهُ بِطَاعَتِهِ وَ فَرَضَ وَلَایَتَهُ وَ جَعَلَهُ حُجَّتَهُ فِی أَرْضِهِ وَ شَاهِدَهُ عَلَی خَلْقِهِ قُلْتُ فَمَنْ هُمْ یَا أَمِیرَالْمُؤْمِنِینَ فَقَالَ الَّذِینَ قَرَنَهُمُ اللهُ بِنَفْسِهِ وَ نَبِیِّهِ فَقَالَ: (یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِیعُوا اللهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ((سورۀ نساء، آیۀ 59) فقَالَ فَقَبَّلْتُ رَأْسَهُ وَ قُلْتُ أَوْضَحْتَ لِی وَ فَرَّجْتَ عَنِّی وَ أَذْهَبْتَ کُلَّ شَکٍّ کَانَ فِی قَلْبِی ». (معانی الاخبار، ب429، ح45، ص394)
2- عَنِ ابْنِ أَبِی نَصْرٍ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ علیه السلام : «فِی قَوْلِهِ تَعَالَی (وَ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَواهُ بِغَیْرِ هُدیً من الله((سورۀ قصص، آیۀ 50) قَالَ یَعْنِی مَنِ اتَّخَذَ دِینَهُ رَأْیَهُ بِغَیْرِ إِمَامٍ مِنْ أَئِمَّهِ الْهُدَی». (غیبت نعمانی، ب7، ح7، ص179)

4. امام صادق علیه السلام :

امام نشانه ای است میان خدا و خلقش، پس هرکه او را بشناسد مؤمن خواهد بود و هرکه او را انکار کند کافر خواهد بود. (1)

5. امام صادق علیه السلام :

ای یحیی هرکه شبی را بدون معرفت امام زمانش بسر برد به مرگ جاهلیّت از دنیا رفته است. (2)

6. امام حسین علیه السلام :

ای مردم به راستی که خدای بلندمرتبه بندگان را خلق نکرد مگر برای این که او را بشناسند پس چون او را شناختند، عبادتش کنند، پس چون او را عبادت کردند به سبب آن از عبادت غیر او بی نیاز گردند. پس مردی به آن حضرت گفت: ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پدر و مادرم فدای شما باد، معرفت و شناخت خدا چیست؟ امام فرمود: این که اهل هر زمانی، امام زمان خود را بشناسند، همان که اطاعت او برایشان واجب است. (3)

1- عن ابی عبدالله علیه السلام قال: «الْإِمَامُ عَلَمٌ فِیمَا بَیْنَ اللهِ عَزَّوَجَلَّ وَ بَیْنَ خَلْقِهِ فَمَنْ عَرَفَهُ کَانَ مُؤْمِناً وَ مَنْ أَنْکَرَهُ کَانَ کَافِرا ً». (کمال الدین، ب39، ح9؛ بحار الانوار، ج10، ح32، ص79)
2- عن یحیی بن عبدالله عن ابی عبدالله علیه السلام انّه قال: «یَا یَحْیَی بْنَ عَبْدِاللهِ مَنْ بَاتَ لَیْلَةً لَا یَعْرِفُ فِیهَا إِمَامَهُ مَاتَ مِیتَةً جَاهِلِیَّه». (غیبت نعمانی، ص80؛ بحار الانوار، ج10، ح8، ص71)
3- عن ابی عبدالله علیه السلام قال: «خَرَجَ الْحُسَیْنُ بْنُ عَلِیٍّ علیه السلام عَلَی أَصْحَابِهِ فَقَالَ أَیُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللهَ جَلَّ ذِکْرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِیَعْرِفُوهُ فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبَدُوهُ فَإِذَا عَبَدُوهُ اسْتَغْنَوْا بِعِبَادَتِهِ عَنْ عِبَادَهِ مَنْ سِوَاهُ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ یَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ بِأَبِی أَنْتَ وَ أُمِّی فَمَا مَعْرِفَهُ اللهِ قَالَ مَعْرِفَهُ أَهْلِ کُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِی یَجِبُ عَلَیْهِمْ طَاعَتُه ». (بحار الانوار، ج10، ح22، ص74؛ علل الشرایع، ج 1، ص9)

نکته هایی از روایات

اهمیّت شناخت امام

1. در روایات معصومین علیهم السلام نکات مهمی دربارۀ اهمیّت شناخت امام مطرح شده است که بعضی از آنها عبارتند از:

الف. «معرفت امام» مسئله ای است که به اصل دیانت انسان برمی گردد به گونه ای که بدون آن، حیات معنوی انسان، تباه می شود. (حدیث 1)

ب. «مرگ جاهلی»، نشانۀ زندگی جاهلانه است زیرا مرگ، عصارۀ حیات است. بنابراین آن که امام عصر خود را نشناسد و ولایت او را نپذیرد زندگی جاهلانه دارد و از حیات انسانی بی بهره است گرچه حیات حیوانی دارد. (1)

ج. نیاز به امام و هدایت او، از هر نیاز دیگر بالاتر است به گونه ای که سزاوار نیست انسان. حتّی شبی را بدون معرفت و اعتقاد به امام حق به صبح برساند، به همین دلیل امامان، نسبت به فوری بودن آن نیز هشدار داده اند. (حدیث 5)

د. هدف خلقت، معرفت خدا و عبودیّت خالص برای اوست و راه خداشناسی و بندگی او آن گونه که شایسته اوست، پذیرفتن ولایت امام معصوم علیه السلام است و اوست که خداوند را به درستی معرفی می کند و راه بندگی او را به شایستگی نشان می دهد. پس هرکس امام زمان خود را نشناسد هدف خلقت را گم کرده و زندگی دنیوی و اخروی خود را باخته است. (حدیث 6)

1- امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف موجود موعود، ص29 و ص36.

مفهوم امام شناسی و جایگاه آن

2. با توجّه به اهمیّت معرفت امام، لازم است که مقصود از آن به درستی تبیین شود:

از آیات و روایات معلوم می شود که معرفت امام، مراتبی دارد که هرکدام آثار و برکاتی دارد؛ گرچه شناخت امام به حسب و نسب و نام و لقب، لازم و ضروری است ولی کافی نیست و آن چه مهم است شناخت امامت و جایگاه بلند آن در دین است یعنی امام را بشناسی به این که حجّت خدا و جانشین بر حق پیامبر است و خود را ملتزم به اطاعت کامل و تسلیم مطلق در برابر او بدانی و این اطاعت را عین اطاعت پیامبر و خداوند بدانی ! (1) (حدیث 2 و 3 و 4 و 6)

3. مقصود از «امام» همان کسی است که خداوند اطاعتش را واجب کرده و او را حجّت در زمین و شاهد بر خلق قرار داده است. (حدیث 2) او نشانه خداست که در میان مردم قرار داده (حدیث 4) و کسی که او را نشناسد و به راه او نرود گرفتار هواهای نفسانی گشته به گمراهی قطعی و حتمی گرفتار می شود. (حدیث 3 و 4)

4. مقصود از «اولی الامر» _ مطابق روایات _ همان امام و جانشین پیامبر است. جایگاه او در این آیه چنان معرفی شده که اطاعت از او در

1- برای شناخت امام و جایگاه او دو منبع بسیار خوب قرآن و احادیث معصومین علیهم السلام است. برای نمونه می توانید به اصول کافی، ج1 «کتاب الحجّه» بنگرید و نیز به «زیارت جامعه کبیره» (در مفاتیح الجنان) و شرح آن در کتاب ادب فنای مقرّبان از «آیت الله جوادی آملی» مراجعه کنید.

ردیف اطاعت خدا و رسول قرار گرفته است و همانند آنها، باید به صورت مطلق و در همه فرمان ها مورد اطاعت قرا رگیرد و این دلیل عصمت و پاکی اوست. (1) (حدیث 2)

مصداق امام کیست؟

5. در آیه 59 نساء امام را به عنوان «اولی الامر» معرفی کرده است ولی این که این عنوان بر چه اشخاصی پس از پیامبر منطبق می گردد، در روایات نبوی صلی الله علیه و آله و سلم بیان گردیده است. چون «امام» در جایگاه اولی الامری کسی جز «معصوم» نیست؛ نمی تواند به وسیله مردم انتخاب شود بنابراین، خداوند آنها را برمی گزیند و به وسیله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به مردم اعلام می کند. (حدیث2)

1- ر.ک: به المیزان، علامه طباطبایی، ذیل آیه 59 سورۀ نساء؛ نیز تفسیر کبیر از امام فخر رازی شافعی، ذیل همان آیه.

فصل سوم: روایات دوازده امام

اشاره

مهم ترین مسئله امّت اسلامی پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، مسئله جانشینی آن حضرت بوده است. گروه هایی از مسلمین گمان می کنند که پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله و سلم دربارهٔ خلافت بعد از خود سخنی نفرموده است و این امر مهمّ را به امّت و تصمیم آنها براساس مشورت عمومی، واگذاشته است! ولی شیعه معتقد است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در موارد فراوان و در مناسبت های مختلف و در اجتماعات کوچک و بزرگ، نسبت به خلافت و خلفای بعد از خود سخن گفته بلکه به تعداد آنها و نیز اشخاص آنها تصریح کرده و همه خلفای پس از خود را نام برده است. شاهد بر این ادّعا روایات فراوانی است که در کتاب های مسلمین اعم از شیعه و سنّی بیان گردیده است. بخشی از این روایات، مورد قبول همهٔ مسلمین و در حدّ تواتر (1) است و در کتب صحاح (2) نقل

1- «تواتر» یعنی راویان یک حدیث به قدری زیادند که به درستی حدیث، یقین پیدا می شود.

2- کتب صحاح، شش کتاب حدیثی اهل سنّت است که نزد آنها مورد قبول است و مهم ترین آنها صحیح بخاری و صحیح مسلم است.

شده است. در این جا چند نمونه از آن روایات را بیان کرده و بررسی خواهیم کرد:

روایات

1. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم:

همیشه اسلام عزیز خواهد بود تا آن زمان که دوازده خلیفه باشند. جابر بن سمره (راوی) می گوید:

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سخنی گفت که من نشنیدم؛ به پدرم گفتم: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چه فرمود؟ گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: همهٔ آنان از قریش خواهند بود. (1)

2. ابوسعید خدری از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نماز اوّل را برای ما اقامه کرد و سپس رو به ما کرده و فرمود:

ای گروه یاوران من! به راستی که مَثَل اهل بیت من در میان شما مَثَل کشتی نوح و باب حطّه در بنی اسرائیل است. پس به اهل بیت من و امامان از نسل من چنگ بزنید! که در این صورت هرگز گمراه نخواهید شد!

سؤال شد: ای رسول خدا! امامان بعد از شما چند نفرند؟

1- عن جابر بن سمره عن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قال: «لَا يَزَالُ هَذَا الْإِسْلَامُ عَزِيزاً إِلَی اثْنَیْ عَشَرَ خَلِيفَةً ثُمَّ قَالَ کَلِمَةً لَمْ أَفْهَمْهَا فَقُلْتُ لِأَبِی مَا قَالَ فَقَالَ قَالَ کُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْش». (منتخب الاثر، ج1، ح19، ص26 به نقل از صحیح مسلم) و مانند این روایت در سنن ابی داود و سنن ترمذی و المعجم الکبیر طبرانی و مسند احمد بن حنبل که همه از کتاب های معتبر اهل سنّت است، آمده است. برای ملاحظه روایات ر.ک: به منتخب الاثر ج1، ص19 به بعد.

فرمود: دوازده نفر از اهل بیت من (یا فرمود) از عترت من. (1)

3. از امیرالمؤمنین علی علیه السلام سؤال شد که:

مقصود از «عترت» در این سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم چیست؟ «به درستی من دو چیز گران بها در میان شما (= امّت اسلامی) به جا می گذارم: کتاب خدا و عترتم را». علی علیه السلام فرمود: یعنی من و حسن و حسین و نه امام از فرزندان حسین علیهم السلام که نهمین آنها مهدی ایشان است. اینان از کتاب خدا جدا نخواهند شد و کتاب خدا هم از آنها جدا نمی شود تا آن گاه که در کنار حوض، بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وارد شوند. (2)

4. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم:

من سرور پیامبرانم و علی ابن ابیطالب علیه السلام سرور اوصیاء پیامبران و به راستی که جانشینان من پس از من دوازده نفرند که اوّلین آنها علی ابن ابیطالب علیه السلام و آخرین آنها قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف است. (3)

1- عن ابی سعید الخُدری قال: صلّی بنا رسول الله صلاه الاوی ثمّ اقبل بوجهه الکریم علینا فقال صلی الله علیه و آله و سلم: «معاشر اصحابی انّ مَثَل اهل بیتی فیکم مَثَل سفینه نوح و باب حطّه فی بنی اسرائیل، فتمسّکوا باهل بیتی و الأئمه الرّاشدین من ذرّیتی فانّکم لن تضلّوا ابداً فقیل یا رسول الله کم الائمّه من بعدک؟ فقال: اثناعشر من اهل بیتی (اوقال) من عترتی.» (منتخب الاثر، ج1، ح66، ص48؛ به نقل از کفایه الاثر)

2- سُئِلَ أَمِیرُالْمُؤْمِنِینَ علیه السلام عَنِ مَعْنَی قَوْلِ رَسُولِ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلم إِنِّی مُخَلِّفٌ فِیکُمُ الثَّقَلَیْنِ کِتَابَ اللهِ وَ عِتْرَتِی مَنِ الْعِتْرَهُ فَقَالَ أَنَا وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ وَ الْأَئِمَّهُ التِّسْعَهُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَیْنِ تَاسِعُهُمْ مَهْدِیُّهُمْ وَ قَائِمُهُمْ لَا یُفَارِقُونَ کِتَابَ اللهِ وَ لَا یُفَارِقُهُمْ حَتَّی یَرِدُوا عَلَی رَسُولِ اللهِ علیه السلام حَوْضَه». (منتخب الاثر، ح243، ص162) این حدیث در منتخب الاثر از کتاب غیبت فضل بن شاذان نقل شده و البتّه مانند آن در کتاب های حدیثی دیگر مانند عیون اخبار الرّضا، کمال الدین، اثبات الهداه، بحار الانوار و اعلام الوری روایت گردیده است.

3- عن عبدالله بن عباس قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: «أَنَا سَیِّدُ النَّبِیِّینَ وَ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ سَیِّدُ الْوَصِیِّینَ وَ إِنَّ أَوْصِیَائِی بَعْدِی اثْنَا عَشَرَ أَوَّلُهُمْ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ وَ آخِرُهُمُ الْقَائِمُ علیه السلام ». (منتخب الاثر، ج1، ح154، ص105 از باب دوم؛ به نقل از فرائد السّمطین، ج2، ص313)

5. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم:

امامان پس از من دوازده نفرند اوّلین آنها تو هستی ای علی ! و آخرین آنها قائم است که خداوند به دست او مشرق و مغرب زمین را فتح خواهد کرد. (1)

6. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم:

به راستی که وصی وخلیفه پس از من علی بن ابیطالب علیه السلام است و پس از او دو سبط من حسن وسپس حسین و پس از ایشان نه نفر از نسل حسین، امامان ابرار.

از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خواسته شد که همه آنها را نام ببرد آن حضرت ادامه دادند:

پس از حسین فرزندش علی وپس از علی فرزندش محمد و پس

1- عَن علی عن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: «الْأَئِمَّهُ بَعْدِی اثْنَا عَشَرَ أَوَّلُهُمْ أَنْتَ یَا عَلِیُّ وَ آخِرُهُمُ الْقَائِمُ الَّذِی یَفْتَحُ اللهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَی یَدَیْهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا». (منتخب الاثر، ج1، ح155، ص106 از باب دوم به نقل از ینابیع الموده، ب94، ص492؛ کمال الدین، ج1، ب24، ح35، ص282) .عن ابن عباس قال: قدم یهودی علی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم یقال له نعثل فقال له: یا محمد ... فاخبرنی عن وصیک من هو؟... فقال نعم ان وصیی و الخلیفه من بعدی علی بن ابی طالب علیه السلام وبعده سبطای الحسن ثم الحسین یتلوه تسعه من صلب الحسین ائمه ابرار، قال یا محمد فسمهم لی. قال نعم، اذا مضی الحسین فابنه علی، فاذا مضی علی فابنه محمد، فاذا مضی محمد فابنه جعفر، فاذا مضی جعفر فابنه موسی، فاذا مضی موسی فابنه علی، فاذا مضی علی فابنه محمد ثم ابنه علی ثم ابنه الحسن ثم الحجه بن الحسن، فهذه اثنا عشر ائمه عدد نقباء بنی اسرائیل... (منتخب الاثر، ج1، ص168؛ نقلاً عن فرائد السمطین، ج2، ص132، ب31، ح431)

از محمد فرزندش جعفر و پس از جعفر فرزندش موسی و پس از موسی فرزندش علی و پس از علی فرزندش محمد و پس از محمد فرزندش علی و پس از علی فرزندش حسن و پس از او حجت بن الحسن؛ پس ایشان دوازده امام هستند به تعداد نقباء بنی اسرائیل .

نکته هایی از روایات

پیامبر و مسئله جانشینی او

1. به گواهی روایات فراوان، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بارها دربارهٔ سرنوشت اسلام و مسلمین بعد از خودش، بیانات روشن گرانه ای فرموده و امر امّت را مهمل و مجمل نگذاشته است.

2. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پیوسته نگران امّت خود و اسلام عزیز برای

زمان پس از خود بود به همین دلیل مسلمین را به پیوستن و پیروی کردن از کسانی توصیه کرد که آنها را از خطر گمراهی حفظ کنند. (روایت 2 و 3)

جایگاه عترت پیامبر

3. از این که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم همواره به پیروی و اطاعت مطلق از اهل بیت علیهم السلام امر می فرمود، معلوم می شود که آنها همگی افرادی عالم و صالح بوده بلکه برگزیدگان امّت در هر زمان بوده اند. (روایت 2)

4. در حدیث مشهور و مقبول ثقلین، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اهل بیت و عترت خود را در ردیف قرآن کریم قرار داده و تصریح کرده است که هیچ گاه بین اینان و قرآن جدایی نخواهد بود و این هم آهنگی و

همراهی همیشگی بین قرآن و عترت، نشانه عصمت و پاکی عترت است یعنی همان گونه که قرآن مصون از هر باطل و خطایی است، امامان و جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز معصوم از گناه و خطا هستند و اگر احتمال خطا در رفتار یا گفتار آنها وجود داشت شایسته نبود که در کنار قرآن و هم سنگ و هم وزن آن باشند. (روایت 3)

5. عدم جدایی قرآن و عترت این پیام بزرگ را دارد که هرجا قرآن سخن از مؤمنان و مجاهدان و صالحان گفته است عالی ترین مصادیق و نمونه های آنها، عترت پیامبرند و هرجا اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رهنمودی داده اند پرده از یک حقیقت قرآنی برداشته اند زیرا که ایشان بهترین مفسّران قرآنند بلکه خود قرآن ناطق اند. (روایت 3)

6. همتایی قرآن، فضیلتی مخصوص اهل بیت و عترت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است و همان طور که اگر کسی _ هرکه باشد _ برخلاف قرآن حرکت کند یا سخنی بگوید محکوم به بطلان است، هر کسی در مقابل فردی از عترت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قرار گیرد و سخنی یا اقدامی برخلاف آنها داشته باشد باطل است، به عبارت روشن تر، عترت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم محور و مدار «حقّ» هستند (1) و حقّ با آنها شناخته می شود. (روایت 3)

کشتی نوح و باب حطّه

7. در روایات بسیار که در کتاب های شیعه و سنّی آمده است:

1- چنان که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دربارۀ امام علی علیه السلام فرمود: «عَلِیٌّ مَعَ الْحَقِّ وَ الْحَقُّ مَعَ عَلِیٍّ یَدُورُ حَیْثُمَا دَار»؛ یعنی علی با حق است و حق با علی است و حق بر مدار علی می چرخد. (بحارالأنوار، ج30، ص352)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اهل بیت خود را به «کشتی نوح» و «باب حطّه» بنی اسرائیل تشبیه فرموده است و ویژگی این دو آن است که هرکس به سوی آنها رفته حتماً نجات یافته است زیرا به تصریح قرآن، آنها که بر کشتی نوح سوار شدند نجات یافتند و آنها که سوار نشدند _ حتّی پسر نوح _ به عذاب الهی هلاک گردیدند. (1) «باب حطّه» نیز دری است از درهای «بیت المقدس» که هرکس از آن وارد می شد گناهانش بخشیده می شد زیرا خداوند چنین دستور داده و اراده کرده بود و آنهاکه از انجام فرمان خدا در ورود از این در، تخلّف کردند به عذاب سختی گرفتار شدند: (2) (روایت 2)

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

آگاه باشید که مثل اهل بیت من در میان شما چونان کشتی نوح است در میان قومش! هرکه بر آن درآمد نجات یافت و هرکه از آن روی گردانید غرق شد! (3)

و نیز فرمود:

مَثَل اهل بیت من در میان شما هم چون باب حطّه است در میان بنی اسرائیل! هرکه از آن داخل شود آمرزیده شود! (4)

1- ر.ک: سورهٔ هود، آیات 36 _ 49.
2- سورهٔ بقره، آیات 58 _ 59؛ تفسیر نمونه، ج1، ص267_ 270.
3- عن ابی ذر قال: «سمعت النبی صلی الله علیه و آله و سلم یقول: الاإِنَّ مَثَلَ أَهْلِ بَیْتِی فِی أُمَّتِی کَمَثَلِ سَفِینَهِ نُوحٍ فِی قَوْمِهِ مَنْ رَکِبَهَا نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِق». (المستدرک علی الصحّیحین، 3، 4720، ص163؛ کمال الدین، ح59، ص239)
4- عن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: «انَّما مَثَلُ اَهلِ بَیتِی فِیکُم مَثَلُ بابِ حِطَّهٍ فِی بَنِی إسرَائِیلَ مَن دَخَلَهُ غُفِرَلَهُ ». (المعجم الاوسط، 6، 5870، ص85؛ المعجم الصغیر، 2، ص22؛ الصواعق المحرقه، ص152)

معرفی امامان توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

8. برای این که از هرگونه خطا و انحراف در شناسایی خلفا و جانشینان پیامبر، اجتناب شود، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بارها دربارهٔ ویژگی ها و نام و لقب و حسب و نسب و قوم و تبار امامانِ پس از خود سخن فرمودند، بنابراین افرادی مثل بنی امیّه و بنی عباس _ گرچه به ظاهر منصب خلافت را اشغال کردند _ هرگز مصداق روایات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیستند زیرا هیچ یک از آن ویژگی ها در اینان یافت نشده است! تعداد خلفای یادشده بیش از دوازده تن بوده و از قریش نبوده اند و اعمال آنها در موارد زیادی برخلاف قرآن و سنّت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بوده است و به همین دلیل پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم هوش مندانه به خطر آنها برای اسلام و مسلمین هشدار داده است:

وای بر این امّت از سلاطین جبّار! چگونه می کشند و اطاعت کنندگان را می ترسانند مگر آنها که آشکارا آنها را اطاعت کنند! مؤمنِ پرهیزکار با زبان [و در ظاهر] با آنها سازگاری می کند ولی در دل از اینان فرار کرده و دوری می جوید! پس آن گاه که خداوند اراده کند که اسلام را عزیز گرداند هر جبّاری را نابود می سازد و او بر هر آن چه اراده کند تواناست [و بر این که] امّتی را پس از فساد، اصلاح فرماید. (1)

1- عن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قال: «وَیْحَ هَذِهِ الْأُمَّهِ مِنْ مُلُوکٍ جَبَابِرَهٍ کَیْفَ یَقْتُلُونَ وَ یُخِیفُونَ الْمُطِیعِینَ إِلَّا مَنْ أَظْهَرَ طَاعَتَهُمْ فَالْمُؤْمِنُ التَّقِیُّ یُصَانِعُهُمْ بِلِسَانِهِ وَ یَفِرُّ مِنْهُمْ بِقَلْبِهِ فَإِذَا أَرَادَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ أَنْ یُعِیدَ الْإِسْلَامَ عَزِیزاً قَصَمَ کُلَّ جَبَّارٍ عَنِیدٍ وَ هُوَ الْقَادِرُ عَلَی مَا یَشَاءُ أَنْ یُصْلِحَ أُمَّهً بَعْدَ فَسَادِهَا». (المعجم الاحادیث الامام المهدی، ج10، ح1، ص15 به نقل از صفه المهدی)

بخش دوم: مهدی شناسی

اشاره

فصل اوّل: امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن

اشاره

مهدویت حقیقتی است که قرآن کریم به عنوان قانون اساسی اسلام به آن پرداخته است زیرا که مهدویت هم از ابتدای خلقت عالم به عنوان غایت و هدف نهایی از خلقت انسان و بعثت انبیاء مطرح بوده است و هم به عنوان مهم ترین موضوع در آینده جهان، با سرنوشت انسان ها گره خورده است. اما چون قرآن کریم در معرفی افراد و گروه ها همیشه به صراحت عمل نکرده است، بعضی گمان کرده اند که این حقیقت نورانی در قرآن نیامده است حال آن که شیوه قرآن در بیان معارف و واقعیت های عالم در بسیاری از موارد، بیان ویژگی ها و اوصاف است. برای مثال در مسئله ولایت و خلافت بعد از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم که ضرورت آن امری بدیهی و مورد قبول همه مسلمین است، فراوان سخن گفته ولی در همه جا برای ذکر مصداق ولیّ و جانشین بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از شیوه بیان اوصاف و ویژگی ها استفاده کرده است. مانند آیهٔ 55 از سورهٔ مائده و یا آیهٔ 59 از سورهٔ نساء.

بنابراین وقتی با دقت به آیات قرآن نگاه می کنیم در می یابیم که هر جا از آینده اسلام و بشریت سخن گفته ویژگی هایی از حکومت امام مهدی علیه السلام را مطرح کرده است؛ زیرا که آن چه از اوصاف در این زمینه بیان کرده است جز بر دولت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قابل انطباق نیست. این حقیقتی است که روایات فراوانی از شیعه و سنی پشتوانه آن است. در این بخش بعضی از آن آیات و روایات را می آوریم:

قال تعالی: «وَعَدَ اللهُ الَّذِینَ آمَنُوا مِنکُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الْأَرْضِ کَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِینَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَیُمَکِّنَنَّ لَهُمْ دِینَهُمُ الَّذِی ارْتَضَی لَهُمْ وَلَیُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً یَعْبُدُونَنِی لاَ یُشْرِکُونَ بِی شَیْئاً وَمَن کَفَرَ بَعْدَ ذلِکَ فَأُولئِکَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (1)

«خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند وعده داده است که حتماً آنان را در زمین خلیفه (خود) گرداند همان گونه که کسانی که پیش از آنان بودند جانشین (خود) قرار داد و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند و ترس آنها را به ایمنی مبدل گرداند (تا) مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند و هر کس پس از آن به کفر گراید، آنانند که نافرمانند.»

1. امام صادق علیه السلام فرمود:

تأویل این آیه هنوز نیامده است و اگر قائم ما قیام کند پس از این، هر که او را درک کند تأویل این آیه را خواهد دید و هر آینه دین محمد صلی الله علیه و آله و سلم به هر کجا شب می رسد خواهد رسید تا آنجا که

1- سوره نور، آیه55.

مشرکی بر سطح زمین نخواهد ماند همان گونه که خداوند فرموده: مرا عبادت می کنند و هیچ شرکی به من نمی ورزند. (1)

2. امام سجاد علیه السلام آیه مذکور را تلاوت کرده و فرمود:

ایشان (که در آیه به آنها وعده داده شده) به خدا سوگند شیعیان ما اهل بیت هستند. خداوند با آنها چنین خواهد کرد به دست مردی از ما (اهل بیت علیهم السلام) و او مهدی این امت است و او همان کسی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم (درباره اش) فرمود: اگر از عمر دنیا جز یک روز نمانده باشد خداوند آن روز را چنان طولانی خواهد کرد که مردی از اهل بیت من به ولایت برسد او هم نام من است که زمین را از عدل و قسط پر می کند همان گونه که از جور و ظلم پر شده باشد. (2)

3. امام صادق علیه السلام فرمود:

خدایا آن چه به ما وعده فرمودی به انجام رسان به راستی که تو وعده را تخلّف نکنی! راوی گوید: پرسیدم: مولای من کجاست (و کدام است) وعده خدا؟ فرمود: سخن خدای بلندمرتبه که فرموده: خداوند به مومنان از شما و آنها که اعمال شایسته انجام

1- عَنْ زُرَارَهَ قَالَ أَبُوعَبْدِالله علیه السلام انه قال: «إِنَّهُ لَمْ یَجِئْ تَأْوِیلُ هَذِهِ الْآیَهِ وَ لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا سَیَرَی مَنْ یُدْرِکُهُ مَا یَکُونُ مِنْ تَأْوِیلِ هَذِهِ الْآیَهِ وَ لَیَبْلُغَنَّ دِینُ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله و سلم مَا بَلَغَ اللَّیْلُ حَتَّی لَا یَکُونَ شِرْکٌ عَلَی ظَهْرِ الْأَرْضِ کَمَا قَالَ الله: یعبدوننی لایشرکون بی شیئاً». (مجمع البیان، ذیل آیه 39 انفال؛ اثبات الهداه، ج3، ص524، ب32، ف21، ح 416)

2- عن الامام زین العابدین علیه السلام انه قرأ الایه و قال: هم والله شیعتنا اهل البیت یفعل الله ذلک بهم علی یدی رجل منّا و هو مهدی هذه الامه و هو الذی قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، لو لم یبق من الدنیا الا یوم واحد لطوّل الله ذلک الیوم حتی یلی رجل من عترتی اسمه اسمی یملأ الارض عدلاً و قسطا کما ملئت جوراً و ظلما. (مجمع البیان، ذیل آیه؛ اثبات الهداه، ج3، ص525، ب32، ف21، ح422)

دادند وعده داده که ایشان را در زمین خلیفه گرداند. (1)

4. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

روی زمین خانه ای از سنگ و خاک و پشم نمی ماند مگر این که خداوند اسلام را در آن داخل می کند. (2)

نکاتی دربارۀ آیه شریفه و روایات ذیل آن

یک. خداوند در این آیه برای آینده اسلام و مسلمین، خبر از جامعه ای داده است که مسلمین در آن حاکم بوده و دین اسلام همه جهان را فرا خواهد گرفت و هیچ ترس و نگرانی برای امت اسلامی نخواهد بود بلکه در همه جا با امنیت کامل به سر خواهند برد.

دو. نتیجه برپایی جامعه ای با خصوصیات مذکور در آیه، آن است که عبادت واقعی خدا محقق خواهد شد و زمین ازعبادت های شرک آلود پاک خواهد شد چنان که این معنا از فراز « یَعْبُدُونَنِی لَا یُشْرِکُونَ بِی شَیْئاً» (3) استفاده می شود.

1- عن الصادق علیه السلام : اللهم انجز لنا ما وعدتنا انک لاتخلف المیعاد، قال: قلت: یا سیدی فاین وعدالله؟ قال: قول الله عزوجل: وعدالله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض. (اثبات الهداه، ج3، ص581، ب32، ف59، ح764؛ بحار، ج51، ص64، ب5، ح65)
2- روی سلیم بن عامر عن المقداد بن اسود (قال) سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم یقول: لایبقی علی ظهر الارض بیت حجر و لا مدر و لاوبر الا ادخله الله کلمه الاسلام.... (تفسیر الماوردی، ج40، ص118؛ مجمع الزوائد، ج6، ص14_ البرهان (ذیل آیه)؛ به نقل از جوامع الجامع _ تفسیر قرطبی ذیل آیه)
3- سوره نور، آیه 55.

سه. لازمه عبادت خدا بدون هر گونه شرکی، حاکمیت اسلام بر همه زمین و خلیفه شدن برگزیده ترین فرد از میان اهل اسلام بر همه ارض و استقرار امنیّت در همه زمینه های حیات فردی و اجتماعی است؛ پس محدود کردن معنی آیه به زمان چهار خلیفهٔ پس از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم وجهی ندارد. (1) در روایتی بلند از امام صادق علیه السلام فرازهای این آیه بیان گردیده و تحقق آنها به زمان ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف منوط گردیده است و در ادامه این گونه آمده است:

مفضّل (راوی روایت) گوید: گفتم ای پسر رسول خدا، این نواصب معتقدند که این آیه (یعنی آیه 55 سوره نور) دربارهٔ (خلافت) ابوبکر و عمر و عثمان و علی علیه السلام نازل شده (و از دوران آنها خبر می دهد). حضرت فرمود: خدا دل های ایشان را هدایت نکند! چه زمانی بوده که دین مورد رضایت خدا و رسول (یعنی اسلام) تثبیت گردیده همراه آن امنیت در میان امت گسترده شده و نگرانی از دل های ایشان رخت بسته و هر گونه شک و تردیدی از سینه مسلمین برطرف شده؟ در زمان کدامین نفر از خلفای سه گانه و یا در خلافت علی علیه السلام ؟! حال آن که در همان ایام (بعضی از) مسلمین مرتد گشته و فتنه ها و آشوب هایی برپا گردید و جنگ هایی میان کفار و مسلمین رخ داده است. (2)

1- برخی از علمای اهل سنت گفته اند که مراد از آیه دوران خلافت خلفای راشدین و امام علی علیه السلام است.

2- «قَالَ الْمُفَضَّلُ فَقُلْتُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ إِنَّ النَّوَاصِبَ تَزْعُمُ أَنَّ هَذِهِ الْآيَةَ نَزَلَتْ فِی أَبِی بَكْرٍ وَ عُمَرَ وَ عُثْمَانَ وَ عَلِیٍّ قَالَ لَا يَهْدِ اللهُ قُلُوبَ النَّاصِبَهِ مَتَى كَانَ الدِّينُ الَّذِی ارْتَضَاهُ اللهُ وَ رَسُولُهُ مُتَمَكِّناً بِانْتِشَارِ الْأَمْنِ فِی الْأُمَّهِ وَ ذَهَابِ الْخَوْفِ مِنْ قُلُوبِهَا وَ ارْتِفَاعِ الشَّكِّ مِنْ صُدُورِهَا فِی عَهْدِ أَحَدٍ مِنْ هَؤُلَاءِ وَ فِی عَهْدِ عَلِیٍّ ع مَعَ ارْتِدَادِ الْمُسْلِمِينَ وَ الْفِتَنِ الَّتِی كَانَتْ تَثُورُ فِی أَيَّامِهِمْ وَ الْحُرُوبِ الَّتِی كَانَتْ تَنْشَبُ بَيْنَ الْكُفَّارِ وَ بَيْنَهُم.» (تفسیر کنز الدقائق، ج9، ص319، ذیل آیه شریفه؛ به نقل از کمال الدین و تمام النعمه)

چهار. آن چه در این آیه بیان گردیده از حکومت نهایی صالحان بر زمین و جهانی شدن دین اسلام، حقیقتی است که در آیاتی دیگر از قرآن نظیر آیه 23 سوره توبه و 28 سوره فتح و 9 سوره صفّ به صراحت آمده است و بارها بشارت داده است که وارث زمین، بندگان شایسته خواهند بود (مانند انبیاء/105) و عاقبت از آن متقین خواهد بود (مانند اعراف/128). روشن است که حمل آیه بر معنایی که در

قرآن نظائری دارد بهتر است از محدود کردن آن به یک معنی بدون شاهد و دلیل!

پنج. علاوه بر شواهدی که از متن آیه و آیات دیگر استفاده می شود، روایات فراوانی از اهل بیت علیهم السلام رسیده که تأویل آیه را مربوط به روزگار ظهور مهدی علیه السلام دانسته است. این روایات از امام سجاد و امام باقر و امام صادق علیهم السلام نقل شده و در تفاسیری روائی نظیر البرهان، نورالثقلین و صافی آمده است.

شش. در تفاسیر اهل سنت هم طبق بعضی از اقوال صحابه، کلمه «الارض» به بلاد عرب و عجم تفسیر شده و به روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم استناد گردیده است که طبق آن اسلام در آینده همه دنیا را خواهد گرفت و هیچ خانه ای نمی ماند مگر این که اسلام به آن داخل می گردد.

این حدیث خبر از جهانی شدن اسلام می دهد که به اتفاق مسلمین در روزگار مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود و در ذیل آیه 33 سوره توبه خواهد آمد.

آیهٔ دوم. قال تعالی: «هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَی وَدِینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَلَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ» (1)

ترجمه: او خدائی است که رسولش را با هدایت و آئین حق فرستاد تا (در نهایت) آن (آئین حق) را بر همهٔ آئین ها پیروز گرداند هرچند مشرکان کراهت داشته باشند.

دربارهٔ آیه فوق روایات فراوان از شیعه و سنّی آمده است که چند نمونه می آوریم:

1.امام صادق علیه السلام دربارهٔ آیهٔ بالا فرمود:

به خدا سوگند تأویل این آیه هنوز نازل نشده است و تأویل آن نخواهد آمد مگر آن گاه که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کند. پس وقتی او قیام کند. هیچ کافر و مشرکی نسبت به خدا و امام نمی ماند مگر این که از ظهور او نگران و ناراحت خواهد بود به گونه ای که اگر کافر یا مشرکی در دل سنگی (پنهان) باشد آن سنگ خبر دهد که ای مومن در دل من کافری وجود دارد مرا بشکن و

او را بکش! (2)

1- سوره توبه، آیه 33.

2- َ- عَنْ أَبِی بَصِیرٍ قَالَ: قَالَ أَبُوعَبْدِاللهِ علیه السلام فِی قَوْلِهِ عَزَّوَجَلَّ: هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدی وَ دِینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ فَقَالَ وَ اللهِ مَا نَزَلَ تَأْوِیلُهَا بَعْدُ وَ لَا یَنْزِلُ تَأْوِیلُهَا حَتَّی یَخْرُجَ الْقَائِمُ ع فَإِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ لَمْ یَبْقَ کَافِرٌ بِاللهِ الْعَظِیمِ وَ لَا مُشْرِکٌ بِالْإِمَامِ إِلَّا کَرِهَ خُرُوجَهُ حَتَّی لَوْ کَانَ کَافِرٌ أَوْ مُشْرِکٌ فِی بَطْنِ صَخْرَهٍ لَقَالَتْ یَا مُؤْمِنُ فِی بَطْنِی کَافِرٌ فَاکْسِرْنِی وَ اقْتُلْه. (نورالثقلین، ج3، ص108 «ذیل آیه»؛ به نقل از کمال الدین)

2. امیرالمؤمنین علیه السلام دربارهٔ آیه فوق پرسید:

آیا تا کنون اسلام بر سایر ادیان غلبه یافته؟ در پاسخ گفتند: آری! فرمود: هرگز(چنین نشده است) قسم به خدائی که جانم در دست اوست (چنان جهان را خواهد گرفت) که روستایی نمی ماند مگر این که گواهی به کلمه توحید هر صبح و شام در آن داده می شود! (1)

3. امام باقر علیه السلام فرمود:

قائم از ما (اهل بیت علیهم السلام) یاری شده به رُعب است و تأیید شده به نصرت الهی؛ زمین برای او پیچیده می شود و گنج ها برای او آشکار می گردد. حاکمیت او به شرق و غرب زمین می رسد و خداوند به دست او دین خود را بر همه ادیان چیره می سازد گرچه مشرکان ناراحت باشند پس (در زمان او) ویرانه ای نمی ماند مگر آن که آباد می شود و روح خدا عیسی بن مریم (از آسمان) پایین می آید و پشت سر او نماز می خواند. (2)

این ها کلمات نورانی اهل بیت پیامبر علیهم السلام است که بهترین مفسّران قرآن کریم اند ولی در میان صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و تابعین آن ها نیز کسانی

1- عَنْ عَبَایَهَ بْنِ رِبْعِیٍّ أَنَّهُ سَمِعَ أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام یَقُولُ: «هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ اَلْآیَهَ أَ ظَهَرَ ذَلِکَ بَعْدُ قالُوا نَعَم کَلَّا وَ الَّذِی نَفْسِی بِیَدِهِ حَتَّی لَا یَبْقَی قَرْیَهٌ إِلَّا وَ نُودِیَ فِیهَا بِشَهَادَهِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَ أَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللهِ بُکْرَهً وَ عَشِیًّا.» (مجمع البیان، ذیل آیه 9صفّ)
2- عن الْبَاقِرَ علیه السلام یَقُولُ: «الْقَائِمُ مِنَّا مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ مُؤَیَّدٌ بِالنَّصْرِ تُطْوَی لَهُ الْأَرْضُ وَ تَظْهَرُ لَهُ الْکُنُوزُ یَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ وَ یُظْهِرُ اللهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ دَیْنَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ فَلَاَ یَبْقَی فِی الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا قَدْ عُمِرَ وَ یَنْزِلُ رُوحُ اللهِ عِیسَی ابْنُ مَرْیَمَ ع فَیُصَلِّی خَلْفَه.» (نورالثقلین، ج3، ص109، ح124 «ذیل آیه»)

هستند که آیه مورد بحث را به زمان ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تفسیر کرده اند که چند نمونه را می آوریم:

1. ابوهریره که از اصحاب پیامبر و راویان معروف اهل سنت است در توضیح آیه فوق گفته است:

این وعده ای است از خداوند به این که اسلام را بر همه ادیان برتری خواهد داد.

و سدّی که از مفسّران بزرگ است گفته: این رویداد هنگام قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است (در آن هنگام) کسی نمی ماند مگر این که به اسلام درآید یا جزیه دهد. (1)

2. سعید بن جبیر از بزرگان تابعین و دانشمندان والامقام و از اصحاب امام سجاد علیه السلام در تفسیر آیه فوق گفته است مقصود از آیه مهدی علیه السلام است که از خاندان فاطمه علیها السلام می باشد. (2)

3. جابر دربارهٔ این آیه گفته است:

این وعده خدا نخواهد مگر این که هیچ یهودی و نصرانی نمی ماند و هیچ دینی نخواهد بود مگر اسلام (و چنان امنیّتی خواهد بود) که گوسفند از گرگ و گاو از شیر و آدمی از مار احساس امنیت می کند... و آن وقت است که عیسی بن مریم علیه السلام فرود آید. (3)

و البته روشن است که مراد از زمان نزول عیسی علیه السلام همان زمان ظهور

1- التفسیر الکبیر، ج16، ص40.
2- بحار، ج15، ص98، ح38.
3- الدّر المنثور، ج4، ص161 (ذیل آیه33 سوره توبه)

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است زیرا که این مطلب مورد قبول همه مسلمین است که عیسی علیه السلام همزمان با ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرود می آید.

نکاتی دربارهٔ آیه شریفه و روایات ذیل آن

یک. این آیه شریفه که در سه جای قرآن آمده به صراحت از جهانی شدن دین اسلام و غلبه آن بر همه ادیان خبر داده است و غلبه کامل اسلام بر همه ادیان به معنی چیرِگی دین اسلام در همه ابعاد است و چون متعلق اراده خداوند است حتماً واقع خواهد شد.

دو. مراد از غلبه اسلام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر سایر ادیان تنها پیروزی از جهت منطق و استدلال نیست بلکه غلبه ظاهرِی و حاکمیّت اسلام بر جهان را بیان می کند چنان که در آیات دیگر هم «ظَهَرَ» به معنی غلبه ظاهری به کار رفته است (1) (مثل آیه 20 سوره کهف و آیه 8 سورهٔ توبه)

سه. کراهت مشرکین که در آیه مطرح شده زمانی به اوج می رسد که اسلام را دینِ حاکم بر جهان بدانند و این می رساند که مراد از غلبه اسلام در آیه غلبه اَی کامل و فراگیر است.

چهار. گذشته از ظاهر آیه، از روایات نیز غلبه ظاهری اسلام بر همه ادیان استفاده می شود. چون سخن از نابودی شرک در همه نقاط عالم و از بین رفتن همه مشرکان و کافران مطرح شده است که جز با غلبه ظاهری اسلام چنین اتفاقی نخواهد افتاد.

1- تفسیر نور، ج5، ص51. (ذیل آیه 33 سوره توبه)

پنج. در روایات متعددی از اهل بیت علیهم السلام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این گونه خوانده شده است: او همان کسی است که خداوند به سبب او دینش را بر همه ادیان غلبه خواهد داد. این تعبیر همان است که در آیه شریفه مطرح گردیده و می رساند که زمان تحقق این بشارت، همان زمان حاکمیت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. (روایت3)

شش. در بعضی از روایات آمده است که تحقق این آیه زمانی است که هیچ کس نمی ماند مگر این که اسلام می آورد. بلکه همه مظاهر کفر و شرک مانند صلیب و خنزیر نابود می گردد و امنیّت مطلق همه جا و همه کس را فرا می گیرد. اینها اموری است که تا کنون محقق نشده و در سایه غلبه ظاهری اسلام بر همه ادیان و در عصر حاکمیت ولیّ خدا (امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) محقق خواهد شد.

آیهٔ سوم: قوله تعالی «وَنُرِیدُ أَن نَّمُنَّ عَلَی الَّذِینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِینَ. وَنُمَکِّنَ لَهُمْ فِی الْأَرْضِ وَنُرِیَ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُم مَّا کَانُوا یَحْذَرُونَ». (1)

ترجمه: و ما اراده کرده ایم که بر مستضعفان در زمین منت نهاده و آنها را پیشوایان و وارثان قرار دهیم و در زمین به ایشان قدرت داده و از ناحیه آنها به فرعون و هامان و لشکریان آنها نشان دهیم آنچه را که از آن بیم داشتند.

در توضیح و تفسیر این آیه نیز روایات فراوانی وارد شده است که بعضی از آنها را می آوریم:

1- سوره قصص، آیات 5 _ 6.

1. امام علی علیه السلام فرمود:

هر آینه دنیا پس از چموشی و سرکشی، مانند شتری که از دادن شیر به دوشنده اش خودداری می کند و آن را برای بچه اش نگه داری می کند، به ما روی خواهد آورد. پس امام این آیه را تلاوت فرمود: «ونرید ان نمنّ...الوارثین». (1)

2. امام علی علیه السلام دربارۀ آیۀ بالا فرمود:

مقصود از این مستضعفان، خاندان پیامبرند که سرانجام خداوند مهدی ایشان را پس از تلاش و کوشش آنها برمی انگیزد؛ پس به وسیلۀ او آنان را عزیز کرده و دشمنانشان را خوار می گرداند. (2)

3. امام سجاد علیه السلام فرمود:

قسم به آن خدائی که محمد صلی الله علیه و آله و سلم را به حق برانگیخت تا بشارت دهنده و بیم دهنده باشد همانا خوبان ما اهل بیت و پیروان آنها به منزله موسی و پیروانش هستند و دشمنان ما اهل بیت و پیروانش به منزله فرعون و پیروانش. (3)

1- عن علي اميرالمؤمنين عليه السلام قال: «لَتَعْطِفَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شِمَاسِهَا عَطْفَ الضَّرُوسِ عَلَى وَلَدِهَا وَ تَلَا عَقِيبَ ذَلِکَ: وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِی الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثِين ». (نهج البلاغه، حکمت 209)

2- عن علی اميرالمؤمنين عليه السلام فی قوله: «وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِی الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثِينَ قَالَ هُمْ آلُ مُحَمَّدٍ يَبْعَثُ اللهُ مَهْدِيَّهُمْ بَعْدَ جَهْدِهِمْ فَيُعِزُّهُمْ وَ يُذِلُّ عَدُوَّهُم.» (الغيبه للطوسی، ص113)

3- و عن علي بن الحسين عليه السلام قال: «وَ الَّذِی بَعَثَ مُحَمَّداً بِالْحَقِّ بَشِيراً وَ نَذِيراً إِنَّ الْأَبْرَارَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ شِيعَتَهُمْ بِمَنْزِلَهِ مُوسَی وَ شِيعَتِهِ وَ إِنَّ عَدُوَّنَا وَ شِيعَتَهُمْ بِمَنْزِلَهِ فِرْعَوْنَ وَ أَشْيَاعِه.» (مجمع البيان، ذيل آيه شريفه)

4. صدوق رحمه الله از حکیمه خاتون نقل کرده:

چون هفت روز از تولّد قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف گذشت نزد پدرش امام عسگری علیه السلام آمدم، سلام کردم و نشستم. امام فرمود: فرزندم (مهدی) را نزد من بیاور و من چنین کردم...سپس امام عسگری فرمود: فرزندم! سخن بگو! فرمود: گواهی می دهم که معبودی جز الله نیست و سپس بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام و امامان پاک درود فرستاد تا این که به نام پدرش _ حضرت عسکری علیه السلام _ رسید و متوقف شد و سپس این آیات را تلاوت فرمود: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیم وَنُرِیدُ أَن نَّمُنَّ... مَّا كَانُوا يَحْذَرُونَ». (1)

توضیحی دربارهٔ جایگاه آیه

در آیات قبل ازآیه مورد بحث سخن از استکبار فرعون و ظلم و جنایت او نسبت به گروهی از ساکنان مصر یعنی بنی اسرائیل است. او با کشتن پسران و زنده نگه داشتن دختران و زنان آنها می خواست قومی ضعیف و ناتوان ایجاد کند زیرا که بر اساس پیش گوئی کاهنان، از حاکمیت بنی اسرائیل و نابودی خود و دستگاه استکباریش بیم داشت

1- باسناد الصدوق الی حکیمه قالت: «فَلَمَّا كَانَ يَوْمُ السَّابِعِ جِئْتُ وَ سَلَّمْتُ عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ فَقَالَ هَلُمِّی إِلَيَّ ابْنِی فَجِئْتُ بِسَيِّدِی وَ هُوَ فِی الْخِرْقَهِ فَفَعَلَ بِهِ كَفَعْلَتِهِ الْأُولَى ثُمَّ أَدْلَى لِسَانَهُ فِي فِيهِ كَأَنَّمَا يُغَذِّيهِ لَبَناً أَوْ عَسَلًا ثُمَّ قَالَ تَكَلَّمْ يَا بُنَيَّ فَقَالَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَ ثَنَّى الصَّلَاهَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ وَ عَلَى الْأَئِمَّهِ حَتَّى وَقَفَ عَلَى أَبِيهِ علیه السلام ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَهَ وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِی الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّهً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثِينَ وَ نُمَكِّنَ لَهُمْ فِی الْأَرْضِ وَ نُرِیَ فِرْعَوْنَ وَ هامانَ وَ جُنُودَهُما مِنْهُمْ ما كانُوا يَحْذَرُون...» (کمال الدین، ص425، ب42، ح1؛ به نقل از نور الثقلین، ج5، ص311)

و آیات 5 و 6 سوره قصص خبر از ارادهٔ الهی داده است که برخلاف خواست فرعون، می خواهد مستضعفان را بر مستکبران پیروز گردانیده و آنها را از انواع نعمت های خود بهره مند سازد.

نکته مهم در این آیات این است که ارادهٔ الهی بر نابودی فرعون و غلبه بنی اسرائیل بر او به گونه ای بیان شده که نشان می دهد این یک جریان کلی و قاعده عمومی و سنت جاری در تاریخ است و اختصاص به قوم و ملت خاصی _ مثل بنی اسرائیل _ ندارد زیرا اوّلاً سیاق موجود در آیه که افعال به کار رفته ی در آن به صیغه مضارع است می رساند که این اراده، مقطعی و موضعی نبوده بلکه مستمر و دنباله دار است و همه زمان ها را فرا می گیرد و ثانیاً در آیه دوّم از همین سوره فرموده«نَتْلُوا عَلَيْکَ مِن نَبَإِ مُوسَى وَفِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» (1) یعنی «ما بخشی از سرگذشت موسی و فرعون را برای (آگاهی) گروهی که ایمان می آورند، به درستی بر تو می خوانیم» و این می رساند که خداوند جریان مشکلات و مصائب موسی و بنی اسرائیل و فضای سخت زندگی آن ها را بیان می کند که تسلائی برای پیامبر و یاران او باشد و هم با توجه به فرجام نیکوی آن ها، بشارتی باشد که آن ها نیز به آینده ای بنگرند که همان ارادهٔ الهی درباره مسلمانان تحقق پیدا کند.

آن چه این برداشت را تقویت می کند وجود دو دسته آیات و

روایات است:

1- سوره قصص، آیه3.

الف. مسئله حاکمیت مستضعفان بر زمین نه تنها در این آیه که در آیات متعدد و با عبارات گوناگون بیان شده است:

قال تعالی: «وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِینَ کَانُوا یُسْتَضْعَفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِی بَارَکْنَا فِیهَا وَتَمَّتْ کَلِمَتُ رَبِّکَ الْحُسْنَی عَلَی بَنِی إِسْرَائِیلَ بِمَا صَبَرُوا...» (1)

و قال تعالی: «وَقَالَ الَّذِینَ کَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّکُم مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَتَعُودُنَّ فِی مِلَّتِنَا فَأَوْحی إِلَیْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِکَنَّ الظَّالِمِینَ وَلَنُسْکِنَنَّکُمُ الْأَرْضَ مِن بَعْدِهِمْ» (2)

و قال تعالی: «وَلَقَدْ کَتَبْنَا فِی الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّکْرِ أَنَّ الْأَرْضَ یَرِثُهَا عِبَادِیَ الصَّالِحُونَ» (3)

و نیز سورۀ نور آیه 55 و سورۀ یونس آیه 13 و 14.

ب. روایات فراوان از پیامبر و اهل بیت علیهم السلام موجود است که این آیات را بر امامان اهل بیت علیهم السلام هم چون امام علی علیه السلام و امام حسن و امام حسین علیهما السلام تطبیق کرده است و در واقع حکومت اهل بیت علیهم السلام و ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را مصداق این آیات دانسته است که بخشی از این روایات را نقل کردیم.

نکاتی پیرامون آیه شریفه و روایات آن

1. مطابق آیه، خداوند دربارۀ مستضعفان پنج امر را اراده

1- سوره اعراف، آیه 137.
2- سوره ابراهیم، آیه 13 _ 14.
3- سوره انبیاء، آیه 105.

فرموده است:

آنان را مشمول نعمت های خود قرار دهد و وارثان حکومت جباران گرداند و حکومتی قوی و پابرجا به آنها عطا کند و آنها را پیشوایان گردانیده و آن چه دشمنانشان از آن می ترسیدند به آنها (یعنی دشمنان) نشان دهد.

2. اراده خداوند برتر از ارادۀ غیر اوست و همان طور که در گذشته عملی گردیده است در آینده تاریخ نیز به عمل خواهد پیوست چنان که خود فرموده است: «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئاً أَن يَقُولَ لَهُ

كُن فَيَكُونُ». (1)

3. «منّت» به معنی نعمت سنگین است و دو گونه است: فعلی و قولی، و در آیه مقصود منّت فعلی است به معنی بخشیدن نعمت بزرگ به ایشان و آن چه قبیح است منّت قولی است یعنی بازگو کردن نعمت به قصد تحقیر طرف مقابل، چنان که در قرآن فرموده: «يَمُنُّونَ عَلَيْکَ أَنْ أَسْلَمُوا...» (2) و (3)

4. با توجه به مجهول بودن فعل «استضعفوا» مراد از «مستضعف» در آیه کسانی هستند که به ضعف کشیده شده اند و طاغوت آنها را به بند کشیده نه این که خود به این امر تن داده باشند.

5. نه تنها فرعون که همه جباران تاریخ سعی می کردند که نیروها

1- سوره یس، آیه 82.
2- سوره حجرات، آیه 17.
3- المیزان، ذیل آیه 5 سوره قصص؛ به نقل از: مفردات راغب اصفهانی.

فعال جامعه را از کار بیندازند. فرعون مردان را می کشت و امروز با انواع وسائل مخدر روحیه مردی و مردانگی را می کشند و سعی می کنند تا به هر وسیله مثل فحشا و سرگرمی های ناسالم مانع پیش رفت معنوی و علمی ملت ها شوند.

6. از روایات می فهمیم که قیام جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مصداق کامل اراده خداوند برای پیروزی مستضعفان بر مستکبران است که قبلاً نمونه محدودتر از آن در حکومت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در مدینه و پیش از آن در بنی اسرائیل رخ داده است.

7. ابن ابی الحدید معتزلی شارح نهج البلاغه در توضیح کلام امام علی علیه السلام آورده است:

به اعتقاد شیعه این آیه وعده خدا به ظهور امام غائبی است که در آخرالزمان مالک همه زمین می گردد و علمای ما (اهل سنت) می گویند که این آیه وعده خداوند به ظهور یک امام است که بر همه ممالک مسلّط خواهد شد و لازمهٔ این وعده آن نیست که آن امام هم اکنون موجود باشد. (1)

بنابراین در اصل تطبیق آیه بر ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اتفاق نظر است و اختلاف در ولادت آن امام است.

8. شرط برقراری حکومت مستضعفان، تلاش و کوشش و صبر و پایداری مومنان است چنان که در روایت امام علی علیه السلام آمده بود که پس از تلاش آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم مهدی آنها ظهور خواهد کرد و آنها را عزیز

1- شرح ابن ابی الحدید، ج19_20، ص24، حکمت 205.

خواهد ساخت. چنان که بنی اسرائیل هم زمانی حاکم شدند که به رهبری موسی علیه السلام صف واحدی تشکیل دادند و در راه خدا استقامت کردند چنان که خداوند فرمود: «... وَتَمَّتْ کَلِمَتُ رَبِّکَ الْحُسْنَی عَلَی بَنِی إِسْرَائِیلَ بِمَا صَبَرُوا...» (1)

تذکر مهم: ما در این جا تنها به 3 آیه از آیات مربوط به مهدویت پرداختیم ولی آیات در این موضوع بسیار فراوان است که علاقه مندان می توانند به کتاب «المحجّه فی ما نزل فی القائم الحجّه» (2) و یا کتاب «معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف » (3) مراجعه کنند.

1- سوره اعراف، آیه 137.
2- این کتاب تألیف علاّمه بحرانی رحمه الله است که حاوی 120 آیه است.
3- این کتاب تألیف گروهی از مولفان و محققان قرآنی است که حاوی 265 آیه است.

فصل دوم: حسب و نسب شریف امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

صدها روایت از کتب فریقین دلالت دارد که مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف از خاندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و از فرزندان پاک و مطهّر اوست و در همین دسته از احادیث، پدران و اجداد آن حضرت یک به یک بیان گردیده و نسب شریف او را به پیامبر مکرّم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم ختم کرده است (1) به گونه ای که هیچ فردی چنین نسب شریف و درخشانی ندارد.

1. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

او مردی از عترت من است. او براساس سنّت من می جنگد همان گونه که من براساس وحی جنگیدم. (2)

2. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

مردی از اهل بیت من قیام می کند. نام او شبیه نام من است و

1- ر.ک: به منتخب الاثر، ص125_216.

2- عن عائشه عن النبی صلی الله علیه و آله و سلم: «هو رجل من عترتی یقاتل علی سنتی کما قاتلت انا علی الوحی». (الفتن، ج5، ص199؛ عقدالدرر، ص16)

خُلق و خوی او همان خُلق من است. زمین را از عدل و قسط پر می کند همان گونه که از ظلم و جور پر شده باشد. (1)

3. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

به راستی که علی ابن ابیطالب علیه السلام امام امّت من است و پس از من جانشین من بر امّت است و از فرزندان او قائم منتظر است که خداوند به سبب او زمین را از عدل و قسط پر خواهد کرد همان گونه که از ظلم و جور پر شده باشد. قسم به آن خدایی که مرا به حق، بشارت دهنده قرار داد به راستی آنها که در زمان غیبت او بر اعتقاد به او استوار بمانند از کبریت سرخ کمترند! [در این هنگام] جابر بن عبدالله انصاری برخاست و خطاب به پیامبر گفت: ای رسول خدا آیا برای قائم از فرزندان شما غیبتی خواهد بود؟ فرمود: آری قسم به پروردگارم. هر آینه خدا به سبب غیبت [او] اهل ایمان را تمحیص می کند و کافران را نابود خواهد کرد. ای جابر به درستی که این امر از امر خداست و سرّی از اسرار اوست. دانش آن از بندگان پیچیده شده؛ بپرهیز از شک در آن که شک در امر خدا کفر است. (2)

1- و عن ابن مسعود عن النبی صلی الله علیه و آله و سلم: «یَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَیْتِی یُوَاطِئُ اسْمُهُ اسْمِی وَ خُلُقُهُ خُلُقِی یَمْلَؤُهَا قِسْطاً وَ عَدْلاکَما مُلِئَت ظُلمَاً وَ جَورَاً». (المعجم الکبیر، ج10، ح10229؛ کنزالعمال، 14، ص273)

2- عَنِ ابْنِ عَبَّاس قَالَ قَالَ رَسُولُ الله صلی الله علیه و آله و سلم: «عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام إِمَامُ أُمَّتِی وَ خَلِیفَتِی عَلَیْهِمْ بَعْدِی وَ مِنْ وُلْدِهِ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ الَّذِی یَمْلَأُ اللهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلاً وَ قِسْطاً کَمَا مُلِئَتْ جَوْراً وَ ظُلْماً وَ الَّذِی بَعَثَنِی بِالْحَقِّ بَشِیراً إِنَّ الثَّابِتِینَ عَلَی الْقَوْلِ بِهِ فِی زَمَانِ غَیْبَتِهِ لَأَعَزُّ مِنَ الْکِبْرِیتِ الْأَحْمَرِ فَقَامَ إِلَیْهِ جَابِرُ بْنُ عَبْدِاللهِ الْأَنْصَارِیُّ فَقَالَ یَا رَسُولَ اللهِ وَ لِلْقَائِمِ مِنْ وُلْدِکَ غَیْبَةٌ فَقَالَ إِی وَ رَبِّی وَ لِیُمَحِّصَ اللهُ الَّذِینَ آمَنُوا وَ یَمْحَقَ الْکافِرِینَ یَا جَابِرُ إِنَّ هَذَا لَأَمْرٌ مِنْ أَمْرِ اللهِ وَ سِرٌّ مِنْ سِرِّ اللهِ مَطْوِیٌّ عَنْ عِبَادِهِ فَإِیَّاکَ وَ الشَّکَّ فِی أَمْرِ اللهِ فَهُوَ کُفْرٌ». (فرائد السمطین، ج2، ص335؛ ینابیع الموده، ص424؛ کمال الدین، ج1، ص287)

4. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

مهدی از خاندان من است و از فرزندان فاطمه علیها السلام . (1)

5. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

از آن دو _ حسن و حسین علیهما السلام _ مهدی این امّت متولد خواهد شد. (2)

6. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

دنیا تمام نمی گردد مگر این که مردی از نسل حسین علیه السلام به امر [سرپرستی و امامت] امّت من قیام خواهد کرد. او دنیا را پر از عدالت می کند همان گونه که از جور پر شده باشد. گفتیم: کیست او ای رسول خدا؟ فرمود: او نهمین نفر از نسل حسین علیه السلام است. (3)

7. از زید بن علی بن الحسین علیه السلام روایت شده که گفت:

1- عن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: «الْمَهْدِیُّ مِنْ عِتْرَتِی مِنْ وُلْدِ فَاطِمَه». (سنن ابی داود، ج4، ص107، ح 4284)
2- عن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: «یولد منهما _ یعنی الحسن و الحسین علیهما السلام _ مهدیّ هذه الامّه». مخفی نیست که چون مادر بزرگوار امام باقر علیه السلام ، حضرت فاطمه علیها السلام دختر امام حسن مجتبی علیه السلام است، امامان ما از امام باقر صلی الله علیه و آله و سلم تا امام دوازدهم از نسل امام حسن و امام حسین علیهما السلام هستند، همان گونه که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از این حقیقت خبر داده است که خود یک خبر غیبی است و از نشانه های نبوّت او. (منتخب الاثر، ج2، ص153)
3- عن زین بن ثابت عن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: «لاتذهب الدنیا حتّی یقوم بأمر امّتی رجل من صلب الحسین علیه السلام یملأها عدلاً کما ملئت جوراً. قلنا: من هو یا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ؟ قال: هو التاسع من صلب الحسین علیه السلام . (کفایه الاثر، ص97، ب12، ح3)

نزد پدرم علی بن الحسین علیه السلام بودم که جابر بن عبدالله انصاری بر او داخل شد و در حالی که با پدرم سخن می گفت برادرم محمّد [الباقر] از یکی از حجره ها بیرون آمد و جابر به سوی او خیره شد سپس برخاست و به سوی او رفت و گفت:

ای پسر! جلو بیا و او پیش آمد سپس گفت: برو، پس او رفت. پس جابر گفت: شمائل [این پسر] مانند شمائل پیامبر خداست که درود خدا بر او و خاندان او باد. (سپس گفت:) ای پسر نام تو چیست؟ فرمود: محمّد. گفت: فرزند چه کسی (هستی)؟ فرمود: علی بن الحسین بن ابیطالب. گفت: پس تو «باقر» هستی. زید گوید: پس جابر بر او افتاد و سر و دستان او را [محمّد الباقر] بوسید. سپس گفت: ای محمّد، به درستی که رسول خدا _ که درود خدا بر او و آل او باد _ بر تو سلام می رساند. محمّد فرمود: بر رسول خدا برترین سلام ها باد و بر تو ای جابر که سلام او را به من ابلاغ کردی. سپس جابر به مصلّای خود بازگشته و شروع به سخن گفتن با پدرم (علی بن الحسین علیه السلام) کرد و چنین می گفت: به راستی که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به

من فرمود: ای جابر، وقتی فرزندم باقر را دیدی سلام مرا

به او برسان همانا او هم نام من و شبیه ترین مردم به من است. دانش او دانش من و حکم او حکم من است. هفت تن از فرزندان او، امینان و معصومان هستند، امامان نیک و هفتمین آنها مهدی ایشان است که زمین را از عدل و قسط پر می کند همان طور که از ظلم و جور پر شده باشد سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم این آیه را تلاوت فرمود: «و آنها را پیشوایانی قرار دادیم که به

امر ما هدایت می کنند و انجام نیکی ها را به آنها وحی کردیم و نیز اقامه نماز و پرداخت زکات را و آنها برای ما

عبادت کنندگان بودند». (1)

8. امام صادق علیه السلام فرمود:

هرکه به همه امامان از پدران و فرزندان من اقرار کرده و

معتقد باشد ولی از میان فرزندان من، مهدی را انکار کند مثل آن است که همه انبیا الهی را پذیرفته ولی منکر پیامبری حضرت محمّد صلی الله علیه و آله و سلم گردیده باشد. راوی گوید: ای مولای من، مهدی کیست؟ فرمود: پنجمین نفر از فرزندان هفتمین امام، شخص او از دیدگان شما غائب می گردد و نام بردن او بر شما جایز نیست. (2)

1- عن زین بن علی علیه السلام قال: «کنت عند ابی علی بن الحسین علیه السلام اذ دخل علیه جابر بن عبدالله الانصاری فبینما هو یحدّثه اذ خرج اخی محمّد من بعض الحجر، فاشخص جابر ببصره نحوه، ثمّ قام الیه فقال: یا غلام اقبل، فاقبل ثمّ قال: ادبر، فادبر. فقال: شمائل کشمائل رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم . ما اسمک یا غلام؟ قال: محمّد. قال: ابن من؟ قال: علی بن الحسین بن ابیطالب. قال: انت اذاً الباقر. قال: فانکبّ علیه و قبلّ رأسه و یدیه. ثمّ قال: یا محمّد ان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم یقرئک السلام . قال: علی رسول الله افضل السلام و علیک یا جابر بما ابلغت السلام . ثمّ عاد الی مصلاه فاقبل یحدّث ابی و یقول: ان رسول صلی الله علیه و آله و سلم قال لی یوماً: یا جابر، اذا ادرکت ولدی الباقر فاقرأه منی السلام ، فانّه سمیّی و اشبه الناس بی، علمه علمی و حکمه حکمی، سبعه من ولده امناء معصومون، أئمّه ابرار و السابع مهدیّهم الّذی یملأ الدّنیا قسطا و عدلاً کما ملئت جوراً و ظلماً ثم تلا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم . (وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً یَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَیْنَا إِلَیْهِمْ فِعْلَ الْخَیْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَوهِ وَإِیتَاءَ الزَّکَوهِ وَکَانُوا لَنَا عَابِدِینَ((سورۀ انبیاء، آیۀ 73) (بحارالانوار، ج36، ب41، ح230، ص360؛ کفایه الاثر، ب40، ح303، ص301)

2- عن الصادق علیه السلام : «مَنْ أَقَرَّ بِجَمِیعِ الْأَئِمَّهِ وَ جَحَدَ الْمَهْدِیَّ کَانَ کَمَنْ أَقَرَّ بِجَمِیعِ الْأَنْبِیَاءِ وَ جَحَدَ مُحَمَّداً صلی الله علیه و آله و سلم نُبُوَّتَهُ فَقِیلَ لَهُ یَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ فَمَنِ الْمَهْدِیُّ مِنْ وُلْدِکَ قَالَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِ

السَّابِعِ يَغِيبُ عَنْكُمْ شَخْصُهُ وَ لَا يَحِلّ لَكُمْ تَسْمِيَتُه». (كمال الدين، ج2، ب39، ح54، ص410 و نيز در ب338_333)

9. امام رضا علیه السلام فرمود:

هرکه پیش از قیام قائم ما، تقیّه را ترک کند از ما نیست. به آن حضرت گفته شد: ای فرزند رسول خدا، قائم از شما [خاندان] کیست؟ فرمود: چهارمین نفر از فرزندانم پسر سرور کنیزان، خدا به سبب او زمین را از هر ظلم و جور پاک خواهد ساخت و او همان است که مردم در ولادت او شک می کنند و او همان است که پیش از قیام خود، غیبت خواهد داشت. (1)

10. امام جواد علیه السلام فرمود:

... به درستی که قائم از ما [اهل بیت علیهم السلام] همان مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که در زمان غیبت او باید منتظر او باشند و در زمان ظهورش از او اطاعت کنند و او سومین نسل از فرزندان من است. قسم به خدایی که محمّد صلی الله علیه و آله و سلم را به پیامبری برانگیخت و ما را به امامت اختصاص داد، در آینه چنین است که اگر از (عمرِ) دنیا نمانده باشد مگر یک روز، حتماً خدا آن یک روز را چنان طولانی گرداند که در آن [مهدی] قیام کند پس زمین را از قسط و عدل پر کند همان گونه که از جور و ظلم پر شده باشد و همانا خداوند تبارک و تعالی امر [فرج] او را در شبی اصلاح خواهد کرد همان گونه که امر [نبوّت] کلیم خود موسی علیه السلام را اصلاح کرد آن گاه که او رفت تا برای خاندان خود آتشی برگیرد [و بیاورد] پس در حالی برگشت

1- عن الرضا علیه السلام : «... فَمَنْ تَرَکَ التَّقِیَّهَ قَبْلَ خُرُوجِ قَائِمِنَا فَلَیْسَ مِنَّا _ قِیلَ لَهُ یَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ وَ مَنِ الْقَائِمُ مِنْکُمْ أَهْلَ الْبَیْتِ قَالَ الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِی ابْنُ سَیِّدَهِ الْإِمَاءِ یُطَهِّرُ اللهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ کُلِّ جَوْرٍ وَ یُقَدِّسُهَا مِنْ کُلِّ ظُلْمٍ وَ هُوَ الَّذِی یَشُکُّ النَّاسُ فِی وِلَادَتِهِ وَ هُوَ صَاحِبُ الْغَیْبَهِ قَبْلَ خُرُوجِهِ...». (کمال الدین، ج2، ب35، ح5، ص371؛ اثبات الهداه، ج3، ب32، ف5، ح172، ص477)

که رسول و پیامبر بود. سپس فرمود: برترین کارهای شیعیان ما انتظار فرج است. (1)

11. امام هادی علیه السلام فرمود:

به راستی که امام پس از من فرزندم حسن خواهد بود و پس از او فرزندش قائم همان که زمین را از قسط و عدل پر می کند همان گونه که از جور و ظلم پر شده باشد. (2)

12. محمد بن عثمان عمروی [نائب دوم امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف] نقل

کرده است:

شنیدم از پدرم [عثمان بن سعید، نائب اول حضرت] که گفت از امام عسکری علیه السلام سؤال شد و حال آن که من حاضر بودم. سؤال دربارۀ روایتی بود که از پدران بزرگوار حضرت نقل شده که: همانا زمین از حجّت خدا بر خلق خالی نمی ماند تا روز قیامت و این که هرکس بمیرد و حال آن که امام زمان خود را نشناخته است به مرگ جاهلیّت مرده است. پس حضرت امام عسکری علیه السلام فرمود: به راستی که این [روایات] حق است

1- و عن محمد بن علی الجواد علیه السلام : «... إِنَّ الْقَائِمَ مِنَّا هُوَ الْمَهْدِیُّ الَّذِی یَجِبُ أَنْ یُنْتَظَرَ فِی غَیْبَتِهِ وَ یُطَاعَ فِی ظُهُورِهِ وَ هُوَ الثَّالِثُ مِنْ وُلْدِی وَ الَّذِی بَعَثَ مُحَمَّداً صلی الله علیه و آله و سلم بِالنُّبُوَّهِ وَ خَصَّنَا بِالْإِمَامَهِ إِنَّهُ لَوْ لَمْ یَبْقَ مِنَ الدُّنْیَا إِلَّا یَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللهُ ذَلِکَ الْیَوْمَ حَتَّی یَخْرُجَ فِیهِ فَیَمْلَأَ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا کَمَا مُلِئَتْ جَوْراً وَ ظُلْماً وَ إِنَّ اللهَ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی لَیُصْلِحُ لَهُ أَمْرَهُ فِی لَیْلَهٍ کَمَا أَصْلَحَ أَمْرَ کَلِیمِهِ مُوسَی علیه السلام إِذْ ذَهَبَ لِیَقْتَبِسَ لِأَهْلِهِ نَاراً فَرَجَعَ وَ هُوَ رَسُولٌ نَبِیٌّ ثُمَّ قَالَ علیه السلام أَفْضَلُ أَعْمَالِ شِیعَتِنَا انْتِظَارُ الْفَرَج ». (کمال الدین، ج2، ح1، ص377؛ اعلام الوری، ق2، ر4، ب2، ف2؛ بحارالانوار، ج51، ب9، ح1، ص156)

2- عن علی بن محمد الهادی علیه السلام : «إِنَّ الْإِمَامَ بَعْدِی الْحَسَنُ ابْنِی وَ بَعْدَ الْحَسَنِ ابْنُهُ الْقَائِمُ الَّذِی یَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا کَمَا مُلِئَتْ جَوْراً وَ

ظَلّما». (كمال الدين، ج2، ب37، ح10، ص383؛ اثبات الهداه، ج3، ب30، ف1، ح17، ص394)

همان گونه که روز حق است. به آن حضرت عرض شد: ای فرزند رسول خدا، حجّت و امام بعد از شما کیست؟ فرمود: فرزندم محمّد امام و حجّت پس از من است هرکه بمیرد در حالی که او را نشناخته باشد به مرگ جاهلیت مرده است. آگاه باشید که محققاً برای او غیبتی خواهد بود که نادان ها در آن به حیرت و سرگردانی می افتند و اهل باطل هلاک می گردند و وقت گذاران [دربارهٔ زمان ظهور] دروغ می گویند. سپس قیام می کند پس گویی پرچم های سفید را می بینم که بالای سرش در اهتزاز است در بلندی کوفه. (1)

نکته هایی دربارهٔ روایات

از میان صدها روایت ما تنها دوازده روایت نقل کردیم که نکته های فراوان از آنها استفاده می شود که به بعضی از آنها اشاره می کنیم:

1. مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف از خاندان پاک رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و از نسل طاهر امام علی علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام است و این حقیقتی است که در کتاب های معتبر شیعه و اهل سنت آمده است.

1- عن محمد بن عثمان العمری قال: «سَمِعْتُ أَبِی یَقُولُ سُئِلَ أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ عَلِیٍّ علیه السلام وَ أَنَا عِنْدَهُ عَنِ الْخَبَرِ الَّذِی رُوِیَ عَنْ آبَائِهِ علیه السلام أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّهِ اللهِ عَلَی خَلْقِهِ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَهِ وَ أَنَّ مَنْ مَاتَ وَ لَمْ یَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِیتَهً جَاهِلِیَّهً _ فَقَالَ علیه السلام إِنَّ هَذَا حَقٌّ کَمَا أَنَّ النَّهَارَ حَقٌّ فَقِیلَ لَهُ یَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ فَمَنِ الْحُجَّهُ وَ الْإِمَامُ بَعْدَکَ فَقَالَ ابْنِی مُحَمَّدٌ وَ هُوَ الْإِمَامُ وَ الْحُجَّهُ بَعْدِی مَنْ مَاتَ وَ لَمْ یَعْرِفْهُ مَاتَ مِیتَهً جَاهِلِیَّهً أَمَا إِنَّ لَهُ غَیْبَهً یَحَارُ فِیهَا الْجَاهِلُونَ وَ یَهْلِکُ فِیهَا الْمُبْطِلُونَ وَ یَکْذِبُ فِیهَا الْوَقَّاتُونَ ثُمَّ یَخْرُجُ فَکَأَنِّی أَنْظُرُ إِلَی الْأَعْلَامِ الْبِیضِ تَخْفِقُ فَوْقَ رَأْسِهِ بِنَجَفِ الْکُوفَه». (کمال الدین، ج2، ب38، ح9، ص409؛ اثبات الهداه، ج3، ب32، ح189، ص482)

2. براساس بسیاری از روایات، مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با همان ویژگی هایی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم معرّفی کرده و همه مسلمانان به او اعتقاد دارند، نهمین فرزند از نسل پاکِ امام حسین بن علی علیه السلام است. (روایت 5)

3. او فرزند امام حسن بن علی العسکری علیه السلام ، پیشوای یازدهم شیعیان است و یک یک پدران و اجداد او تا امام حسین بن علی علیه السلام و علی بن ابیطالب علیه السلام به گونه ای صریح و روشن بیان گردیده است و نسب شریف او چنین است:

محمّد (المهدی) پسر حسن العسکری علیه السلام ، پسر علی الهادی علیه السلام ، پسر محمد الجواد علیه السلام ، پسر علی الرّضا علیه السلام ، پسر موسی الکاظم علیه السلام ، پسر جعفر الصادق علیه السلام ، پسر محمّد الباقر علیه السلام ، پسر علی السجّاد علیه السلام ، پسر حسین الشهید علیه السلام ، پسر علی بن ابیطالب علیه السلام و فاطمه علیها السلام دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم .

4. در این که نسل پاک پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از طریق فاطمه زهرا علیها السلام دختر گرامی او ادامه یافته است هیچ تردیدی نیست و نیز به گواهی تاریخ و روایات شیعه و سنّی، از فرزندان فاطمه علیها السلام و به ویژه از نسل امام حسین بن علی علیه السلام نسلی از عالمان و پاکان پا به عرصه وجود نهاده اند.

5. امامان شیعه از نسل امام حسین علیه السلام از علی بن الحسین تا حسن بن علی العسکری علیهما السلام ، بزرگانی از خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بوده اند

که در علم و تقوا سرآمد روزگار خویش بوده اند بنابراین ایشان همگی افرادی مشهور و معروف در نزد خلفای دوران خود و نیز تودۀ

مردم بوده اند و در میان همگان به عنوان «فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم »

شناخته می شدند.

6. براساس روایات فراوان و گواهی تاریخ، ولادت نهمین فرزند از نسل امام حسین علیه السلام ، پنهانی بوده است و بنابر سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و نیز امامان معصوم علیهم السلام ، این پنهانی ولادت با غیبت و نهان زیستی همراه گردیده است. (1) (روایت 3، 8، 9، 10 و 12)

7. به جهت اهمیّت موضوع مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و قیام جهانی او، شیعیان پیوسته از امامان خود درباره مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و زمان ظهور او سؤال می کردند و امامان نیز اصرار داشتند که علاوه بر نسب شریف مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ویژگی هایی از او بیان کنند (مثل ولادت پنهانی، غیبت طولانی، حوادث دوران غیبت، علایم ظهور، حکومت جهانی و عدالت گستری). (روایت 8، 9 و 12)

8. با توجّه به پنهان بودن ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و غیبت آن بزرگ وار، مسئله شک و تردید و یا حتّی انکار وجود او امری قابل پیش بینی بوده است و امامان شیعه از آن خبر داده و نسبت به آن هشدار داده اند. (روایت 9 و 10)

9. در روایات امامان، سخن از غیبت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در کنار بشارت به ظهور آن حضرت مطرح گردیده و امر ظهور او حتمی و بسیار نزدیک دانسته شده است تا پشتوانه ای برای استواری و پای بندی مؤمنان بر

1- درباره آغاز غیبت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دو نظر است: بعضی می گویند پس از شهادت پدر بزرگوارش و در سن 5 سالگی غایب گردیده، و بعضی معتقدند هم زمان با تولّد، دوره غیبت او شروع شده است.

خط امامت باشد و تردیدها و انکارهای مخالفان، آنها را متزلزل نکند.

10. براساس روایات، امر غیبت و ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به دست خداست و خداوند این گونه تدبیر فرموده است بنابراین وظیفه مردم تسلیم در مقابل قضای الهی است.

فصل سوم: اسم و کنیه و شمایل امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

در روایات فراوان در کتب فریقین از نام حضرت و کنیه او و شمایل و ویژگی های جسمی او و شیوه و روش او سخن به میان آمده است که بعضی از آنها را می آوریم:

1. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

مهدی از فرزندان من است، اسم او اسم من و کنیه او کنیه من است. شبیه ترین مردم به من است از نظر خلقت و خلق و خو. برای او غیبتی خواهد بود و حیرتی که امّت ها در آن گمراه خواهند شد سپس مانند ستارهٔ درخشان روی خواهد کرد و زمین را پر از عدل و قسط خواهد کرد همان گونه که از ظلم و جور پر شده باشد. (1)

2. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

1- عن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: «الْمَهْدِیُّ مِنْ وُلْدِی اسْمُهُ اسْمِی وَ کُنْیَتُهُ کُنْیَتِی أَشْبَهُ النَّاسِ بِی خَلْقاً وَ خُلُقاً یَکُونُ لَهُ غَیْبَهٌ وَ حَیْرَهٌ تَضِلُّ فِیهَا الْأُمَمُ ثُمَّ یُقْبِلُ کَالشِّهَابِ الثَّاقِبِ یَمْلَأُهَا عَدْلًا وَ قِسْطاً کَمَا مُلِئَتْ جَوْراً وَ ظُلْما ». (عقدالدرر، ب2، ص30-29)

قیامت برپا نخواهد شد تا این که مردی از خاندان من حاکم شود. نام او شبیه نام من است زمین را از عدل قسط پر می کند همان گونه که از ظلم و جور پر شده باشد. (1)

3. راوی گوید: امام علی علیه السلام به امام حسین علیه السلام نگاه کرده و فرمود:

به درستی که این فزندم «سیّد» است چنان که پیامبر او را به این نام نامیده است از نسل او مردی پدید آید به نام پیامبرتان. او در زمان غفلت مردمان قیام خواهد کرد؛ آن گاه که حق مرده و جور آشکار شده باشد. اهل آسمان و ساکنان آن به سبب قیام او شادمان خواهند شد. او مردی است بلندپیشانی، دارای بینی باریکی است که میانش اندکی برآمدگی دارد... . دارای ران هایی درشت و پهن، خالی بر رانِ راست اوست، میان دو دندان پیشین او گشاده است. زمین را از عدالت پر خواهد کرد همان طور که از ظلم و جور پر شده باشد. (2)

4. امام حسن عسکری علیه السلام فرمود:

حمد و سپاس خدایی را که مرا از دنیا بیرون نبرد تا این که

1- عن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: «لاتقوم السّاعه حتی یملک رجل من اهل بیتی یواطی، اسمه اسمی یملأ الارض عدلاً و قسطاً کما ملئت ظلماً و جوراً». (کمال الدین، ج1، ص286، ب25، ج1)

2- عن ابی وائل، قال: نظر علیٌ الی الحسین علیهما السلام فقال: «إِنَّ ابْنِی هَذَا سَیِّدٌ کَمَا سَمَّاهُ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلم سَیِّداً وَ سَیُخْرِجُ اللهُ مِنْ صُلْبِهِ رَجُلًا بِاسْمِ نَبِیِّکُمْ یُشْبِهُهُ فِی الْخَلْقِ وَ الْخُلُقِ یَخْرُجُ عَلَی حِینِ غَفْلَهٍ مِنَ النَّاسِ وَ إِمَاتَهٍ لِلْحَقِّ وَ إِظْهَارٍ لِلْجَوْرِ وَ اللهِ لَوْ لَمْ یَخْرُجْ لَضُرِبَتْ عُنُقُهُ یَفْرَحُ بِخُرُوجِهِ أَهْلُ السَّمَاوَاتِ وَ سُکَّانُهَا وَ هُوَ رَجُلٌ أَجْلَی الْجَبِینِ أَقْنَی الْأَنْفِ ضَخْمُ الْبَطْنِ أَزْیَلُ الْفَخِذَیْنِ لِفَخِذِهِ الْیُمْنَی شَامَهٌ أَفْلَجُ الثَّنَایَا یَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا کَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْراً». (عقدالدرر، ب3، ص38؛ غیبت نعمانی، ب13، ح2، ص306 مانند آن آمده است)

جانشینم را به من نشان داد. او از نظر خلقت و خو شبیه ترین مردم به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است. خداوند او را در غیبتش حفظ خواهد کرد؛ سپس او را ظاهر خواهد ساخت. پس او زمین را از قسط و عدل پر خواهد کرد همان گونه که از ظلم و جور پر شده باشد. (1)

نکته هایی از روایات

1. روایاتی که اسم و کنیه و ویژگی های شخصی و شخصیّتی

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را بیان کرده است به خوبی شخصیّت آن حضرت

را معرّفی می کند به گونه ای که درشناسایی او جای هیچ تردیدی

باقی نمی ماند.

2. این روایات به روشنی اثبات می کند که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یک شخص معیّن است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام نسبت به ظهور او بشارت داده اند نه آن گونه که بعضی از اهل سنت معتقدند که مهدویّت یک جریان اصلاحی در جامعه بشری است که در هر زمان به وسیله یک مهدی اتفاق می افتد و مهدی یک شخص معیّن نیست! به عبارت روشن تر باید بگوییم: روایات مربوط به مشخصات فردی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اثبات می کند مهدی شخصی را و باطل می کند مهدی

1- عن احمد بن اسحاق بن عبدالله الاشعری قال: «سَمِعْتُ أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ بْنَ عَلِیٍ الْعَسْکَرِیَّ علیه السلام یَقُولُ الْحَمْدُلِلهِ الَّذِی لَمْ یُخْرِجْنِی مِنَ الدُّنْیَا حَتَّی أَرَانِی الْخَلَفَ مِنْ بَعْدِی أَشْبَهَ النَّاسِ بِرَسُولِ اللهِ صخَلْقاً وَ خُلْقاً یَحْفَظُهُ اللهُ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی فِی غَیْبَتِهِ ثُمَّ یُظْهِرُهُ فَیَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلاً وَ قِسْطاً کَمَا مُلِئَتْ جَوْراً وَ ظُلْما». (کفایه المهتدی «الاربعین»، ح29، ص111؛ کمال الدین، ج2، ص409 _ 408، ب38، ح7)

نوعی را.

3. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شخصیّتی است که در روایات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام با موارد زیر مشخص و معیّن گردیده است:

الف) اسم و لقب و کنیه؛ ب) اسم پدر و مادر؛ ج) حسب و نسب و اجداد؛ د) مشخصّات ظاهری؛ ه) ویژگی های اخلاقی و ملکات نفسانی؛ و) ویژگی های قیام و حکومت؛ ز) حوادث دوران ظهور مانند نزول عیسی علیه السلام از آسمان و نماز او پشت سر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و ده ها مشخصّه دیگر.

آیا معقول است که این همه خصوصیّت در دو نفر به صورت یک سان جمع شود؟ چه رسد به این که ادّعا می شود که در هر زمان یک مهدی با خصوصیّات مذکور ظهور می کند؟ ! (1)

4. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و نیز امامان معصوم علیهم السلام در روایات فراوان تأکید کرده اند که مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف از عترت و اهل بیت پیامبر است، هم نام و هم کنیه با آن حضرت است و در شمایل و ویژگی های جسمی نیز بیشترین شباهت را با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دارد و در خلق و خو نیز آئینه تمام نمای آن حضرت است.

5. مراد از نام حضرت، همان اسمی است که پدر بزرگوارش بر او نهاده است که همان نام مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است ولی در قوم عرب

1- آیت الله سیدصدرالدین صدر رحمه اللهبه این ادعای باطل در کتاب المهدی، به صورت مشروح پاسخ داده اند. (ر.ک: به المهدی، ص96 تحت عنوان «المهدی المنتظر واحد»)

مرسوم است که علاوه بر «نام»، افراد را با کنیه و لقب هم می شناسند. «کنیه» یعنی اسمی که با کلمه «اَب یا امّ» شروع می شود مثل «اباعبدالله و ابوالقاسم» و کنیه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف همان کنیه پیامبر یعنی ابوالقاسم است. و مقصود از لقب، اسم دیگری است که به ویژگی شخصیّتی افراد اشاره می کند و معمولاً افراد لقب های متعدد دارند و برای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز القاب فراوانی است مانند صاحب الامر، بقیّه الله، مهدی، حجّه، منصور و قائم. (1)

1- کتاب های مستقلی دربارۀ القاب امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و معانی آن نوشته شده است. (برای نمونه ر.ک: به نجم الثاقب اثر مرحوم محدث نوری رحمه الله)

فصل چهارم: سیرۀ امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

قرآن کریم، مسلمانان را به الگوگرفتن از رفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم توصیه کرده است زیرا که او حجّت بزرگ خدا و برخوردار از گوهر عصمت است و چون اهل بیت آن حضرت نیز مانند پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم همین عصمت و طهارت را دارند و جانشینان بر حق پیامبر و بهترین الگوهای انسانی در همه ابعاد بشری و معنوی هستند؛ بدین جهت لازم است شیوه و سیره رفتاری آنها را بشناسیم تا راه پیروی کردن از آنها را فراروی خود بگشاییم. بحث از سیرۀ امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که آخرین حجّت الهی است می تواند دریچه ای نو به روی ما باز کند تا معرفت خود نسبت به آن حضرت را عمیق تر کنیم و نیز در پرتو این معرفت گسترده، راه را بر مدّعیان دروغین مهدویت در جامعه ببندیم چون وقتی گوهر ناب و خالص شناخته شود، مدل های تقلّبی و کاذب رنگ می بازد پس در این بخش تعدادی از روایاتی را که درباره سیرۀ امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است

مرور می کنیم:

1. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف از فرزندان من است نام او نام من و کنیه او کنیه من است و ویژگی های ظاهری او مثل من. سنّت او سنّت من است و مردم را بر آیین من وا می دارد و آنها را به سوی کتاب پروردگارم (قرآن) می خواند... . (1)

2. مردی به امام باقر علیه السلام گفت:

شما خاندان رحمت هستید خداوند شما را به چنین ویژگی اختصاص داد. امام فرمود: ما این گونه ایم و خدا را سپاس. هیچ کس را به گمراهی نمی افکنیم و از هدایت خارج نمی کنیم. به راستی که دنیا تمام نمی گردد تا آن گاه که خداوند بلندمرتبه مردی از ما اهل بیت علیهم السلام برانگیزد، او براساس کتاب خدا (قرآن) عمل خواهد کرد و هیچ منکری را در شما نمی بیند مگر این که آن را انکار (ردّ) می کند. (2)

3. امام علی علیه السلام در خطبه ای دربارهٔ حوادث آینده چنین فرموده است:

1- عن الصادق علیه السلام عن ابیه عن جده علیهم السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: «الْقَائِمُ مِنْ وُلْدِی اسْمُهُ اسْمِی وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِی وَ شَمَائِلُهُ شَمَائِلِی وَ سُنَّتُهُ سُنَّتِی يُقِيمُ النَّاسَ عَلَی مِلَّتِی وَ شَرِيعَتِی وَ يَدْعُوهُمْ إِلَی كِتَابِ رَبِّی عَزَّوَجَل...». (کمال الدین، ج2، ب39، ح6، ص411)

2- قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام وَ أَتَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ: «إِنَّكُمْ أَهْلُ بَيْتِ رَحْمَةٍ اخْتَصَّكُمُ اللهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَی بِهَا فَقَالَ لَهُ كَذَلِكَ نَحنُ وَ الْحَمْدُ لِلهِ لَا نُدْخِلُ أَحَداً فِی ضَلَالَهٍ وَ لَا نُخْرِجُهُ مِنْ هُدًی إِنَّ الدُّنْيَا لَا تَذْهَبُ حَتَّی يَبْعَثَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ رَجُلًا مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ يَعْمَلُ بِكِتَابِ اللهِ لَا يَرَی فيكم مُنْكَراً إِلَّا أَنْكَرَه». (روضه الکافی، ص396؛ الوافی، ج2، ص459)

او (حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) خواسته ها را تابع هدایت وحی می کند هنگامی که مردم هدایت را تابع هوس های خویش قرار می دهند و در حالی که به نام تفسیر، نظریه های گوناگون خود را بر قرآن تحمیل می کنند او آرا و اندیشه ها را تابع قرآن می سازد... او کارگزاران حکومت را بر اعمال بدشان کیفر خواهد داد، زمین معادن خود را برای او بیرون می ریزد و کلیدهایش را به او می سپارد. او روش عادلانه در حکومت حق را به شما می نمایاند و کتاب خدا و سنّت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را که تا آن روز متروک مانده اند زنده می کند. (1)

4. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

مردی از اهل بیت من قیام خواهد کرد که هم نام من است و اخلاق او اخلاق من است. زمین را از عدل و قسط پر می کند همان گونه که از ظلم و جور پر شده باشد. (2)

5. امام صادق علیه السلام فرمود:

وقتی قائم ما قیام کند با جهل و نادانی مردم روبه رو می شود،

1- عن علی علیه السلام فی خطبه له فی ذکر الملاحم: «یَعْطِفُ الْهَوَی عَلَی الْهُدَی إِذَا عَطَفُوا الْهُدَی عَلَی الْهَوَی وَ یَعْطِفُ الرَّأْیَ عَلَی الْقُرْآنِ إِذَا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَی الرَّأْی حَتَّی تَقُومَ الْحَرْبُ بِکُمْ عَلَی سَاقٍ بَادِیاً نَوَاجِذُهَا مَمْلُوءَهً أَخْلَافُهَا حُلْواً رَضَاعُهَا عَلْقَماً عَاقِبَتُهَا أَلَا وَ فِی غَدٍ وَ سَیَأْتِی غَدٌ بِمَا لَا تَعْرِفُونَ یَأْخُذُ الْوَالِی مِنْ غَیْرِهَا عُمَّالَهَا عَلَی مَسَاوِئِ أَعْمَالِهَا وَ تُخْرِجُ لَهُ الْأَرْضُ أَفَالِیذَ کَبِدِهَا وَ تُلْقِی إِلَیْهِ سِلْماً مَقَالِیدَهَا فَیُرِیکُمْ کَیْفَ عَدْلُ السِّیرَهِ وَ یُحْیِی مَیِّتَ الْکِتَابِ وَ السُّنَّه.» (نهج البلاغه، ترجمه دشتی، خ138)

2- عن عبدالله بن مسعود قال: «قال النبی صلی الله علیه و آله و سلم یَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَیْتِی یُوَاطِئُ اسْمُهُ اسْمِی وَ خُلُقُهُ خُلُقِی یَمْلَؤُهَا قِسْطاً وَ عَدْلا کَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْرا». (المعجم الکبیر، ج10، ح10229؛ کنزالعمال، ج14، ح38702، ص273)

جهلی که شدیدتر از جهل جاهلیّتی است که در زمان پیامبر بود. عرض کردم: چگونه چنین چیزی ممکن است؟ فرمود: همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در حالی به سوی مردم آمد که آنان سنگ و چوب های تراشیده (و مجسمه های چوبین) را می پرستیدند و محققاً قائم ما وقتی قیام کند در حالی به سوی مردم می آید که همه، کتاب خدا را علیه او تأویل می کنند و به وسیله آن بر او احتجاج می کنند. سپس فرمود: بدانید به خدا سوگند که حتماً عدل خود را درون خانه های مردم می برد همان گونه که گرما و سرما نفوذ می کند. (1)

6. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در امّت من قیام خواهد کرد. خداوند او را به عنوان دادرس مردم برخواهد انگیخت. [در روزگار او] همه امّت در انواع نعمت ها بسر خواهند برد و چهارپایان به زندگی ادامه می دهند و زمین گیاه خود را می رویاند و اموال را به درستی و راستی [و براساس عدالت] می بخشد. (2)

7. جابر بن عبدالله انصاری گوید:

1- عن الفضیل بن یسار قال: اسمعت اباعبدالله علیه السلام یقول: «إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ اسْتَقْبَلَ مِنْ جَهْلِ النَّاسِ أَشَدَّ مِمَّا اسْتَقْبَلَهُ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلم صمِنْ جُهَّالِ الْجَاهِلِیَّهِ قُلْتُ وَ کَیْفَ ذَاکَ قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلم أَتَی النَّاسَ وَ هُمْ یَعْبُدُونَ الْحِجَارَهَ وَ الصُّخُورَ وَ الْعِیدَانَ وَ الْخُشُبَ الْمَنْحُوتَهَ وَ إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَتَی النَّاسَ وَ کُلُّهُمْ یَتَأَوَّلُ عَلَیْهِ کِتَابَ اللهِ یَحْتَجُّ عَلَیْهِ بِهِ ثُمَّ قَالَ أَمَا وَ اللهِ لَیَدْخُلَنَّ عَلَیْهِمْ عَدْلُهُ جَوْفَ بُیُوتِهِمْ کَمَا یَدْخُلُ الْحَرُّ وَ الْقُر». (غیبت نعمانی، ب17، ح1، ص296؛ اثبات الهداه، ج7، ب32، ح529، ص86)

2- عن ابی سعید انّ رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قال: «یَخْرُجُ الْمَهْدِیُّ فِی أُمَّتِی یَبْعَثُهُ اللهُ غِیَاثاً لِلنَّاسِ یَتَنَعَّمُ الْأُمَّهُ وَ تَعِیشُ الْمَاشِیَهُ وَ تُخْرِجُ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا وَ یُعْطِی الْمَالَ صِحَاحا ». (العرف الوردی (الحاوی للفتاوی)، ج2، ص132)

مردی خدمت امام باقر علیه السلام رسید و حال آن که من حضور داشتم. به او گفت: خداوند ترا رحمت کند؛ این پانصد درهم را که زکات مال من است بگیر و آن را در جای خود قرار ده. امام باقر علیه السلام به او فرمود: بلکه خود آن را نگه دار و آن را در همسایگان و یتیمان و نیازمندان و برادران اسلامی خود قرار ده (و خرج کن). همانا وقتی قائم، قیام کند این گونه خواهد بود [یعنی اجتماع اموال نزد امام و تقسیم آن به مساوات]. پس او به طور مساوی تقسیم می کند و در میان خلق خدا _ نیکوکاران و بدکاران _ به عدالت رفتار می کند. پس هرکه او را اطاعت کند به تحقیق خدا را اطاعت کرده است و هرکه از او نافرمانی کند خدا را نافرمانی کرده است. همانا مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مهدی نامیده شد زیرا که به امری پنهان هدایت می گردد. او تورات و سایر کتاب های خدا را از غاری در انطاکیّه بیرون می آورد و میان اهل تورات (یهود) با تورات و میان اهل انجیل با انجیل و بین اهل زبور با زبور و میان مسلمانان با قرآن حکم می کند و همه اموال دنیا چه آنها که در درون زمین است و یا آنها که بر روی آن است نزد او انباشته می گردد پس به مردم می گوید: بیایید بگیرید، این چیزی است که به خاطر آن قطع رحم کردید و خون های ناحق ریختید و حرام های الهی را مرتکب شدید. پس ثروتی می بخشد که هیچ کس پیش از او آن مقدار نبخشیده است. (1)

1- عن جابر قال: «عَنْ جَابِرٍ قَالَ: أَقْبَلَ رَجُلٌ إِلَى أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام وَ أَنَا حَاضِرٌ فَقَالَ رَحِمَکَ اللهُ اقْبِضْ هَذِهِ الْخَمْسَمِائَهِ دِرْهَمٍ فَضَعْهَا فِی مَوْضِعِهَا فَإِنَّهَا زَکَاهُ مَالِی فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام بَلْ خُذْهَا أَنْتَ فَضَعْهَا فِی جِیرَانِکَ وَ الْأَیْتَامِ وَ الْمَسَاکِینِ وَ فِی إِخْوَانِکَ مِنَ الْمُسْلِمِینَ إِنَّمَا یَکُونُ هَذَا إِذَا قَامَ قَائِمُنَا فَإِنَّهُ یَقْسِمُ بِالسَّوِیَّهِ وَ یَعْدِلُ فِی خَلْقِ الرَّحْمَنِ الْبَرِّ مِنْهُمْ وَ الْفَاجِرِ فَمَنْ أَطَاعَهُ فَقَدْ أَطَاعَ اللهَ وَ مَنْ عَصَاهُ فَقَدْ عَصَى اللهَ فَإِنَّمَا سُمِّیَ الْمَهْدِیَّ لِأَنَّهُ یَهْدِی لِأَمْرٍ خَفِیٍّ یَسْتَخْرِجُ التَّوْرَاهَ وَ سَائِرَ کُتُبِ اللهِ مِنْ غَارٍ بِأَنْطَاکِیَّهَ فَیَحْکُمُ بَیْنَ أَهْلِ التَّوْرَاهِ بِالتَّوْرَاهِ وَ بَیْنَ أَهْلِ الْإِنْجِیلِ بِالْإِنْجِیلِ وَ بَیْنَ أَهْلِ الزَّبُورِ بِالزَّبُورِ وَ بَیْنَ أَهْلِ الْفُرْقَانِ بِالْفُرْقَانِ وَ تُجْمَعُ إِلَیْهِ أَمْوَالُ الدُّنْیَا کُلُّهَا مَا فِی بَطْنِ الْأَرْضِ وَ ظَهْرِهَا فَیَقُولُ لِلنَّاسِ تَعَالَوْا إِلَى مَا قَطَعْتُمْ فِیهِ الْأَرْحَامَ وَ سَفَکْتُمْ فِیهِ الدِّمَاءَ وَ رَکِبْتُمْ فِیهِ مَحَارِمَ اللهِ فَیُعْطَى شَیْئاً لَمْ یُعْطَ أَحَدٌ کَانَ قَبْلَه ». (علل الشرایع، ج1، ب129، ح3، ص161؛ بحارالانوار، ج51، ح2، ص29؛ غیبت نعمانی، ب13، ح26، ص237)

8. امام علی علیه السلام فرمود:

در قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف سنّت هایی از هفت پیامبر الهی وجود دارد... و امّا سنّت و شیوه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم عبارت است از قیام به شمشیر. (1)

9. راوی گوید از امام باقر علیه السلام پرسیدم:

وقتی قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند به کدام سیره و روش در میان مردم رفتار می کند؟ فرمود: آن چه پیش از او بوده را ویران می کند، همان گونه که پیامبر چنین کرد [و جاهلیّت پیش از خود را از میان برداشت] و اسلام را از نو برپا می کند. (2)

نکته هایی دربارۀ روایات

عمل براساس قرآن و سنّت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

1. شاخصه مهم و برجستۀ سیرۀ امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، عمل براساس قرآن و سنّت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است و این همان میزانی است که امیرالمؤمنین

1- عن علی بن الحسین علیه السلام عن علی بن ابیطالب علیه السلام یقول: «فِی الْقَائِمِ مِنَّا سُنَنٌ مِنَ الْأَنْبِیَاء ... وَ أَمَّا مِنْ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله فَالْخُرُوجُ بِالسَّیْف». (کمال الدین، ج1، ب31، ح3، ص321)

2- عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ عَطَاءٍ قَال: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ الْبَاقِر علیه السلام فَقُلْتُ: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ علیه السلام بِأَیِّ سِیرَهٍ یَسِیرُ فِی النَّاسِ فَقَالَ یَهْدِمُ مَا قَبْلَهُ کَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله وَ یَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ جَدِیدا». (غیبت نعمانی، ح17، ص232)

علی علیه السلام برای خلافت خود بیان فرمودند. در روایات فراوان از شیعه و اهل سنت تصریح شده است که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف براساس سنّت نبوی صلی الله علیه و آله و سلم عمل می کند بنابراین آن چه در بعضی از روایات غیرمعتبر مبنی بر رفتاری برخلاف سنّت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در سیره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مطرح شده، مردود است. (حدیث 1 و 2)

2. مهم ترین ویژگی رفتاری امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اجرایی کردن و عملیّاتی نمودن دستورات قرآن در همه حوزه های فردی و اجتماعی است

و هر رفتار فردی و یا اجتماعی که از نظر قرآن «منکر» باشد مورد

انکار و اعتراض امام علیه السلام قرار می گیرد و با آن برخورد می شود. بنابراین روشن است که در سیرهٔ عملی آن حضرت هیچ عمل خلافِ قرآن نخواهد بود و چنان چه در روایتی یا تحلیلی مطرح شود باطل خواهد بود. (حدیث 2)

3. تا پیش از حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قرآن خدا و هدایت انبیا تحت تأثیر تفسیرهای شخصی و هواهای نفسانی مردم خواهد بود ولی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرآن را معیار و میزان در همه امور خرد و کلان قرار داده و آرا را تابع قرآن خواهد ساخت و نیز امیال و خواسته ها را در چارچوب هدایت و رشد خواهد پذیرفت. (حدیث3)

4. برخلاف جریانِ ظالمانهٔ پیش از ظهور، در دوره ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشخاص و احزاب با قرآن و معیارهای قرآنی سنجیده و شناخته خواهند شد و میزان حقانیّت هرچیز و هرکس بسته به میزان مطابقت شخصیّت او با قرآن خواهد بود.

5. وقتی در تمام امور ملاک عمل، قرآن و سیره نبوی باشد یعنی در حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تمامی روابط حاکم بر فرد و جامعه از قبیل روابط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نیز تعامل افراد در اجتماع و حتّی در درون خانواده براساس تعالیم قرآن و سنّت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خواهد بود و در سطح قانون گذاری نیز تنها قوانین منطبق بر قرآن و سنّت به تصویب رسیده و اجرایی خواهد شد. این همان است که در کلمات معصومین به عنوان «احیا کتاب و سنّت» بیان گردیده است. (حدیث 3)

عدالت در سطح مسئولان و مردم

6. سیرۀ امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در همه زمینه ها، براساس عدالت و دادگری است و عدالتش چنان فراگیر خواهد بود که جایی برای ظلم و ستم باقی نخواهد گذاشت! این حقیقتی است که در روایات فراوان از شیعه و اهل سنت بیان گردیده است (یملأ الارض قسطاً و عدلاً).

7. عدالت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هم کارگزاران حکومتی را شامل می شود و هم افراد و اشخاص معمولی در سطح جامعه را؛ اگر در میان کارگزاران تخلّفی دیده شود امام به سختی برخورد می کند چنان که در سیرۀ امیرالمؤمنین علی علیه السلام چنین بود و به همین دلیل بخش عمده ای از ظلم و فساد که در طبقه حاکمان نااهل پیش از ظهور رخ می دهد، در زمان ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برطرف خواهد شد. (حدیث 3)

8. مطابق روایات، عدالتِ دوران ظهور به کوچک ترین نهادهای اجتماعی مانند «خانواده» نیز وارد می شود و روابط افراد را در درون خانواده تحت تأثیر قرار می دهد و البته روشن است که برخورد عادلانه

اعضای خانواده با یکدیگر و رفع ظلم و تبعیض و حق کشی از درون خانواده، براساس تربیت و رشد انسانی و الهی افراد است نه امری جبری و بیرون از اختیار! (حدیث 5)

علم و دانش گسترده در زمان ظهور

9. در سیرهٔ امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف علم و دانش جایگاه والایی دارد که او عالم ترین حاکم زمین است بلکه علم و دانش او نه از جنس علوم بشری که علمی الهی و آسمانی است؛ آن حضرت در میان اهل کتاب براساس کتاب آنها حکم خواهد کرد و این از علوم پنهانی است که خداوند راه آن را به روی او گشوده است. روشن است که حکومتی براساس علم الهی، می تواند همه نیازهای فردی و اجتماعی، مادی و معنوی را به بهترین شکل پاسخ دهد.

10. چون علم و دانش جایگاه مهمّی در قرآن و اسلام عزیز داراست و هرچه آفت و شرّ است از جهل و نادانی است مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جامعه ای عالم خواهد پرورید و هم چون پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با نادانی ها و خرافه ها اگرچه در لباس علم و دانایی در آمده باشد خواهد جنگید و هرچه بدعت و باطل به اسم دین و یا تمدّن و پیشرفت در میان مردم باشد برخواهد چید. این مهم نیز بخشی از سیره مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که مطابق با سنّت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در ستیز با جاهلیّت است.

11. بعضی از مخالفین شبهه افکنی می کنند که چگونه ممکن است امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف _ آن گونه که روایات شیعه می گوید _ اسلام جدید

بیاورد؟! پاسخ این است که همان طور که در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، جاهلیّت قدیم و کهنه بر جزیره العرب حاکم بود و اسلام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای برداشتن آن جاهلیّت، ظهور کرد همان طور وقتی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کند با جاهلیّت مدرن خواهد جنگید که بخشی از آن به خاطر روی گرداندن از قرآن و سنّت است _ مثل آن چه در اروپا اتفاق افتاده است _ و بخشی از آن به سبب تفسیرهای غلط از آیات الهی و روایات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است _ مثل آن چه که در فرقه های منحرف اسلامی رخ داده است _ بنابراین سیره مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف براساس یک انقلاب ارزشی در سطح جهان است که ارزش های فراموش شده اسلام و قرآن را زنده کرده و ضد ارزش های رایج تا زمان ظهور را برخواهد داشت و این در نظر مردم به معنی «اسلام جدید» خواهد بود!

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و استفاده از قهر و خشنونت

12. به دلیل آن چه در بالا بیان شد در سیره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برخورد قهرآمیز و به ظاهر خشن نیز دیده می شود و این بخش از سیره امام نیز مطابق با سنّت و سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است، زیرا آن حضرت نیز در برابر جبّاران و ستم کاران که آشکارا حقوق ضعیفان را ضایع می کردند ایستاد و آنهایی که از گناه خود توبه نکردند و اصلاح نشدند را به شمشیر قهر از سر راه بشریّت برداشت و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز با مستکبران عالم خواهد جنگید و این خود گام بلندی است برای برپایی عدالت و صلح در جهان!

13. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به عنوان «فریادرس مردم» معرّفی گردیده است یعنی که سیره رفتاری او کمک و دست گیری از مردم است و برای همه انسان ها هم چون پدری مهربان است و بلکه از پدر مهربان تر؛ زیرا که مظهر رحمت و مهر بی کران الهی است، چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم الگوی چنین سنّت و سیره ای بوده و خداوند دربارهٔ او فرمود: «وَمَا أَرْسَلْنَاکَ إِلَّا رَحْمَةً لِلْعَالَمِینَ» (1) و جلوه غالب و رفتار دائمی حضرت مهر و محبّت به انسان هاست و قهر و شمشیر به منزله جرّاحی بدن و آخرین راه علاج خواهد بود.

14. یکی از جلوه های مهروزی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نسبت به مردم، بخشش و عطای فراوان اوست به گونه ای که مردم در زمان او از نعمت بی سابقه ای برخوردار خواهند شد به گونه ای که نیازمندی یافت نخواهد شد. (2) روشن است که این ویژگی حضرت نیز ادامه سنّت های زیبای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است.

15. آن چه گفته شد نمونه های بارزی از سیره مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بود و آن چه از سیره حضرت بیان گردید همان است که به عنوان «معروف» در قرآن و سنّت پیامبر اکرم جلوه گر است. مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کامل ترین تجسّم عینی زیبایی های قرآن و سنّت پیامبر است و هیچ زشتی و کجی در گفتار و رفتار او وجود ندارد چرا که مصداق کریمه «تطهیر» (3) است.

1- سورهٔ انبیاء، آیهٔ 107.
2- این ویژگی در بحث «برکات دوره ظهور» آمده است.
3- سورهٔ احزاب، آیهٔ 33 که به طهارت کامل اهل بیت علیهم السلام گواهی می دهد.

فصل پنجم: خصائص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آخرین حجت خدا و بقیه الله است. او عصارهٔ خلقت و خلاصه انبیاء و اولیاء است. مطابق روایات، خصایص و ویژگی هایی در وجود شریف او جمع گردیده است. در این بخش مهم ترین خصایص حضرت را بر اساس روایات می آوریم:

1. امام سجّاد علیه السلام فرمود:

قیام کننده از ما [اهل بیت علیهم السلام] ولادتش بر مردم پنهان خواهد بود تا آن جا که [دربارهٔ او] می گویند: هنوز متولد نشده است برای این که وقتی قیام می کند بیعت هیچ کس بر گردن او نباشد. (1)

2. عبدالعظیم حسنی روایت کرده که به امام جواد علیه السلام گفتم:

من امید آن دارم که شما همان قیام کننده از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله

1- عن علی بن الحسین(قال: «الْقَائِمُ مِنَّا تَخْفَی وِلَادَتُهُ عَلَی النَّاسِ حَتَّی یَقُولُوا لَمْ یُولَدْ بَعْدُ لِیَخْرُجَ حِینَ یَخْرُجُ وَ لَیْسَ لِأَحَدٍ فِی عُنُقِهِ بَیْعَه.» (کمال الدین، ج1، ص322، ب31، ح6؛ اعلام الوری، ر4، ق2، ب2، ف2)

باشی که زمین را پر از عدل و قسط خواهی کرد، همان گونه که از ظلم و جور آکنده باشد. آن حضرت فرمود: ای ابالقاسم، هیچ یک از ما [اهل بیت علیهم السلام] نیست مگر این که قائم به امر خداست و هدایت گر به سوی دین او؛ ولی آن قائمی که خداوند به سبب او زمین را از اهل کفر و انکار پاک خواهد ساخت و پر از عدل و داد خواهد کرد کسی است که ولادت او بر مردم مخفی خواهد بود و شخص او از مردم غائب خواهد گشت و بردن نام او بر مردم حرام خواهد بود و او هم نام رسول خدا صلی الله علیه و آله و هم کنیه اوست و او همان کسی است که زمین برایش پیچیده می گردد و هر سختی برای او آسان می شود... (1)

3. اباصلت می گوید:

به امام رضا علیه السلام گفتم: نشانه های قائم علیه السلام از شما چیست آن گاه که قیام کند؟ فرمود: نشانه اش این است که [با این که] سنّ پیران را دارد [ولی] جوان به نظر می رسد به گونه ای که بیننده گمان می کند که او چهل سال یا کمتر دارد و نیز از نشانه های او این است که با گذشت روزها و شب ها پیر نمی شود تا آن گاه که اجل او فرا می رسد. (2)

1- عَنْ عَبْدِالْعَظِیمِ الْحَسَنِیِّ قَالَ: «قُلْتُ لِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ مُوسَی علیه السلام یَا مَوْلَایَ إِنِّی لَأَرْجُو أَنْ تَکُونَ الْقَائِمَ مِنْ أَهْلِ بَیْتِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله الَّذِی یَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا کَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْراً فَقَالَ علیه السلام مَا مِنَّا إِلَّا قَائِمٌ بِأَمْرِ اللهِ وَ هَادٍ إِلَی دِینِ اللهِ وَ لَکِنَّ الْقَائِمَ الَّذِی یُطَهِّرُ اللهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ أَهْلِ الْکُفْرِ وَ الْجُحُودِ وَ یَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا هُوَ الَّذِی یَخْفَی عَلَی النَّاسِ وِلَادَتُهُ وَ یَغِیبُ عَنْهُمْ شَخْصُهُ وَ یَحْرُمُ عَلَیْهِمْ تَسْمِیَتُهُ وَ هُوَ سَمِیُّ رَسُولِ اللهِ وَ کَنِیُّهُ وَ هُوَ الَّذِی تُطْوَی لَهُ الْأَرْضُ وَ یُذَلُّ لَهُ کُلُّ صَعْبٍ...» (کفایه الاثر، ص277، ح2؛ الاحتجاج، ج2، ص449)

2- عَنْ أَبِی الصَّلْتِ الْهَرَوِیِّ قَالَ قُلْتُ لِلرِّضَا علیه السلام : «مَا عَلَامَاتُ الْقَائِمِ مِنْکُمْ إِذَا خَرَجَ قَالَ عَلَامَتُهُ أَنْ یَکُونَ شَیْخَ السِّنِّ شَابَّ الْمَنْظَرِ حَتَّی إِنَّ النَّاظِرَ إِلَیْهِ لَیَحْسَبُهُ ابْنَ أَرْبَعِینَ سَنَةً أَوْ دُونَهَا وَ إِنَّ مِنْ عَلَامَاتِهِ أَنْ لَا یَهْرَمَ بِمُرُورِ الْأَیَّامِ وَ اللَّیَالِی حَتَّی یَأْتِیَهُ أَجَلُه.» (کمال الدین، ج2، ص652، ب57، ج12، اثبات الهداه، ج3، ص733، ب34، ف8، ح91)

4. امام صادق علیه السلام فرمود:

سنّت های پیامبران با آن چه نسبت به آنها روی داده از غیبت در قائم ما اهل بیت دقیقاً و موبه مو رخ خواهد داد. ابوبصیر گوید: به آن حضرت عرض کردم: ای فرزند رسول خدا: قائم از شما اهل بیت کیست؟ فرمود: ای ابابصیر او پنجمین فرزند از فرزندان پسرم موسی [بن جعفر علیه السلام] است. او فرزند سرور کنیزان است. غیبتی خواهد کرد که در آن اهل باطل به تردید می افتند. سپس خداوند بلندمرتبه او را ظاهر ساخته و مشرق ها و مغرب های زمین را به دست او خواهد گشود و روح الله عیسی بن مریم [از آسمان ها] فرود آمده پشت سر او به نماز خواهد ایستاد و زمین به نور پروردگار خود روشن خواهد شد و هیچ بقعه ای از زمین که غیر خدا در آن پرستیده شود نخواهد ماند مگر آن که خدا در آن عبادت خواهد شد و [در آن زمان] همه دین برای خدا خواهد بود گرچه مشرکان را ناخوش آید. (1)

1- عن اِبی بَصیر قال: سَمعت اباعبدالله(یَقول: «إِنَّ سُنَنَ الْأَنْبِیَاءِ علیهم السلام بِمَا وَقَعَ بِهِمْ مِنَ الْغَیْبَاتِ حَادِثَهٌ فِی الْقَائِمِ مِنَّا أَهْلَ الْبَیْتِ حَذْوَ النَّعْلِ بِالنَّعْلِ وَ الْقُذَّهِ بِالْقُذَّهِ قَالَ أَبُو بَصِیرٍ فَقُلْتُ یَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ صلی الله علیه وآله و سلم وَ مَنِ الْقَائِمُ مِنْکُمْ أَهْلَ الْبَیْتِ فَقَالَ یَا أَبَا بَصِیرٍ هُوَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِ ابْنِی مُوسَی ذَلِکَ ابْنُ سَیِّدَهِ الْإِمَاءِ یَغِیبُ غَیْبَهً یَرْتَابُ فِیهَا الْمُبْطِلُونَ ثُمَّ یُظْهِرُهُ اللهُ عَزَّوَجَلَّ فَیَفْتَحُ اللهُ عَلَی یَدِهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا وَ یَنْزِلُ رُوحُ اللهِ عِیسَی ابْنُ مَرْیَمَ علیه السلام فَیُصَلِّی خَلْفَهُ وَ تُشْرِقُ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَ لَا تَبْقَی فِی الْأَرْضِ بُقْعَهٌ عُبِدَ فِیهَا غَیْرُ اللهِ عَزَّوَجَلَّ إِلَّا عُبِدَاللهُ فِیهَا وَ یَکُونُ الدِّینُ کُلُّهُ لِلهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُون.» (کمال الدین، ج2، ص21_22، ب33، ح31؛ اثبات الهداه، ج3، ص473، ب32، ف5، ح152)

5. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

از ماست آن که عیسی بن مریم علیه السلام پشت سر او به نماز می ایستد. (1)

6. امام سجاد علیه السلام فرمود:

در قائم علیه السلام سنت هایی از هفت پیامبر وجود دارد: سنتی از پدر ما آدم علیه السلام و سنتی از نوح علیه السلام و سنتی از ابراهیم علیه السلام و سنتی از موسی علیه السلام و سنتی از عیسی علیه السلام و سنتی از ایوب علیه السلام و سنتی از محمد صلی الله علیه و آله درود خدا بر ایشان باد. از آدم و نوح: سنت طول عمر را دارد و از ابراهیم علیه السلام پنهانی ولادت و کناره گیری از مردم و از موسی علیه السلام ترس و غیبت و از عیسی علیه السلام اختلاف مردم درباره او و از ایوب علیه السلام گشایش پس از گرفتاری و از محمد صلی الله علیه و آله قیام به شمشیر. (2)

7. امام صادق علیه السلام فرمود:

هیچ معجزه ای از معجزات پیامبران و اوصیاء نیست مگر آن که خداوند مانند آن را به دست قائم ما ظاهر خواهد ساخت تا

1- عن ابی سعید الخدری قال: «قال رسول الله(: مِنّا الَّذِی یُصَلِّی ِعِیسَی ابْنُ مَرْیَم(خَلْفَهُ.» (کمال الدین، ج2، ص321، ب31، ح3)
2- عن علی بن الحسین(: فِی الْقَائِمِ مِنَّا سُنَن من سبعه انبیاء: سنّه مِن أبِینا آدَم وَ سُنَّهٌ مِنْ نُوحٍ وَ سُنَّهٌ مِنْ إِبْرَاهِیمَ وَ سُنَّهٌ مِنْ مُوسَی وَ سُنَّهٌ مِنْ عِیسَی وَ سُنَّهٌ مِنْ أَیُّوبَ وَ سُنَّهٌ مِنْ مُحَمَّدٍ فَأَمَّا مِنْ نُوحٍ فَطُولُ الْعُمُرِ َ أَمَّا مِنْ إِبْرَاهِیمَ فَخِفَاءُ الْوِلَادَهِ وَ اعْتِزَالُ النَّاسِ وَ أَمَّا مِنْ مُوسَی فَالْخَوْفُ وَ الْغَیْبَهُ وَ أَمَّا مِنْ عِیسَی فَاخْتِلَافُ النَّاسِ فِیهِ وَ أَمَّا مِنْ أَیُّوبَ فَالْفَرَجُ بَعْدَ الْبَلْوَی وَ أَمَّا مِنْ مُحَمَّدٍ فَالْخُرُوجُ بِالسَّیْف.» (البیان فی اخبار صاحب الزمان، ص116، ب7؛ کنزالعمال، ج14، ب266، ح38673؛ البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان، ص158، ب9، ح1)

حجت را بر دشمنان تمام کند. (1)

8. امام باقر علیه السلام فرمود:

وقتی قائم علیه السلام ظهور کند با پرچم رسول خدا و انگشتر سلیمان و سنگ و عصای موسی ظهور خواهد کرد. (2)

9. امام صادق علیه السلام فرمود:

به درستی که قائم از ما [اهل بیت] یاری شده به وسیله رعب، تأیید شده به نصرت الهی است. زمین برای او پیچیده می شود و گنج ها همگی برای او آشکار خواهد شد و خداوند به سبب او دینش را بر همه ادیان غلبه خواهد داد، گرچه مشرکان را خوش نیاید و سلطنت او مشرق و مغرب عالم را خواهد گرفت. پس در همه زمین ویرانه ای نماند مگر آن که آباد گردد و عیسی بن مریم علیه السلام [از آسمان] فرود آید و پشت سر او نماز می خواند... (3)

10. رسول خدا صلی الله علیه و آله در ضمن خطبه ای در غدیرخم فرمود:

1- عن ابی عبدالله(: «ما من معجزه من معجزات الانبیاء و الاوصیاء الا یظهرالله تبارک و تعالی مثلها علی ید قائمنا لاتمام الحجه علی الاعداء.» (اثبات الهداه، ج3، ص700، ب33، ف7، ح137، عن کتاب الفضل بن شاذان)

2- عن الباقر(: «إِذَا ظَهَرَ الْقَائِمُ علیه السلام ظَهَرَ بِرَایَهِ رَسُولِ اللهِ صوَ خَاتَمِ سُلَیْمَانَ وَ حَجَرِ مُوسَی وَ عَصَاه.». (غیبت نعمانی، باب13، ح28)

3- عن الصادق(: «الْقَائِمُ مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ مُؤَیَّدٌ بِالنَّصْرِ تُطْوَی لَهُ الْأَرْضُ وَ تَظْهَرُ لَهُ الْکُنُوزُ وَ یَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ وَ یُظْهِرُ اللهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ دِینَهُ وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ فَلَا یَبْقَی فِی الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا عُمِرَ وَ یَنْزِلُ رُوحُ اللهِ عِیسَی ابْنُ مَرْیَمَ (فَیُصَلِّی خَلْفَه...». (اثبات الهداه، ج7، ص140، ب32، ف44، ح686، عن کتاب فضل بن شاذان)

ای گروه مردم، نوری از خدای بلندمرتبه در من قرار گفته و پس از من در علی علیه السلام و پس از او در نسل او تا قائمِ مهدی که حق خدا و هر حقی که برای ماست را خواهد گرفت... ای مردم به راستی که من پیامبرم و علی وصیّ و جانشین است. آگاه باشید که آخرین امام از ما قائم مهدی خواهد بود. بدانید که محققاً او همان است که بر همه ادیان غلبه خواهد کرد و هر آینه او انتقام گیرنده از ستم کاران است و هر آینه او قلعه ها را فتح خواهد کرد و آنها را نابود خواهد ساخت. آگاه باشید که او کشنده هر قبیله و قومی از مشرکین است و او خون خواه اولیاء خدا خواهد بود.

هر آینه او یاری کننده دین خداست و او نهری خروشان از اقیانوسی بی کران است. آگاه باشید که او هر دانشمندی را به دانش و هر نادانی را به نادانی می شناسد. آگاه باشید که او برگزیده و انتخاب شده خداوند است. آگاه باشید که او وارث هر دانش و دربرگیرنده آن است. آگاه باشید که او آن چه بگوید از پروردگارش می گوید و به امر ایمان هشدار می دهد. آگاه باشید که او کامل و نیرومند است. آگاه باشید که [فرمان روایی جهان هستی] به او واگذار شده است. آگاه باشید که هرکس _ از پیامبران و امامان _ پیش از او بودند نوید او را داده اند. آگاه باشید که او تنها حجت بازمانده است و بعد از او حجتی نیست، حقی جز با او و نوری جز در پیش او نیست. آگاه باشید که هیچ کس بر او غلبه نخواهد کرد و کسی او را شکست نخواهد داد. (1)

1- عن رسول الله(فی خطبته الطویله فی غدیر خم: «مَعَاشِرَ النَّاسِ النُّورُ مِنَ اللهِ عَزَّوَجَلَّ فِیَّ مَسْلُوکٌ ثُمَّ فِی عَلِیٍّ _ ثُمَّ فِی النَّسْلِ مِنْهُ إِلَی الْقَائِمِ الْمَهْدِیِّ الَّذِی یَأْخُذُ بِحَق الله و بکلّ حق هو لنا... مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنِّی نَبِیٌّ وَ عَلِیٌّ وَصِیِّی أَلَا إِنَّ خَاتَمَ الْأَئِمَّهِ مِنَّا الْقَائِمُ الْمَهْدِیُّ أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَی الدِّینِ _ أَلَا إِنَّهُ الْمُنْتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِینَ أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الْحُصُونِ وَ هَادِمُهَا أَلَا إِنَّهُ قَاتِلُ کُلِّ قَبِیلَهٍ مِنْ أَهْلِ الشِّرْکِ أَلَا إِنَّهُ مُدْرِکٌ بِکُلِّ ثَارٍ لِأَوْلِیَاءِ اللهِ أَلَا إِنَّهُ النَّاصِرُ لِدِینِ اللهِ أَلَا إِنَّهُ الْغَرَّافُ فِی بَحْرٍ عَمِیقٍ أَلَا إِنَّهُ یَسِمُ کُلَّ ذِی فَضْلٍ بِفَضْلِهِ وَ کُلَّ ذِی جَهْلٍ بِجَهْلِهِ أَلَا إِنَّهُ خِیَرَهُ اللهِ وَ مُخْتَارُهُ أَلَا إِنَّهُ وَارِثُ کُلِّ عِلْمٍ وَ الْمُحِیطُ بِهِ أَلَا إِنَّهُ الْمُخْبِرُ عَنْ رَبِّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ الْمُنَبِّهُ بِأَمْرِ إِیمَانِهِ أَلَا إِنَّهُ الرَّشِیدُ السَّدِیدُ أَلَا إِنَّهُ الْمُفَوَّضُ إِلَیْهِ أَلَا إِنَّهُ قَدْ بُشِّرَ بِهِ مَنْ سَلَفَ بَیْنَ یَدَیْهِ _ أَلَا إِنَّهُ الْبَاقِی حُجَّهً وَ لَا حُجَّهَ بَعْدَهُ وَ لَا حَقَّ إِلَّا مَعَهُ وَ لَا نُورَ إِلَّا عِنْدَهُ أَلَا إِنَّهُ لَا غَالِبَ لَهُ وَ لَا مَنْصُورَ عَلَیْه.» (الاحتجاج، ص66 _84 «احتجاج النبی(یوم الغدیر»)

11. امام صادق علیه السلام فرمود:

قائم علیه السلام قیام خواهد کرد و حال آن که هیچ کس بر عهده او بیعت و پیمانی نخواهد داشت. (1)

نکته هایی از روایات

از مجموع روایاتی که بیان شد استفاده می شود که از میان ائمه دوازده گانه شیعه، حضرت مهدی علیه السلام دارای ویژگی هایی هستند

که ایشان را از سایر امامان ممتاز می کند. این ویژگی ها، سیمای

مبارک مهدی موعود را بیشتر و بهتر معرفی می کند؛ همان گونه که مدعیان مهدویت را رسوا می کند. در این بخش ویژگی های آن حضرت را مرور می کنیم:

1. بر خلاف ائمه پیشین که امر ولادت آنها آشکار و علنی بوده است، حضرت مهدی علیه السلام ولادتی پنهانی داشته اند و این به خاطر شرایط خاص زمان ایشان و نیز مأموریت ویژه ایشان در مقابله با حاکمان

1- عن ابی عبدالله(قال: «یَقُومُ الْقَائِمُ (وَ لَیْسَ لِأَحَدٍ فِی عُنُقِهِ عَقْدٌ وَ لَا عَهْدٌ وَ لَا بَیْعَه.» (غیبت نعمانی)

ستم گر بوده است که در بحث علت غیبت مطرح گردیده است. ولادت پنهانی درباره برخی از پیامبران الهی هم روی داده است. (حدیث1و2)

2. مهدی علیه السلام علاوه بر ولادت پنهانی، زندگی خود را در غیبت می گذراند و بر خلاف سایر ائمه علیهم السلام که آشکارا در میان مردم بودند، پنهانی زندگی می کند و اگرچه ممکن است دیده شود ولی شناخته نمی شود جز در مواردی که امام مصلحت بداند. آن حضرت در این ویژگی نیز به برخی از پیامبران بزرگ خدا شباهت دارد.(حدیث2و4)

3. مطابق روایات متعدّد، بردن نام حضرت در زمان غیبت، جایز نیست و این نیز ویژگی دیگر امام دوازدهم است که یکی از دلائل آن حفظ جان حضرت است. (1) (حدیث2)

4. ویژگی دیگر امام علیه السلام جریان امدادهای غیبی آشکار دربارۀ آن حضرت و قیام اوست. گرچه زندگی همه ائمه از این امور برخوردار بوده است ولی در حیات مهدی علیه السلام این جریان، روشن تر و فراوان تر خواهد بود زیرا که رسالت او گسترده تر و فراگیرتر است. (حدیث3)

بعضی از مواردی که به عنوان امداد غیبی الهی در روایات آمده عبارتند از:

یک _ زمین برای آن حضرت پیچیده می شود (و راه ها برای او

1- در برخی روایات آمده است که وقتی در مجالس و محافل نام حضرت برده شود، سبب طلب و پی گیری و جست وجوی دشمن نسبت به آن حضرت می گردد. البتّه ممکن است ادلّه دیگری برای ممنوعیت نام بردن وجود داشته باشد و الله العالم.

نزدیک می گردد).

دو _ هر سختی برای او سهل و آسان می گردد.

سه _ با رعب و وحشتی که در دل دشمنانش می افتد یاری می گردد، همان گونه که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در جریان جنگ احزاب با لشکر رعب یاری شد. (1)

چهار _ گنج های زمین برای او آشکار گردیده و در دسترس

قرار می گیرد.

5. با آن که هنگام ظهور، سنّ مبارک آن حضرت، بسیار زیاد است ولی در هیئت و شکل جوانی که کمتر از چهل سال دارد ظاهر می گردد و گذشت روز و شب آثار پیری را برای او نخواهد آورد و این امر از مختصّات امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. (حدیث3)

6. خداوند به دست او مشرق و مغرب عالم را فتح کرده و دین اسلام را علی رغم مشرکان، جهانی خواهد ساخت؛ به گونه ای که هیچ سرزمینی نمی ماند که غیرخدا در آن پرستیده شود. (حدیث4، 9 و 10)

7. حکومت مهدی علیه السلام سراسر عالم را گرفته و همه جا را آباد خواهد کرد. (حدیث9 و 10)

8. ویژگی دیگر امام مهدی علیه السلام آنست که در روزگار ظهور او حضرت عیسی بن مریم علیه السلام که از پیامبران اولوالعزم الهی است از آسمان فرود آمده و پشت سر او به نماز خواهد ایستاد. (2) (حدیث4 و 5)

1- این واقعیت در آیۀ 26 سورۀ احزاب بیان گردیده است.
2- این برنامه می تواند به گرایش اهل کتاب به امام مهدی(کمک فراوانی کند و زمینه هدایت بسیاری از خداپرستان را فراهم کند.

9. خداوند تبارک و تعالی برای اتمام حجت بر خلق، معجزات فراوانی نظیر آن چه از انبیاء: به ظهور رسیده است به دست امام مهدی علیه السلام ظاهر خواهد ساخت. در این صورت هیچ عذری برای کسی نمی ماند که به مهدی علیه السلام ایمان نیاورد. (حدیث7)

10. امام مهدی علیه السلام برای اثبات حقانیت دعوت خود با آثار و علائمی از پیامبران بزرگ خدا ظهور خواهد کرد؛ مانند پرچم پیامبر خدا حضرت محمد صلی الله علیه و آله ، انگشتری سلیمان علیه السلام ، سنگ و عصای موسی علیه السلام . این ها آثار مخصوصی است که نزد موحدان عالم و علمای اهل کتاب شناخته شده است. (حدیث8)

11. او آخرین حجت الهی است که تمام حجت های پیشین نسبت به او بشارت داده اند. (حدیث10)

12. او تنها حجت الهی است که همیشه پیروز خواهد بود و هیچ قدرتی و در هیچ مقطعی از زمان بر او غلبه نخواهد کرد. (حدیث10)

13. آن حضرت در حالی قیام خواهد کرد که تحت بیعت هیچ کس نخواهد بود و با هیچ کس پیمانی نخواهد داشت و این امری

است برخلاف آن چه در امامان پیشین بوده است و آنها هریک به نحوی در بیعت طاغوت زمان خود بوده اند و گریزی از آن نداشته اند. (1) (حدیث1 و 10)

1- این مطلب در بخش علت غیبت توضیح داده شده است.

14. امام مهدی علیه السلام سنت ها و شیوه های گوناگونی از پیامبران بزرگ خدا دارد که با آنها شناخته می گردد. از آدم و نوح: طول عمر، از ابراهیم علیه السلام پنهانی ولادت و کناره گیری از مردم، از موسی علیه السلام ترس و غیبت، از عیسی علیه السلام اختلاف مردم دربارهٔ او، از ایوب علیه السلام گشایش بعد از بلا و گرفتاری و از پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله قیام به شمشیر. (حدیث4 و 6)

به جاست که درباره این شباهت ها توضیحی روشن گر داده شود:

طبق آیات قرآن نوح علیه السلام 950 سال در میان مردم صبر کرد (1)

و در روایات آمده که 2500 سال عمر کرد (2) و آدم علیه السلام نیز طبق

روایت پیامبر صلی الله علیه و آله 930 سال عمر کرد (3) چنان که در تورات نیز به آن تصریح شده است. (4)

حضرت ابراهیم علیه السلام دوران حمل و ولادتش مخفیانه بود (5) و حضرت مهدی علیه السلام نیز چنین بوده است و نیز قرآن از زبان ابراهیم علیه السلام فرموده: gوَأَعْتَزِلُكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِن دُونِ اللهِ(6) f) و از شما و آن چه غیرخداوند می پرستید کناره گیری می کنم. امام صادق علیه السلام فرمود: به ناچار صاحب

1- سوره نوح، آیه 26.
2- مکیال المکارم، ج1، ص253.
3- بحارالانوار، ج11، ص268، ح19.
4- زنده روزگاران، ص132، به نقل از تورات (ترجمهٔ فاضل خانی) سفر پیدایش، باب پنجم، آیه5.
5- مکیال المکارم، ج1، ص261.
6- سوره مریم، آیه48.

این امر را غیبتی خواهد بود و در هنگام غیبت ناچار از عزلت و گوشه گیری است... (1)

و اما درباره موسی علیه السلام در قرآن آمده: gفَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفاً یَتَرَقَّبُf (2) یعنی پس، از آن [دیار] ترسان و نگران بیرون رفت. یعنی از میان قوم خود به جهت ترس از دشمنانش غائب شد و حضرت مهدی علیه السلام نیز به همین جهت غائب شده است. (3) و نیز موسی علیه السلام دو غیبت داشت که یکی از آنها طولانی تر بود. غیبت اول او از مصر بود که 28 سال طول کشید و غیبت دوم وقتی بود که به میقات پروردگارش رفت که چهل شب طول کشید. (4)

و اما عیسی علیه السلام ، مردم درباره او اختلاف شدید کردند. بعضی اصل وجودش را منکر شدند و گفتند قهرمان افسانه ای بود! و بعضی معتقد به خدایی او شدند و بعضی گفتند انسان است و بعضی هر دو اعتقاد را با هم جمع کردند و یهود به مادرش نسبت ناروا و زشت دادند! (5) دربارۀ حضرت مهدی علیه السلام نیز اختلاف کردند که اصلاً متولد نشده یا پس از تولد، رحلت کرده یا امام عسکری علیه السلام عقیم بوده یا روح قائم علیه السلام در کالبد دیگری وارد شده و او سخن از زبان آن حضرت می گوید (6) و

1- مکیال المکارم، ج1، ص192.
2- سوره قصص، آیه21.
3- در بحث «علت غیبت» مطرح شده است.
4- مکیال المکارم، ج1، ص289.
5- نک: تفسیر الکاشف، ج1، ص70.
6- نک: مکیال المکارم، ج1، ص316.

اباطیل دیگر.

و اما ایوب علیه السلام گرفتار آزمونی سخت شد. اموال فراوان او و زراعت و گوسفندانش و نیز فرزندانش از میان رفتند و سلامت خود را از دست داد و مدت زیادی سخت بیمار شد و نیز گرفتار شماتت دوستان گردید ولی در همه حال بنده صابر و شاکر خداوند بود و چون از عهده امتحان الهی به خوبی بیرون آمد، خداوند درهای رحمتش را به روی او گشود و نعمت های از دست رفته را به او برگرداند. (1) امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هم در طول دورهٔ غیبت، سختی ها و بلاهای فراوان را تحمل کرده و می کند و پس از آن برای او ظهور و فرج و گشایش الهی رخ خواهد داد.

و اما پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بیش از هشتاد جنگ با دشمنان داشت و امام مهدی علیه السلام نیز با دشمنان دین خدا خواهد جنگید؛ یعنی این گونه نیست که کار او تنها با ارائه دلیل و برهان به سامان برسد، بلکه در سیره و سنت او مانند پیامبر اسلام جنگ و رویارویی خواهد بود.

1- نک: تفسیر نمونه، ج19، ص294_296.

ص:109

بخش سوم: غیبت و انتظار

اشاره

فصل اوّل: ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

یکی از موضوع های بسیار مهم درباره شخصیت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، موضوع «ولادت» آن حضرت است. مهم ترین بخش این موضوع،

اثبات ولادت آن بزرگوار است که از گذشته تا به حال مورد اختلاف

بین شیعه و اهل سنت بوده است. شیعه به اتفاق معتقدند که

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرزند امام حسن عسگری علیه السلام در سال 255

هجری قمری در سامراء متولد گردید و امام حیّ و حاضر است

که به اراده الهی غائب شده و در آخرالزمان ظهور خواهد کرد

ولی بیش تر اهل سنت منکر ولادت آن حضرت هستند! ما در این

بخش روایاتی را نقل خواهیم کرد که بر ولادت آن حضرت دلالت

دارد؛ البته بعضی از این روایات با صراحت از ولادت حضرت خبر

داده است و برخی دیگر به گونه ای است که لازمه اش تولّد یافتن

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. (1)

البته در جریان ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بخش های دیگری هم هست که به اثبات ولادت آن حضرت کمک می کند مثل مخفی بودن ولادت آن حضرت و علّت آن و بشارت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام نسبت به ولادت و بیان نسب آن حضرت و آنها که امام را در کودکی یا در غیبت صغری، ملاقات کرده اند که به این ها هم اشاره ای خواهد شد.

روایات

1. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

دنیا تمام نمی گردد تا این که مردی از نسل حسین علیه السلام به امر [سرپرستی و امامت] امت من قیام خواهد کرد. او دنیا را پر از عدالت می کند همان گونه که از جور پر شده باشد. [راوی گوید:] گفتیم، او کیست ای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ؟ فرمود: او نهمین نفر از نسل حسین علیه السلام است. (2)

2. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

... ای جابر، وقتی فرزندم باقر را دیدی، سلام مرا به او برسان،

1- به اصطلاح منطقی، دلالت این احادیث بر ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به سه گونه مطابقی، تضمنّی و التزامی است یعنی برخی صریح در اثبات ولادت است و برخی خبر ولادت را در بر دارد و لازمه برخی دیگر ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.
2- عن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: «لَا تَذْهَبُ الدُّنْیَا حَتَّی یَقُومَ بِأَمْرِ أُمَّتِی رَجُلٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَیْنِ یَمْلَأُهَا عَدْلًا کَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْرا. قلنا من هو یا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قال: هو التاسع من صلب الحسین علیه السلام ». (کفایه الاثر، ص97، ب 12، ح 3؛ بحارالأنوار، ج 36، ص318، ب 41، ح 169)

همانا او هم نام من و شبیه ترین مردم به من است. دانش او دانش من و حکم او حکم من است. هفت تن از فرزندان او، امینان و معصومان و امامان نیکوکار هستند و هفتمین آنها مهدی ایشان است که زمین را از عدل و داد پر می کند همان طور که از ظلم و جور پر شده باشد... . (1)

3. امام صادق علیه السلام فرمود:

هر کس به همه امامان از پدران من و نیز از فرزندانم ایمان و اقرار داشته باشد و تنها مهدی از فرزندانم را انکار کند مثل آنست که همه انبیاء الهی را پذیرفته ولی منکر پیامبر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم گردیده باشد. [راوی گوید] گفتم: ای مولای من! مهدی کیست؟ فرمود: پنجمین نفر از فرزندان هفتمین امام! شخص او از دیدگان شما غائب می گردد و نام بردن از او بر شما جایز نیست. (2)

4. امام رضا علیه السلام فرمود:

... هر کس پیش از قیام قائم ما، تقیه را ترک کند از ما نیست! _ به آن حضرت گفته شد: ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، قائم از شما

1- عن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: قال... یا جابر، إذا ادرکت ولدی الباقر فاقرءه منّی السلام فانه سمیّی و اشبه الناس بی، علمه علمی و حکمه حکمی، سبعه من ولده امناء معصومون ائمه ابرار و السابع منهم الذی یملأ الارض قسط و عدلاً کما ملئت جوراً و ظلماً... (تمام حدیث در بخش حسب و نسب، حدیث7)

2- عن الصادق علیه السلام : «مَنْ أَقَرَّ بِالْأَئِمَّهِ مِنْ آبَائِی وَ وُلْدِی وَ جَحَدَ الْمَهْدِیَّ مِنْ وُلْدِی کَانَ کَمَنْ أَقَرَّ بِجَمِیعِ الْأَنْبِیَاءِ وَ جَحَدَ مُحَمَّداً صلی الله علیه و آله و سلم نُبُوَّتَهُ فَقُلْتُ یَا سَیِّدِی وَ مَنِ الْمَهْدِیُّ مِنْ وُلْدِکَ قَالَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِ السَّابِعِ یَغِیبُ عَنْکُمْ شَخْصُهُ وَ لَا یَحِلُّ لَکُمْ تَسْمِیَتُه.». (کمال الدین، ج 2، ص410، ب 39، ح 4)

خاندان کیست؟ _ فرمود: چهارمین نفر از فرزندانم، پسر سرور کنیزان! خداوند به سبب او زمین را از هر ظلم وجوری پاک خواهد ساخت و او همان است که مردم در ولادت او شک می کنند و همان است که پیش از قیام خود، غیبت خواهد داشت. (1)

5. امام جواد علیه السلام فرمود:

... به درستی که قائم از ما [اهل بیت علیهم السلام] همان مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که باید در غیبتش، منتظر او باشند و در ظهورش از او اطاعت کنند و او سومین نسل از فرزندان من است... . (2)

6. امام هادی علیه السلام فرمود:

به راستی که امام پس از من، فرزندم حسن خواهد بود و پس از او فرزندش قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف همان که زمین را از قسط و عدل پر می کند همان گونه که از جور و ظلم پر شده باشد. (3)

7. به امام عسکری علیه السلام گفته شد، امام و حجت خدا پس از شما

1- عن الرضا علیه السلام :... فَمَنْ تَرَکَ التَّقِیَّهَ قَبْلَ خُرُوجِ قَائِمِنَا فَلَیْسَ مِنَّا _ فَقِیلَ لَهُ یَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ وَ مَنِ الْقَائِمُ مِنْکُمْ أَهْلَ الْبَیْتِ قَالَ الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِی ابْنُ سَیِّدَهِ الْإِمَاءِ یُطَهِّرُ اللهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ کُلِّ جَوْرٍ وَ یُقَدِّسُهَا مِنْ کُلِّ ظُلْمٍ وَ هُوَ الَّذِی یَشُکُّ النَّاسُ فِی وِلَادَتِهِ وَ هُوَ صَاحِبُ الْغَیْبَهِ قَبْلَ خُرُوجِهِ... (کمال الدین، ج 2، ص371، ب 35، ح 5)
2- عن الجواد علیه السلام : «إِنَّ الْقَائِمَ مِنَّا هُوَ الْمَهْدِیُّ الَّذِی یَجِبُ أَنْ یُنْتَظَرَ فِی غَیْبَتِهِ وَ یُطَاعَ فِی ظُهُورِهِ وَ هُوَ الثَّالِثُ مِنْ وُلْدِی...» (تمام حدیث در بخش حسب و نسب، حدیث 10؛ کمال الدین، ج 2، ص377، ح 1 و نیز اعلام الوری و بحارالأنوار، ج 15، ص156، ب 149)
3- عن الامام الهادی علیه السلام : «إِنَّ الْإِمَامَ بَعْدِی الْحَسَنُ ابْنِی وَ بَعْدَ الْحَسَنِ ابْنُهُ الْقَائِمُ الَّذِی یَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا کَمَا مُلِئَتْ جَوْراً وَ ظُلْما.» (کمال الدین، ج2، ص383، ح 10 و اثبات الهداه، ج 3، ص394، ب 30، ح 17)

کیست؟ فرمود:

پسرم محمد امام و حجت خدا پس از من است و هر که بمیرد در حالی که او را نشناخته باشد به مرگ جاهلیت مرده است! آگاه باشید که بی تردید برای او غیبتی خواهد بود که نادان ها در آن به حیرت می افتند و اهل باطل هلاک می شوند... . (1)

8. امام عسکری علیه السلام فرمود:

... خدای را سپاس که مرا از دنیا بیرون نبرد تا این که جانشین پس از مرا به من نشان داد! او شبیه ترین مردم به رسول خداست از جهت خلقت و از جهت اخلاق. خداوند او را در غیبتش حفظ کرده و پس از آن او را ظاهر می سازد. پس او زمین را از قسط و عدل پر می کند همان گونه که از ظلم و جور پر شده باشد. (2)

9. امام عسکری علیه السلام فرمود:

دشمنان گمان کردند که مرا می کشند و نسل امامت را قطع می کنند و به تحقیق خداوند قول آنها را تکذیب کرد و خدای را

1- قیل للإمام العسکری علیه السلام : «یَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ فَمَنِ الْحُجَّهُ وَ الْإِمَامُ بَعْدَکَ فَقَالَ ابْنِی مُحَمَّدٌ هُوَ الْإِمَامُ وَ الْحُجَّهُ بَعْدِی مَنْ مَاتَ وَ لَمْ یَعْرِفْهُ مَاتَ مِیتَهً جَاهِلِیَّهً أَمَا إِنَّ لَهُ غَیْبَهً یَحَارُ فِیهَا الْجَاهِلُونَ وَ یَهْلِکُ فِیهَا الْمُبْطِلُون...» (تمام حدیث در بخش حسب و نسب، ح 12؛ کمال الدین، ج 2، ص409، ب 38، ح 9 و اثبات الهداه، ج 3، ص482، ب 32، ح189)
2- عن الامام العسکری علیه السلام : الْحَمْدُ لِلهِ الَّذِی لَمْ یُخْرِجْنِی مِنَ الدُّنْیَا حَتَّی أَرَانِی الْخَلَفَ مِنْ بَعْدِی أَشْبَهَ النَّاسِ بِرَسُولِ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلم خَلْقاً وَ خُلْقاً یَحْفَظُهُ اللهُ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی فِی غَیْبَتِهِ ثُمَّ یُظْهِرُهُ فَیَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطاً کَمَا مُلِئَتْ جَوْراً وَ ظُلْما. (کمال الدین، ج 2، ص408، ب 38، ح 7 و کفایهالمهتدی (الاربعین)، ص111، ح 29)

شکر [که چنین کرد]. (1)

10. امام عسکری علیه السلام در نامه ای به یکی از شیعیانش فرمود:

برای ما فرزندی به دنیا آمد [این خبر] باید نزد تو پوشیده باشد و از همه مردم پنهان و مخفی بماند و به راستی که ما کسی را از آن مطّلع نساختیم مگر آن که نزدیک باشد و یا از دوستان باشد. خوش داشتیم که تو را اعلام کنیم تا خداوند به این خبر تو را شاد کند هم چنان که ما را مسرور کرد والسلام . (2)

11. حکیمه خاتون دختر امام جواد علیه السلام روایت کرده است که امام عسکری علیه السلام به دنبال من فرستاد و فرمود:

ای عمّه امشب افطارت را نزد ما قرار ده زیرا که شب

نیمه شعبان است و خداوند در امشب حجّت را نمایان خواهد ساخت و او حجّت خدا در زمین است. گفتم: مادرش کیست؟ فرمود: نرجس! گفتم: فدایت شوم! در نرجس نشانه ای [از حمل] نیست! فرمود: همانست که به تو گفتم! [حکیمه گوید]

آمدم و به نرجس سلام کرده... و گفتم: دخترم خداوند امشب

به تو کودکی عطا خواهد کرد که در دنیا و آخرت، سرور

و آقاست !... [حکیمه گوید:] در دل شب برای نماز برخاستم،

1- و عنه علیه السلام : «زَعَمُوا أَنَّهُمْ یُرِیدُونَ قَتْلِی لِیَقْطَعُوا هَذَا النَّسْلَ وَ قَدْ کَذَّبَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ قَوْلَهُمْ وَ الْحَمْدُ لِله». (معجم احادیث الامام المهدی، ج 6، ص27، به نقل از کمال الدین، ج 2، ص407، ب 38، ح 3)

2- و عنه علیه السلام : «وُلِدَ لَنَا مَوْلُودٌ فَلْیَکُنْ عِنْدَکَ مَسْتُوراً وَ عَنْ جَمِیعِ النَّاسِ مَکْتُوماً فَإِنَّا لَمْ نُظْهِرْ عَلَیْهِ إِلَّا الْأَقْرَبَ لِقَرَابَتِهِ وَ الْوَلِیَّ لِوَلَایَتِهِ أَحْبَبْنَا إِعْلَامَکَ لِیَسُرَّکَ اللهُ لَهُ مِثْلَ مَا سَرَّنَا بِهِ وَ السلام ». (معجم احادیث الامام المهدی، ج 6، ص31، ح 1272 به نقل از کمال الدین، ص 433، ب 42، ح 16)

نماز خواندم و حال آن که نرجس خوابیده بود... پس او برخاست و نماز گزارد و خوابید... پس بیرون آمده و در جست وجوی

فجر بودم... تردید بر من عارض شد ناگاه ابومحمد علیه السلام از جای خود مرا نداد داد و فرمود: ای عمّه شتاب مکن که امر نزدیک شده است! حکیمه گوید: نشستم و سوره های سجده و یس را قرائت کردم در این میان او هراسان بیدار شد و من از جای خود پریده نزد او رفتم و گفتم: نام خدا بر توباد آیا چیزی احساس می کنی؟ گفت: آری ای عمّه! ... حکیمه گوید: مرا و نرجس را ضعفی گرفت و به صدای سرورم به خود آمدم و جامه از او برداشتم و ناگهان سرورم را دیدم که به سجده افتاده است و مواضع سجده اش را بر زمین گذاشته؛ او را در آغوش گرفتم و دیدم که پاک و پاکیزه است. [در این هنگام] امام عسکری

مرا ندا داد که ای عمّه فرزندم را نزد من بیاور! مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به نزدش بردم... فرمود: پسرم سخن بگوی! کودک گفت: اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً رسول الله و سپس بر امیرالمؤمنین و امامان درود فرستاد تا آن که بر پدرش هم درود فرستاد و زبان درکشید... . (1)

1- عَن حَکِیمَهُ بِنْتُ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ بْنِ مُوسَی بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ علیهم السلام قالت: «بَعَثَ إِلَیَّ أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ عَلِیٍّ علیه السلام فَقَالَ یَا عَمَّهُ اجْعَلِی إِفْطَارَکِ هَذِهِ اللَّیْلَهَ عِنْدَنَا فَإِنَّهَا لَیْلَهُ النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ فَإِنَّ اللهَ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی سَیُظْهِرُ فِی هَذِهِ اللَّیْلَهِ الْحُجَّهَ وَ هُوَ حُجَّتُهُ فِی أَرْضِهِ قَالَتْ فَقُلْتُ لَهُ وَ مَنْ أُمُّهُ قَالَ لِی نَرْجِسُ قُلْتُ لَهُ جَعَلَنِی اللهُ فِدَاکَ مَا بِهَا أَثَرٌ فَقَالَ هُوَ مَا أَقُولُ لَکِ قَالَتْ فَجِئْتُ فَلَمَّا سَلَّمْتُ وَ جَلَسْتُ جَاءَتْ تَنْزِعُ خُفِّی وَ قَالَتْ لِی یَا سَیِّدَتِی وَ سَیِّدَهَ أَهْلِی کَیْفَ أَمْسَیْتِ فَقُلْتُ بَلْ أَنْتِ سَیِّدَتِی وَ سَیِّدَهُ أَهْلِی قَالَتْ فَأَنْکَرَتْ قَوْلِی وَ قَالَتْ مَا هَذَا یَا عَمَّهُ قَالَتْ فَقُلْتُ لَهَا یَا بُنَیَّهُ إِنَّ اللهَ تَعَالَی سَیَهَبُ لَکِ فِی لَیْلَتِکِ هَذِهِ غُلَاماً سَیِّداً فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ قَالَتْ فَخَجِلَتْ وَ اسْتَحْیَتْ فَلَمَّا أَنْ فَرَغْتُ مِنْ صَلَاهِ الْعِشَاءِ الْآخِرَهِ أَفْطَرْتُ وَ أَخَذْتُ مَضْجَعِی فَرَقَدْتُ فَلَمَّا أَنْ کَانَ فِی جَوْفِ اللَّیْلِ قُمْتُ إِلَی الصَّلَاهِ فَفَرَغْتُ مِنْ صَلَاتِی وَ هِیَ نَائِمَهٌ لَیْسَ بِهَا حَادِثٌ ثُمَّ جَلَسْتُ مُعَقِّبَهً ثُمَّ اضْطَجَعْتُ ثُمَّ انْتَبَهْتُ فَزِعَهً وَ هِیَ رَاقِدَهٌ ثُمَّ قَامَتْ فَصَلَّتْ وَ نَامَتْ قَالَتْ حَکِیمَهُ وَ خَرَجْتُ أَتَفَقَّدُ الْفَجْرَ فَإِذَا أَنَا بِالْفَجْرِ الْأَوَّلِ

كَذَنَبِ السِّرْحَانِ وَ هِیَ نَائِمَهٌ فَدَخَلَنِی الشُّکُوکُ فَصَاحَ بِی أَبُو مُحَمَّدٍ ع مِنَ الْمَجْلِسِ فَقَالَ لَا تَعْجَلِی یَا عَمَّهُ فَهَاکِ الْأَمْرُ قَدْ قَرُبَ قَالَتْ فَجَلَسْتُ وَ قَرَأْتُ الم السَّجْدَهَ وَ یس فَبَیْنَمَا أَنَا کَذَلِکَ إِذِ انْتَبَهَتْ فَزِعَهً فَوَثَبْتُ إِلَیْهَا فَقُلْتُ اسْمُ اللهِ عَلَیْکِ ثُمَّ قُلْتُ لَهَا أَ تَحِسِّینَ شَیْئاً قَالَتْ نَعَمْ یَا عَمَّهُ فَقُلْتُ لَهَا اجْمَعِی نَفْسَکِ وَ اجْمَعِی قَلْبَکِ فَهُوَ مَا قُلْتُ لَکِ قَالَتْ فَأَخَذَتْنِی فَتْرَهٌ وَ أَخَذَتْهَا فَتْرَهٌ فَانْتَبَهْتُ بِحِسِّ سَیِّدِی فَکَشَفْتُ الثَّوْبَ عَنْهُ فَإِذَا أَنَا بِهِ علیه السلام سَاجِداً یَتَلَقَّی الْأَرْضَ بِمَسَاجِدِهِ فَضَمَمْتُهُ إِلَیَّ فَإِذَا أَنَا بِهِ نَظِیفٌ مُتَنَظِّفٌ فَصَاحَ بِی أَبُو مُحَمَّدٍ علیه السلام هَلُمِّی إِلَیَّ ابْنِی یَا عَمَّهُ فَجِئْتُ بِهِ إِلَیْهِ فَوَضَعَ یَدَیْهِ تَحْتَ أَلْیَتَیْهِ وَ ظَهْرِهِ وَ وَضَعَ قَدَمَیْهِ عَلَی صَدْرِهِ ثُمَّ أَدْلَی لِسَانَهُ فِی فِیهِ وَ أَمَرَّ یَدَهُ عَلَی عَیْنَیْهِ وَ سَمْعِهِ وَ مَفَاصِلِهِ ثُمَّ قَالَ تَکَلَّمْ یَا بُنَیَّ فَقَالَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله ثُمَّ صَلَّی عَلَی أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ وَ عَلَی الْأَئِمَّهِ علیه السلام إِلَی أَنْ وَقَفَ عَلَی أَبِیهِ ثُمَّ أَحْجَم...». (کمال الدین و تمام النعمه، ج 2، باب 42، ح 1، ص143)

12. ابی غانم خادم امام عسکری علیه السلام روایت کرده:

برای ابامحمّد (امام عسکری علیه السلام) فرزندی متولد شد و او را محمّد نامید و روز سوّم او را به اصحابش نشان داد و فرمود: این صاحب [و امام] شما پس از من است و خلیفه من بر شماست و او همان قائم است که همگان به انتظار او خواهند بود پس آن گاه که زمین از جور و ظلم آکنده شود ظهور کرده و آن را پر از عدل و قسط و عدل خواهد ساخت. (1)

1- عَنْ أَبِی غَانِمٍ الْخَادِمِ: «قَالَ وُلِدَ لِأَبِی مُحَمَّدٍ علیه السلام وَلَدٌ فَسَمَّاهُ مُحَمَّداً فَعَرَضَهُ عَلَی أَصْحَابِهِ یَوْمَ الثَّالِثِ وَ قَالَ هَذَا صَاحِبُکُمْ مِنْ بَعْدِی وَ خَلِیفَتِی عَلَیْکُمْ وَ هُوَ الْقَائِمُ الَّذِی تَمْتَدُّ إِلَیْهِ الْأَعْنَاقُ بِالانْتِظَارِ فَإِذَا امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ جَوْراً وَ ظُلْماً خَرَجَ فَمَلَأَهَا قِسْطاً وَ عَدْلا». (معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج 6، ص45، ح1278 به نقل از کمال الدین، ج 2، ص43، ب 42، ح 8)

13. محمد بن ابراهیم کوفی گوید:

امام عسکری علیه السلام گوسفند ذبح شده ای برایم فرستاد تا برسانم به کسانی که نام برده بود و فرمود: این عقیقه فرزندم محمّد است. (1)

14. ابی هاشم جعفری گوید به امام عسکری علیه السلام گفتم:

بزرگی تو مرا از سؤالی باز می دارد آیا اجازه می دهید بپرسم؟ فرمود: بپرس، گفتم، مولای من آیا فرزندی برای شما هست؟ فرمود: آری... . (2)

15. امام عسکری علیه السلام فرمود:

بنی امیه و بنی عباس شمشیرهای خود را بر ما کشیدند به دو جهت: یکی آن که آنها می دانستند که در خلافت حقی ندارند و می ترسیدند که ما نسبت به آن ادّعا کنیم و خلافت در جای خود قرار گیرد [و از آنها گرفته شود] و دوم این که آنها از طریق روایات متواتر (3) آگاهی داشتند به این که نابودی سلطنت جبّاران

1- عَن مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِیمَ الْکُوفِیُّ: «أَنَّ أَبَا مُحَمَّدٍ علیه السلام بَعَثَ إِلَی بَعْضِ مَنْ سَمَّاهُ لِی بِشَاهٍ مَذْبُوحَهٍ وَ قَالَ هَذِهِ مِنْ عَقِیقَهِ ابْنِی مُحَمَّدٍ». (معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج 6، ص51، ح1286، به نقل از معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج 6، ص432، ب 42، ح 10)
2- عَنْ أَبِی هَاشِمٍ الْجَعْفَرِیِّ قَالَ: «قُلْتُ لِأَبِی مُحَمَّدٍ علیه السلام جَلَالَتُکَ تَمْنَعُنِی مِنْ مَسْأَلَتِکَ فَتَأْذَنُ لِی أَنْ أَسْأَلَکَ فَقَالَ سَلْ قُلْتُ یَا سَیِّدِی هَلْ لَکَ وَلَدٌ فَقَالَ نَعَمْ فَقُلْتُ فَإِنْ حَدَثَ بِکَ حَدَثٌ فَأَیْنَ أَسْأَلُ عَنْهُ قَالَ بِالْمَدِینَه». (معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج 6، ص38 به نقل از الکافی، ج 1، ص328، ج 2)
3- خبر متواتر، روایتی است که نه تنها صحیح است بلکه راویان فراوانی آن را نقل کرده اند و به گونه ای که اطمینان به درستی آن پیدا می شود و تردیدی در آن باقی نمی ماند.

و ظالمان به دست قائم از ما خاندان است و نیز تردیدی نداشتند که خودشان از جمله جباران و ظالمانند بنابر این در کشتن اهل بیت رسول الله و نابودی نسل آن حضرت کوشیدند به این امید و آرزو که از به دنیا آمدن قائم جلوگیری کنند یا [به او دست یافته] بکشند! ولی خداوند نخواست که امر قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف [و ولادت او] برای احدی از آنها آشکار شود مگر آن که نور الهی تمام شده [و فراگیر شود] و اگرچه کافران کراهت داشته باشند. (1)

16. امام صادق علیه السلام فرمود:

در قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف سنّتی از موسی بن عمران است... [و آن] مخفی بودن ولادت اوست. (2)

نکته هایی از روایات

ادّله ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رویدادی است که بیش از دوازده قرن از آن می گذرد و بدیهی است که برای اثبات آن باید به آثار و اخباری که

1- عن الامام العسکری علیه السلام قد وضع بنوامیّه و بنوالعباس سیوفهم علینا لعلّتین احدهما انهم کانوا یعلمون انه لیس لهم فی الخلافه حق فیخافون من ادّعائنا ایّاها و تستقرّ فی مرکزها و ثانیهما انهم قد وقفوا من الاخبار المتواتره علی انّ زوال ملک الجبابره و الظّلمه علی ید القائم منّا و کانوا لایشکّون انّهم من الجبابره و الظّلمه فسعوا فی قتل اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و اِباده نسله طمعاً منهم فی الوصول الی منع تولّد القائم او قتله فابی الله ان یکشف اَمره لواحد منهم الا اَن یتمّ نوره ولو کره الکافرون. (اثبات الهداه، ج 3، ص570، ب 32، ف 44، ح 685)

2- عن الصادق علیه السلام : «فِی الْقَائِمِ سُنَّهٌ مِنْ مُوسَی بْنِ عِمْرَان علیه السلام ... خَفَاءُ مَوْلِدِه». (کمال الدین، ج 2، ص340، ج 18)

دراین زمینه موجود است مراجعه کنیم:

1. روایات فراوان از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام در دست است

که ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را اثبات می کند (1) و می توان آنها را این گونه

تقسیم کرد:

الف) روایاتی که با صراحت از ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خبر داده است مانند روایاتی که از امام عسکری علیه السلام پدر بزرگوار آن حضرت نقل شده است (روایات 7 تا 15) مطابق این روایات، امام عسکری علیه السلام به عنوان پدر به ولادت مهدی علیه السلام گواهی داده اند و برای اطلاع شیعیان خود نیز اقداماتی کرده اند مانند نشان دادن مهدی علیه السلام به عده ای از خواصّ شیعه و عقیقه کردن برای مهدی علیه السلام و فرستادن گوشت عقیقه برای شیعیان و نامه نگاری به شهرهای دور و خبردادن از ولادت مهدی علیه السلام .

ب) روایات بسیاری که جایگاه نسبی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و مقطع زمانی ولادت او را بیان کرده است (2) مانند این که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده مهدی علیه السلام ،

1- ناگفته نماند که اهل سنت گرچه امامان معصوم علیهم السلام را به عنوان جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نپذیرفته اند امّا به بلندی مقام و عظمت شخصیت آن ها اعتراف دارند و بنابراین به سخنان آنها نیز به عنوان یک شاهد امین و صادق می نگرند و آنها را قابل استناد می دانند بلکه امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین علیهما السلام را از برترین اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می شمرند و نسبت به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ابراز محبت و ارادت هم می کنند، بسیاری از بزرگان اهل سنت از فرقه های مختلف بی واسطه و یا باواسطه از علوم اهل بیت علیهم السلام استفاده کرده اند و آنها را عالم

ترین مردم نسبت به قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می شناختند.

2- ر.ک: به «منتخب الاثر» فصل های 11 و13 و15 و17 و18 و19 و20 و21 که حدود 950 روایت را آورده است که بیش از حدّ تواتر است و جای کم ترین تردید باقی نمی گذارد.

نهمین نفر از نسل امام حسین علیه السلام است و ائمه دیگر هم فرموده اند که مهدی چندمین از نسل آن هاست (روایات 1 تا 6). با توجه به این که از زمان شهادت آن امامان و نیز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، قرن ها می گذرد آیا معقول است که نسل نهم و ششم و... از آنها متولّد نشده باشد؟!

ج) گواهی افراد بسیاری از اصحاب امام حسن عسکری و امام هادی علیهما السلام به ولادت آن حضرت و مشاهدهٔ او، مانند گواهی جناب حکیمه خاتون عمّه امام عسکری علیه السلام (روایت 11) و ابی غانم خادم امام عسکری علیه السلام (روایت 12) و نسیم و ماریه از کنیزان امام و دیگران که مرحوم صدوق رحمه الله در کتاب خود کمال الدین و تمام النّعمه بعضی از آنها را نام برده و داستان تشرّف آنها را بیان کرده است. (1)

د) تشرّف بسیاری از یاران امام عسکری علیه السلام و یا خواصّ شیعه به خدمت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در حیات امام حسن عسکری علیه السلام و در طول غیبت صغری، اینان افرادی موثّق و مورد اعتماد همه شیعیان بوده اند مانند عثمان به سعید عمروی و محمد بن عثمان عمروی که نائب اول و دوم امام در غیبت صغری بوده اند و نیز احمد بن اسحاق که وکیل امام عسکری علیه السلام در قم بوده است. (2)

1- ر.ک: به کمال الدین، ج 2، باب 42، ص143 _ 161؛ نیز ر.ک: به منتخب الاثر، باب 4، فصل های 1 _ 4، احادیث 786 _ 820.

2- و نیز بزرگانی مانند حسین بن روح نوبختی و علی بن محمد سمری نائب سوم و چهارم امام در غیبت صغری و سعد بن عبدالله قمی اشعری و علی بن بابویه قمی پدر صدوق و بزرگانی دیگر که نام آنها در کتاب های معتبر شیعه مانند کافی و کمال الدین و الغیبه (شیخ طوسی) آمده و جریان ملاقات آنها با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بیان گردیده است. آیه الله صافی گلپایگانی اسامی 67 نفر از ملاقات کنندگان حضرت را از کتاب کمال الدین صدوق نقل کرده است. (ر.ک: به منتخب الاثر، ج 2، ص477 _ 483)

2. نقل پیوسته و پی در پی از علمای شیعه:

در طول مدت طولانی دوازده قرن که از ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می گذرد صدها فقیه و متکلم و محدّث و فیلسوف در عالم تشیع ظهور کرده و صدها کتاب از خود به جای گذاشته اند و همگی به اتفاق بر ولادت آن حضرت با ذکر زمان و مکان ولادت تصریح کرده اند. آیا با وجود چنین اتفاق نظری در ولادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هیچ تردیدی باقی می ماند؟!

3. اعتراف بسیاری از علمای اهل سنت:

بسیاری از علمای اهل سنت و از جمله مورّخان و نسب شناسان آنها به ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اعتراف کرده اند و حتی بعضی از آنها تاریخ و محل ولادت آن حضرت را مطابق نقل شیعه بیان کرده اند. (1)

1- در کتاب منتخب الاثر نام 68 نفر از ایشان به همراه نام کتاب آنها و بعضی از عبارات آنها ذکر شده است. برخی از آنها عبارتند از: ابن حجر هیثمی (م 974)، ابن صبّاغ مالکی (م 855)، عبدالرحمن جامی، محمد بن یوسف گنجی (م 658)، فضل بن روزبهان، محیی الدین ابن العربی (م 638)، سعدالدین الحموی، عبدالوهاب الشعرانی (م 973)، جلال الدین محمد الرومی المعروف بالمولوی (م 672)، المحدث الکبیر ابراهیم الجوینی (م 730)، ابن خلّکان در وفیات الدعیان، السید مؤمن الشبلنجی در نورالابصار. به سه نمونه از عبارات آنها توجه کنید: ابن حجر هیثمی در «الصواعق المحرقه» در باب بیان حالات امام عسکری علیه السلام آورده: او غیر از پسرش ابوالقاسم محمّد الحجّه فرزند دیگری به جا نگذاشت و این پسر در هنگام وفات پدرش پنج ساله بود ولی خداوند در همان کودکی به او حکمت عطا فرمود. و حافظ محمد بن یوسف گنجی (م 658) در کتابش «کفایه الطالب فی مناقب امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب» پس از بیان ائمه معصومین علیه السلام گفته: ابامحمد الحسن فرزند امام هادی علیه السلام روز جمعه هشتم ربیع الاول سال 260 هجری وفات کرد در حالی که 28 سال داشت و در خانه اش و در همان اتاقی که پدرش [امام هادی علیه السلام] دفن شده بود به خاک سپرده شد و پس از خود

پسرش را گذاشت که همان امام منتظر صلوات الله علیه است و ما کتاب خود را به بیان حال او پایان خواهیم داد. و نیز درباب 25 کتاب «البیان فی اخبار صاحب الزمان» آورده: در این که مهدی از زمان غیبتش تا الان باقی باشد هیچ منعی نیست به دلیل این که عیسی علیه السلام و الیاس علیه السلام و خضر علیه السلام که از اولیاء الهی اند تاکنون باقی هستند. و شیخ محی الدین معروف به ابن عربی اندلسی (م 638) در کتاب فتوحات آورده: و بدانید که خروج مهدی علیه السلام حتماً رخ خواهد داد... و اگر از عمر دنیا نمانده باشد جز یک روز، خداوند آن را طولانی خواهد ساخت تا آن خلیفه به حکومت رسد و او از عترت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و از فرزندان فاطمه علیها السلام است. جدش حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام و پدرش حسن عسکری علیه السلام فرزند امام علی النقی علیه السلام فرزند محمدتقی فرزند امام علی الرّضا علیه السلام فرزند امام موسی الکاظم علیه السلام فرزند امام جعفرصادق علیه السلام فرزند امام محمدباقر علیه السلام فرزند امام زین العابدین علیه السلام فرزند امام حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام است. برای ملاحظه بقیّه اسامی و عبارات به منتخب الاثر، ج 2، ص369 _ 393 باب 4، فصل اوّل، مراجعه کنید.

راز پنهانی ولادت مهدی

گاهی گفته می شود که پنهانی بودن ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف امری خلاف عرف و عادت است و چگونه ممکن است ولادت چنین شخصیتی بر مردم مخفی بماند؟! در پاسخ می گوییم:

اولاً «ولادت» امری است که به طور طبیعی، مخفیانه و پنهانی رخ

می دهد و این گونه نیست که افراد به صورت آشکار و علنی، از مادران خود متولد شوند! به ویژه در جوامع اسلامی که حیا و عفت و پرده پوشی بانوان، بسیار مهم است؛ بنابر این امر ولادت تنها برای یک یا چند بانویی که عهده دار امر ولادت هستند قابل مشاهده است، و بقیه مردم تنها از راه اعتراف پدر و یا گواهی قابله و مانند آن از نسبت فرزندی افراد با والدینشان مطلع می شوند. (روایت 7_ 15)

ثانیاً شرایط بد سیاسی حاکم بر زمان ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سبب

شد که ولادت آن حضرت، پنهانی رخ دهد وگرنه آن بزرگوار کشته می شد چون خلفای بنی عباس تصمیم به قتل فرزند امام عسکری علیه السلام داشتند تا مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به وجود نیاید و کاخ ظلم آنها را ویران

نکند. (روایت 15)

ثالثاً آنها که از ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آگاه شده اند از دو دسته بیرون نیستند: یا از خواص شیعه و پیروان امام بوده اند که به دلیل ترس بر جان امام، ولادت آن حضرت را نقل نمی کردند و یا از غالب مردم بوده اند که هماهنگ با خلفای بنی عباس بوده اند و نه تنها انگیزه ای برای نقل ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نداشتند بلکه تمایل به پنهان کردن و نقل نکردن این جریان مهم و سرنوشت ساز داشتند. آیا در چنین محیطی می توان انتظار داشت که خبر ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به یک امر علنی و آشکار و مشهور و معروف، تبدیل گردد؟!

رابعاً مسئله پنهانی ولادت آن حضرت امری به تدبیر الهی بوده است

و مطابق روایات در ادامه سنّتی است که در برخی از انبیاء پیشین مانند موسی علیه السلام و ابراهیم علیه السلام رخ داده است. (روایت 16) و فراتر از آن چه گفتیم حکمت هایی در آن نهفته است.

همان گونه که امر غیبت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز در ادامه سنتی است که در بسیاری از پیامبران الهی جریان داشته است. توجه به این نکته لازم است که بر اساس روایات شیعه و سنّی، سنت هایی که پیش از اسلام بوده است در امت اسلامی نیز مشاهده خواهد شد. در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است که خطاب به مسلمین فرمودند:

... به یقین شما از سنت های امت های گذشته در جهات مختلف پیروی خواهید کرد. (1)

و نیز صدوق روایت کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود، هر آن چه در امت ها

1- این روایت را حاکم در المستدرک علی الصحیحین، ج 1، ص37 آورده و با اندکی تفاوت در صحیح بخاری، ج 4، ص144 و نیز شرح ابن ابی الحدید بر نهج البلاغه، ج 9، ص286 آمده است. نیز در روایتی طولانی، ابن عباس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده که مردی یهودی به نام «نعثل» سؤالات متعددی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم کرد و سپس از وصّی ایشان پرسید و گفت: پیامبر ما موسی علیه السلام ، یوشع بن نون را وصّی خود قرار داد. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: وصّی من علی بن ابی طالب علیه السلام است. سپس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از او پرسید، آیا اسباط (اوصیای موسی علیه السلام) را می شناسی؟ گفت: آری، آنان 12 نفرند که اولین آنها «لاوی بن برخیا» بود و مدتی طولانی از بنی اسرائیل غایب بود و سپس ظاهر شد و خدا توسط او شریعت موسی را پس از کهنه شدن، تجدید حیات نمود... آن گاه حضرت فرمود: آن چه در بنی اسرائیل اتفاق افتاده در امت من نیز اتفاق خواهد افتاد... دوازدهمین فرزند من غایب می شود و دیده نخواهد شد... (فرائد المسطین، ج 2، ص133، ح431؛ ینابیع الموده، ج 3، ص283)

گذشته بوده است در این امت نیز همانند آنها خواهد بود... . (1)

بنابر این پنهان بودن ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نه تنها امری بی سابقه و برخلاف عرف و عادت نیست بلکه در میان عموم مردم با انگیزه های مختلف رخ داده و می دهد مثلاً گاهی انسان از کنیز خود یا همسر دوم خود صاحب فرزند می شود و او را از همسر اول خود پنهان می کند و بلکه این امر را از هر کسی که بیم فاش کردن آن خبر را از او دارد پنهان نگه می دارد تا زندگی اش تباه نگردد و این فرزند هم چنان رشد می کند و حال آن که هیچ یک از خانواده شخص و عموزادگان و برادران و دوستانش او را نمی شناسند و این پنهان کاری تا زمانی که ترس پدر از خبردار شدن دیگران از بین برود، ادامه می یابد و گاهی این امر را تا زمان مرگش پنهان می کند و موقع مرگ او را به دیگران می شناساند تا نسب فرزندش مجهول نماند و حقوقش به او برسد. و گاهی پادشاهی دارای فرزندی می شود و تا آن هنگام که رشد کرده و به صورت نوجوانی درآید آن را پنهان می کند و این امر را درباره گروهی از پادشاهان روم و هند و ایران نقل کرده اند از جمله مورخان نوشته اند که «وسفا فرید» دختر افراسیاب پادشاه ترک برای همسرش سیاوش که پسر کیکاووس پادشاه ایران بود، پسری به دنیا آورد به نام کیخسرو ولی این مادر بارداری و ولادت این فرزند را از همگان و به خصوص از کیکاووس _ جدّ او و پادشاه بزرگ _ پنهان نگه داشت و این خبر در میان مورخین، مشهور

1- کمال الدین، ج 2، ص530.

است و علت پنهان نگه داشتن او معروف است و طبری آن را در کتاب تاریخ خود نقل کرده است. (1)

خلاصه، پنهان نگه داشتن ولادت فرزند با انگیزه های گوناگونی رخ داده و می دهد پس چگونه است که مخالفین امامیه، اعتقاد شیعه را به پنهان نگه داشتن ولادت مهدی علیه السلام توسط پدر بزرگوارش، انکار می کنند؟ در حالی که انگیزه های آن بسیار روشن تر و اطمینان به درستی وجود فرزندی برای امام عسکری علیه السلام بسیار بیش تر است زیرا که گروهی از مؤمنان و اهل فضل و دانش و زهد و عبادت از آن حضرت نقل کرده اند که ایشان به وجود فرزندش مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اعتراف کرده و به آنها اطلاع داده و به امامت او تصریح کرده و ایشان او را در کودکی و جوانی مشاهده کرده اند، چنان که روایات آن گذشت.

شبهات بی اساس دربارۀ ولادت و پاسخ آنها

مخالفین امامت برای انکار ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شبهات بی پایه و اساسی را مطرح کرده اند که در برابر آن همه دلیل روشن بر ولادت، هیچ ارزشی ندارد. بعضی از مهم ترین آنها عبارتند از:

1. گفته اند که جعفر برادر امام عسکری علیه السلام و فرزند امام هادی علیه السلام منکر ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بوده و این انکار دلیلی بر ردّ ادّعای شیعیان

1- ترجمه رسالات المسائل العشره فی الغیبه اثر شیخ مفید رحمه الله، ص55 _ 57؛ به نقل از تاریخ الامم و الملوک، ج1، ص504 _ 509.

مبنی بر ولادت فرزندی برای امام عسکری علیه السلام است!

پاسخ این است که او یکی از افراد بشر بوده که به گمراهی افتاده و ادعای باطل کرده است زیرا که هیچ کس درباره او ادّعای عصمت نکرده است. مگر نه این است که به قول قرآن پسر نوح علیه السلام کافر شد و راهش را از نبوت جدا کرد وگرنه این که برادران یوسف که همگی پیامبرزاده بودند درباره برادرشان به خطا رفته او را به چاه انداختند؟

و نیز اگر قرار باشد انکار جعفر، سبب ردّ ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد پس باید انکار ابولهب و سایر خویشان پیامبر هم سبب بطلان ادعای نبوت از سوی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم باشد! و انکار ابوقحافه نسبت به خلافت پسرش ابوبکر، سبب بطلان خلافت او! (1)

و البته مخفی نیست که جعفر، انگیزه های روشنی برای انکار ولادت فرزند برادر داشت از جمله تصاحب میراث ارزش مند برادرش امام عسکری علیه السلام و ادعای جانشینی نسبت به او و حرص جعفر برای دست یابی به اموالی که شیعیان به وکیلان امام عسکری علیه السلام پرداخت می کردند و پس از وفات امام نیز ادامه داشت.

1- در کتاب احتجاج مرحوم طبرسی رحمه الله آمده است که وقتی ابوبکر جریان خلافت خود را به پدرش ابوقحافه خبر داد، ابوقحافه که آن زمان در مدینه نبود با فرستادن نامه ای، ابوبکر را از این امر بر حذر داشت و خواستار کناره گیری او شد و او را لایق چنین مقامی ندانست! (الاحتجاج، ج2، ص87) آیا اهل سنت که به خلافت ابی بکر معتقدند به دلیل انکار ابوقحافه، دست از اعتقاد خود برمی دارند؟

2. گفته اند که امام عسکری علیه السلام در بیماری خود که به وفاتش انجامید به مادرش «ام الحسن حدیث» وصیت کرد و او را سرپرست همه اوقاف و اموال خود قرار داد و نامی از فرزندش نبرد!

پاسخ این است که این کار امام عسکری علیه السلام مؤیّد آنست که هدف آن حضرت پنهان کردن ولادت فرزندش بود از حاکم وقت و از هر کسی که به دنبال کشتن مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بود؛ و اگر نامی از مهدی می برد، برخلاف تدبیر عمل کرده بود هم چنان که امام صادق علیه السلام نیز در هنگام وفات تنها به فرزندش موسی بن جعفر علیه السلام وصیت نکرد بلکه پنج نفر را وصیّ خود قرار داد از جمله منصور که خلیفه وقت بود و ربیع وزیر او و کنیزش حمیده بربریّه را و بدین گونه امامت او را پنهان کرده و جانش را حفظ نمود.

3. گفته اند روزگار پدران امام عسکری علیه السلام بسیار سخت تر بود با این حال فرزندانشان را پنهان نکردند و رفتار امام عسکری علیه السلام متناقض با آنها بوده است!

پاسخ این است که شرایط زمان امام عسکری علیه السلام متفاوت با پدران بزرگوارش بود. خلفای زمان امامان قبل می دانستند که ایشان به تقیّه اعتقاد دارند و براساس آن عمل می کنند و در برابر خلفا قیام نخواهند کرد تا شرایط آن فراهم شود ولی وقتی زمان وجود کسی که انجام قیام علیه ظلم از او انتظار می رفت فرا رسید به جست وجوی او پرداختند تا خونش را بریزند. به علاوه هر یک از پدران او وقتی کشته می شدند،

براساس حکمت الهی امام دیگری به جای او قرار می گرفت ولی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آخرین امام و جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است که اگر کشته شود جانشینی برای او در زمین نخواهد بود.

4. گفته اند عمر طولانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برخلاف طبیعت انسان هاست و این دلیلی است بر بطلان اعتقاد شیعه به وجود مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف !

پاسخ این است که وقتی با ادله روشن و محکم ولادت مهدی علیه السلام

به اثبات رسید با بعید شمردن عمر طولانی او نمی توان به انکار ولادت او پرداخت به ویژه آن که عمر طولانی، در تاریخ بشر سابقه دارد و قرآن

و روایات و تاریخ به آن گواهی داده است. (1) آیا جناب خضر علیه السلام

که به اجماع همه مسلمین زنده است به خاطر عمر طولانیش مورد انکار قرار می گیرد؟

5. گفته اند با وجود جست وجوی فراوان از او به ویژه از سوی دولت عباسی، هیچ اثری از فرزند امام عسکری علیه السلام یافت نشد و این دلیل بر ردّ ادعای شیعه مبنی بر وجود پسری برای امام عسکری علیه السلام است !

پاسخ این است که آری نهایت چیزی که ادعا کرده اند همین است که امام عسکری علیه السلام از دنیا رفت و فرزندی برای او شناخته نشد یا از فرزند او جست وجو کردند ولی نیافتند ! و معلوم است که نیافتن، دلیل بر نبودن نیست (2) به ویژه آن جا که انگیزهٔ روشنی بر پنهان کردن آن امر

1- در بخش طول عمر، به تفضیل این بحث پرداخته ایم به آن جا رجوع شود.

2- به قول مثل معروف که: عدم الوجدان لایدلّ علی عدم الوجود، یعنی نیافتن دلیل بر نبودن نیست و هیچ یک از مخالفین ما نتوانسته اند و نمی توانند دلیلی بر عدم وجود مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ارائه کنند

و تنها مدعی هستند که «نیافتیم و ندیدیم» و این در حالی است که شیعه ادله فراوان و متواتر بر ولادت و وجود آن حضرت ارائه کرده است.

باشد مثل ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که به گواهی تاریخ و نیز روایات، امام عسکری علیه السلام بر مخفی نگه داشتن آن مصمّم بوده است.

6. گفته اند دربارهٔ تاریخ ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و نیز نام مادر آن حضرت، اختلاف است و هر کسی چیزی گفته است و این دلیلی است بر این که چنین مولودی وجود ندارد و ادعای شیعه باطل است!

پاسخ این است که مشهور در ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این است که آن حضرت در نیمه شعبان سال 255 هجری متولد شده اند و بعضی 256 و بعضی 258 گفته اند ولی اکثر شیعه و اهل سنت همان نظر اول را گفته اند و این مقدار اختلاف در امری که انگیزه جدی بر مخفی نگه داشتن آن بوده امری کاملاً طبیعی است و این در حالی است که در موارد بسیار مهمی مثل ولادت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که برای مسلمین اهمیت بسیاری داشته و انگیزه فراوانی برای ثبت و ضبط آن بوده اختلاف رخ داده است! و بلکه در موارد فراوانی از رخ دادهای تاریخ اسلام اختلاف در زمان یا مکان یا شرایط و کیفیت آن رویداد پیش آمده است ولی هیچ کس مدعی نشده است که به سبب این اختلاف ها اصل رویداد مورد تردید و یا انکار قرار می گیرد! ضمناً دلیل نام های متعدد برای مادر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آنست که ایشان، کنیز بوده اند و رسم بر این بوده که کنیزان نام های متعدّد داشته اند.

نتیجه گیری

از مجموع مباحثی که مطرح شد استفاده می شود که ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرزند امام عسکری علیه السلام با توجه به روایات صحیح و متواتر قطعاً و یقیناً رخ داده و آن حضرت هم اکنون زنده بوده و منصب امامت را به عهده دارند و هیچ یک از شبهات، دلیلی حتّی کوچک و ضعیف بر ردّ ادعای ولادت آن حضرت نیست.

فصل دوم: غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

یکی از فرازهای مهم زندگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف غیبت آن حضرت است. غیبت به معنی نهان زیستی است که خداوند متعال براساس حکمت خود آن را اراده کرده است بنابراین امام دوازدهم مدتی طولانی از عمر خود را پنهانی زندگی می کند تا آن گاه که شرائط ظهورش فراهم گردیده، ظاهر گردد. «غیبت» از همان سال های نخستین ولادت امام آغاز گردید و تاکنون ادامه یافته است و تنها خداوند می داند که چه زمانی پایان خواهد یافت. در روایات فراوان مسئله غیبت و چگونگی و علت و فوائد آن بیان گردیده است که چند نمونه آن را می آوریم:

1. امام باقر علیه السلام فرمود:

در قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف شباهتی به یوسف پیامبر علیه السلام هست. [راوی گوید:] گفتم: آن شباهت چیست؟ فرمود: سرگردانی و غیبت. (1)

1- عنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام : «قَالَ فِی الْقَائِمِ شَبَهٌ مِنْ یُوسُفَ قُلْتُ وَ مَا هُوَ قَالَ الْحِیرَهُ وَ الْغَیْبَه. توضیح: شاید مراد از حیرت و سرگردانی حالتی است که در شیعه پیدا می شود و نسبت به امام غائب حیران و سرگردان می شوند.» (الغیبه، الطوسی، ص163، ح125؛ اثبات الهداه، ج3، ص501، ب32، ح284)

2. سید بن محمد حمیری گوید به امام صادق علیه السلام گفتم:

ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از پدران شما که درود خدا بر ایشان باد روایاتی درباره غیبت و درستی و راستی وقوع آن برای ما نقل شده است به من خبر دهید که این غیبت درباره چه کسی خواهد بود؟

فرمود: به راستی که غیبت دربارۀ ششمین نفر از فرزندان من خواهد بود و او دوازدهمین نفر از امامان هدایت پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است. اولین نفر از آن ائمه علیهم السلام ، امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام است و آخرین آنها قائم به حق است، آخرین حجت خدا در زمین و صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به خدا قسم اگر او در غیبت بماند آن قدر که نوح علیه السلام در میان قومش زیست، از دنیا بیرون نخواهد رفت مگر این که ظاهر شود و زمین را از عدالت و قسط پر کند همان گونه که از ظلم و جور پر شده باشد. (1)

3. امام صادق علیه السلام فرمود:

برای قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف دو غیبت خواهد بود. در یکی از آنها در مراسم

1- عَنِ السَّیِّدِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْحِمْیَرِیِّ: فِی حَدِیثٍ طَوِیلٍ یَقُولُ فِیهِ قُلْتُ لِلصَّادِقِ علیه السلام : یَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ رُوِیَ لَنَا أَخْبَارٌ عَنْ آبَائِکَ فِی الْغَیْبَهِ وَ صِحَّهِ کَوْنِهَا فَأَخْبِرْنِی بِمَنْ تَقَعُ فَقَالَ إِنَّ الْغَیْبَهَ سَتَقَعُ بِالسَّادِسِ مِنْ وُلْدِی وَ هُوَ الثَّانِی عَشَرَ مِنَ الْأَئِمَّهِ الْهُدَاهِ بَعْدَ رَسُولِ اللهِ صلی الله علیه و آله أَوَّلُهُمْ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام وَ آخِرُهُمُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ بَقِیَّهُ اللهِ فِی الْأَرْضِ وَ صَاحِبُ الزَّمَانِ وَ لَوْ بَقِیَ فِی غَیْبَتِهِ مَا بَقِیَ نُوحٌ فِی قَوْمِهِ لَمْ یَخْرُجْ مِنَ الدُّنْیَا حَتَّی یَظْهَرَ فَیَخْرُجَ فَیَمْلَأَ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا کَمَا مُلِئَتْ جَوْراً وَ ظُلْما». (کمال الدین، ج2، ص342، ب33، ح23)

حج، حضور می یابد مردم را می بیند ولی مردم او را نمی بینند. (1)

4. امام سجاد علیه السلام دربارهٔ آیه «وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِی عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (2) فرمود:

این آیه دربارهٔ ما نازل شده است و خداوند امامت را در نسل حسین علیه السلام قرار داد تا روز قیامت و برای قیام کننده ما [اهل بیت علیهم السلام] دو غیبت خواهد بود و یکی از آنها بلندتر از دیگری خواهد بود. پس بر امامت او ثابت قدم نخواهد ماند مگر آن کس که یقین او قوی و معرفت و شناخت او درست باشد. (3)

5. امام صادق علیه السلام فرمود:

برای صاحب این امر غیبتی است که در آن غیبت، شخص دیندار مانند کسی است که دست خود را بر شاخه درخت خاردار بکشد _ سپس فرمود این گونه (و با دست خود نشان داد) _ پس کدام یک از شما شاخه درخت خاردار را با دست خود می گیرد؟! سپس اندکی سر به زیر افکند و بعد فرمود: همانا برای صاحب این امر غیبتی خواهد بود پس بنده باید نسبت به خدا

1- عَنْ أَبِی عَبْدِاللهِ علیه السلام قَالَ: لِلْقَائِمِ غَيْبَتَانِ يَشْهَدُ فِی إِحْدَاهُمَا الْمَوَاسِمَ يَرَى النَّاسَ وَ لَا يَرَوْنَه». (کافی، ج1، ص339، ب38، ح12)
2- یعنی خداوند آن کلمه را کلمه پایدار و ماندگار در فرزندان و نسل ابراهیم علیه السلام قرار داد. (سوره زخرف، آیه28)
3- عن علی بن الحسین علیه السلام عن ابیه عن جدّه علی بن ابیطالب علیه السلام فی قوله تعالی: (وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِی عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ((سوره زخرف، آیه28) قال: فینا نزلت هذه الآیه و جعل الله الامامه فی عقب الحسین علیه السلام الی یوم القیامه و ان للقائم منا غیبتین احداهما اطول من الاخری فلا یثبت علی امامته الا من قوی یقینه و صحّت معرفته. (ینابیع الموده، ص427، ب71؛ المحجه فی ما نزل فی القائم الحجه، ص200)

تقوا پیشه کند و دین خود را نگه دارد. (1)

نکته هایی از روایات

سابقهٔ غیبت

1. غیبت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دو جهت دارای سابقه ای طولانی است: یکی این که این مسئله سال ها پیش از تولّد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در کلمات پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام بیان گردیده است و آن بزرگواران علاوه بر پیش گویی نسبت به اصل غیبت، از چگونگی غیبت و وضع مردم و فتنه ها در آن زمان و نیز کوتاهی و بلندی غیبت خبر داده اند. دیگر این که غیبت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جریانی است الهی که در ادامهٔ سنّتی است که در زندگی پیامبران خدا علیهم السلام وجود داشته است و این امر، تحمّل غیبت را بر شیعیان آن حضرت، آسان تر می کند. (حدیث1)

2. این که پیش گویی معصومین علیهم السلام از غیبت امام دوازدهم، به همان گونه که فرموده بودند واقع شده، خود دلیلی بر حقّانیت شیعه و حق بودن امر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و غیبت اوست. به ویژه آن که روایات مربوط به غیبت پیش از تولّد آن حضرت در مجموعه های حدیثی اصحاب ائمه علیهم السلام تدوین شده بوده است. کتاب شریف «کافی» پیش از غیبت کبری نوشته شده امّا روایات مربوط به غیبت صغری و کبری در آن

1- عن ابی عبدالله علیه السلام : «إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَیْبَةً الْمُتَمَسِّکُ فِیهَا بِدِینِهِ کَالْخَارِطِ لِلْقَتَادِ ثُمَّ قَالَ هَکَذَا بِیَدِهِ فَأَیُّکُمْ یُمْسِکُ شَوْکَ الْقَتَادِ بِیَدِهِ ثُمَّ أَطْرَقَ مَلِیّاً ثُمَّ قَالَ إِن لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَیْبَةً فَلْیَتَّقِ اللهَ عَبْدٌ وَ لْیَتَمَسَّکْ بِدِینِه». (کافی، ج1، ص376، ح1)

آمده است !

چگونگی غیبت

3. مطابق روایات، غیبت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به معنی ناپیدایی اوست نه عدم حضور او! بنابراین آن حضرت، با وجود این که غائب است در اجتماعات مسلمین مانند مراسم حج حضور می یابد و مردم را می بیند و از حال آنها آگاه است و این اعتقاد سبب ایجاد دلگرمی در شیعیان و حسّ ارتباط نزدیک و روحانی با آن حضرت گردیده است. (حدیث3)

4. در روایت اوّل، سخن از غیبت یوسف پیامبر علیه السلام مطرح شده است که غیبت آن حضرت، به معنی ناشناس بودن ایشان بوده زیرا که برادران یوسف در سفری که به مصر داشتند با آن حضرت معامله و تجارت کردند ولی او را نشناختند تا آن گاه که خود را معرفی کرد و در برخی از روایات آمده است که غیبت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز همین گونه است که مردم او را می بینند ولی نمی شناسند تا آن گاه که زمان ظهور او فرا رسد و خود را معرفی کند. (1)

5. مطابق روایات و نیز تاریخ، غیبت امام در دو بخش صغری و

1- ر.ک: منتخب الاثر، ج2، فصل28، ح611، ص244. (بنابراین غیبت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در روایات به دو معنی آمده است: ناپیدا بودن و ناشناس بودن؛ و ممکن است در شرایط گوناگون به هر دو شکل واقع شود. این نکته نیز گفتنی است که ناشناخته ماندن حضرت برای بینندگان او امری طبیعی است زیرا تنها افراد معدودی که معاصر امام عسکری علیه السلام بودند و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را مشاهده کرده بودند از شمایل آن بزرگوار خبر داشتند و نسل های بعد چنین نبودند)

کبری واقع شده است. تفاوت این دو آن است که در غیبت کوتاه مدت، چهار نائب از سوی امام وبا تصریح به نام آنها، تعیین شده بودند و واسطه بین امام و امت بودند و این دوره در واقع مقدمه ای برای ورود به غیبت طولانی بود که در این دوره عالمان و فقیهان باتقوا، سمت نیابت را به عهده دارند و اینان با بیان اوصاف_ و بدون ذکر نام _ معرفی شده اند و مردم موظفند به ایشان مراجعه کرده و از آنها پیروی کنند.

وظیفه ما در غیبت

6. امامان معصوم علیهم السلام نسبت به خطر انحراف در زمان غیبت، هشدار داده و خبر داده اند که بعضی از مردم به خاطر طولانی شدن غیبت گمراه خواهند شد (حدیث4) بنابراین از مهم ترین وظائف ما در دورۀ غیبت حفظ دین و مرزهای اعتقادی و عمل براساس تقوا و پرهیزکاری است. (حدیث5)

7. دورۀ غیبت دوره سختی است و دین داری در آن کاری بس مشکل! (حدیث5) ولی امامان ما راه حفظ دین و تقوای عملی را هم بیان کرده اند که همانا معرفت و شناخت نسبت به امام و حجّت خداست (حدیث4) پس وظیفه داریم که معرفت خود را نسبت به امام خویش تقویت کنیم. (حدیث4)

غیبت و ظهور

8. در کلمات معصومین، خبر از غیبت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پیوسته با نوید

ظهور او همراه شده است تا نور امید همیشه در دل های شیعیان روشن باشد. (حدیث2)

9. در میان پیامبران علیهم السلام ، حضرت نوح علیه السلام سمبل عمر طولانی است که به تصریح قرآن 950 سال دورهٔ پیامبری او بوده است. مقایسه غیبت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با عمر نوح علیه السلام در کلام امام صادق علیه السلام حکایت از طولانی شدن غیبت دارد ولی به هرحال، شام غیبت به صبح ظهور خواهد رسید. (حدیث2)

10. همان گونه که روزگار غیبت، روزگار ظلم و ستم و بی عدالتی است که جهان را فرا خواهد گرفت، دوره ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دوران عدالت جهانی و پر شدن زمین از خوبی هاست. این چشم انداز، سبب اشتیاق و آمادگی برای ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. (حدیث2)

فصل سوم: علّت غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

غیبت یکی از پدیده های عالم است که به تدبیر الهی رخ داده است و روشن است که هیچ کار خرد و کلانی نیست مگر این که خداوند آن را براساس حکمت و علّتی انجام می دهد. آدمی پیوسته به دنبال کشف علّت ها و فهمیدن اسرار مخلوقات و احکام الهی است و به همین دلیل از علّت غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز سؤال می کند. این سؤال را هم می توان با تحلیلی عقلی و یا بررسی تاریخی حیات امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و پدران بزرگوارش پاسخ داد و هم از نظر روایی به آن نگاه کرد. در روایات متعدّد از علّت غیبت سؤال شده است که برخی از آنها را می آوریم و به اختصار توضیح می دهیم:

روایات

1. عبدالله بن فضل هاشمی گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که

فرمود:

صاحب این امر را غیبتی است که ناگزیر اتّفاق می افتد، هر اهل باطلی در آن به شک می افتد! گفتم: فدایت شوم! غیبت او برای چیست؟ فرمود: به خاطر امری است که اجازه نداریم آن را برای شما بیان کنیم! گفتم: حکمت غیبت او چیست؟ فرمود: حکمت در غیبت او همان حکمتی است که در غیبت حجّت های پیش از او بوده است. همانا چگونگی حکمت در آن، کشف نخواهد شد مگر پس از ظهور [آن حضرت]، چنان که کارهای خضر علیه السلام که کشتی را سوراخ کرد و غلام را کشت و دیوار شکسته را بپا داشت، حکمتش معلوم نگردید مگر در زمان جدایی موسی و خضر علیه السلام . ای پسر فضل! این امر (غیبت) امری از امور خدا و سرّی از اسرار او و غیبی از غیب های اوست و چون دانستیم که خدای بزرگ، حکیم است تصدیق می کنیم که همه کارهایش براساس حکمت است اگرچه علّت و حکمت آن بر ما آشکار نباشد! (1)

2. امام صادق علیه السلام فرمود:

1- عن عبدالله بن الفضل الهاشمی قال سمعت الصادق جعفر بن محمد علیهم السلام یقول: «إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَیْبَةً لَا بُدَّ مِنْهَا یَرْتَابُ فِیهَا کُلُّ مُبْطِلٍ فَقُلْتُ وَ لِمَ جُعِلْتُ فِدَاکَ قَالَ لِأَمْرٍ لَمْ یُؤْذَنْ لَنَا فِی کَشْفِهِ لَکُمْ قُلْتُ فَمَا وَجْهُ الْحِکْمَهِ فِی غَیْبَتِهِ قَالَ وَجْهُ الْحِکْمَهِ فِی غَیْبَتِهِ وَجْهُ الْحِکْمَهِ فِی غَیْبَاتِ مَنْ تَقَدَّمَهُ مِنْ حُجَجِ اللهِ تَعَالَی ذِکْرُهُ إِنَّ وَجْهَ الْحِکْمَهِ فِی ذَلِکَ لَا یَنْکَشِفُ إِلَّا بَعْدَ ظُهُورِهِ کَمَا لَمْ یَنْکَشِفْ وَجْهُ الْحِکْمَهِ فِیمَا أَتَاهُ الْخَضِرُ علیه السلام مِنْ خَرْقِ السَّفِینَهِ وَ قَتْلِ الْغُلَامِ وَ إِقَامَهِ الْجِدَارِ لِمُوسَی علیه السلام إِلَی وَقْتِ افْتِرَاقِهِمَا یَا ابْنَ الْفَضْلِ إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ أَمْرٌ مِنْ أَمْرِ اللهِ تَعَالَی وَ سِرٌّ مِنْ سِرِّ اللهِ وَ غَیْبٌ مِنْ غَیْبِ اللهِ وَ مَتَی عَلِمْنَا أَنَّهُ عَزَّوَجَلَّ حَکِیمٌ صَدَّقْنَا بِأَنَّ أَفْعَالَهُ کُلَّهَا حِکْمَهٌ وَ إِنْ کَانَ وَجْهُهَا غَیْرَ مُنْکَشِف». (کمال الدین، ج2، ص483؛ الغیبه، ص290)

برای قائم ما غیبتی است که به طول می انجامد. [راوی گوید:] گفتم: ای پسر رسول خدا، غیبت او برای چیست؟ فرمود: خداوند عزّوجل می خواهد دربارهٔ او سنت های پیامبران را در غیبت هایشان جاری سازد. ای سدیر، گریزی نیست جز این که مدّت غیبت های انبیا به سرآید. خداوند عزّوجل فرموده است: «همانا شما از حالی به حال دیگر منتقل می شوید» یعنی سنّت های پیشینیان دربارهٔ شما هم جاری است. (1)

3. امام صادق علیه السلام به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

حتماً آن کودک [= امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف] غیبت خواهد کرد! گفته شد: ای رسول خدا علت غیبت او چیست؟ فرمود: از کشته شدن می ترسد. (2)

4. امام رضا علیه السلام فرمود:

گویا شیعیانم را می بینم که هنگام مرگ سومین فرزندم [= امام عسکری علیه السلام] در جست وجوی امام خود، همه جا را می گردند امّا او را نمی یابند. [راوی گوید:] گفتم: چرا ای پسر رسول خدا؟! فرمود: برای این که امامشان غائب می شود. گفتم: چرا غائب می شود؟ فرمود: برای این که وقتی با شمشیر قیام کرد، بیعت

1- عن حنان بن سدیر عن ابیه عن ابی عبدالله علیه السلام قال: «إِنَّ لِلْقَائِمِ مِنَّا غَیْبَهً یَطُولُ أَمَدُهَا فَقُلْتُ لَهُ وَ لِمَ ذَاکَ یَا ابْنَ رَسُولِ الله صلی الله علیه و آله و سلم ؟ قَالَ إِنَّ اللهَ عَزَّوَجَلَّ أَبَی إِلَّا أَنْ یُجْرِیَ فِیهِ سُنَنَ الْأَنْبِیَاءِ علیهم السلام فِی غَیْبَاتِهِمْ وَ أَنَّهُ لَا بُدَّ لَهُ یَا سَدِیرُ مِنِ اسْتِیفَاءِ مَدَدِ غَیْبَاتِهِمْ قَالَ اللهُ عَزَّوَجَل: (لَتَرْکَبُنَّ طَبَقاً عَن طَبَقٍ((سورهٔ انشقاق، آیهٔ 19) أَیْ سُنَناً عَلَی سُنَنِ مَنْ کَانَ قَبْلَکُم». (علل الشرایع، ج1، ح7، ص245)

2- عن ابی عبدالله علیه السلام قال: «قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: لَا بُدَّ لِلْغُلَامِ مِنْ غَیْبَهٍ فَقِیلَ لَهُ وَ لِمَ یَا رَسُولَ اللهِ قَالَ یَخَافُ الْقَتْل». (میزان الحکمه، ج1، باب امامت، ص182)

هیچ کس بر گردنش نباشد ! (1)

نکته هایی از روایات

سرّی از اسرار الهی

1. با این که سؤال کردن از علّت پدیده های عالم یا اسرار احکام، امری مشروع و گاهی پسندیده است ولی باید دانست که بعضی از امور جزء اسرار الهی است و مصلحت نیست که راز آن فاش شود مگر پس از گذشت زمان و طبیعی است که در چنین مواردی اصرار ورزیدن بر یافتن آن سرّ، بی فایده است. (روایت 1)

2. در بعضی از روایات جریان غیبت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به کارهای خضر علیه السلام تشبیه شده است آن گاه که موسی علیه السلام با او همراه شد و از علّت کارهای او سؤال می کرد ولی خضر علیه السلام از بیان علّت کارها امتناع می کرد تا آن گاه که زمان جدایی آنها رسید و در آن هنگام پرده از اسرار اعمالش برداشت. (2) امام صادق علیه السلام فرمود: راز غیبت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز پس از ظهور آن حضرت آشکار خواهد شد. (روایت 1)

3. گرچه علّت غیبت را ندانیم ولی چون خداوند را حکیم می دانیم، یقین داریم که برای غیبت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف علّت و حکمتی بزرگ است

1- عن علی بن الحسین بن علی بن فضّال عن ابیه عن ابی الحسن الرّضا علیه السلام قال: «کَأَنِّی بِالشِّیعَهِ عِنْدَ فَقْدِهِمُ الثَّالِثَ مِنْ وُلْدِی کَالنَّعَمِ یَطْلُبُونَ الْمَرْعَی فَلَا یَجِدُونَهُ قُلْتُ لَهُ وَ لِمَ ذَاکَ یَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ قَالَ لِأَنَّ إِمَامَهُمْ یَغِیبُ عَنْهُمْ فَقُلْتُ وَ لِمَ قَالَ لِئَلَّا یَکُونَ لِأَحَدٍ فِی عُنُقِهِ بَیْعَهٌ إِذَا قَامَ بِالسَّیْفِ». (کمال الدین، ج2، ب44، ح4، ص232)

2- جریان موسی و خضر علیهما السلام در آیات 65 _ 82 سورهٔ کهف آمده است.

همان گونه که هیچ پدیده ای در عالم بی علّت و حکمت نیست و همه چیز تحت تدبیر و ربوبیّت الهی است. (روایت 1)

4. ایمان به حکمت پروردگار عالم سبب تسلیم در برابر خواست و اراده او می گردد و اگر چنین ایمانی نباشد هر کجا آدمی به راز و رمز پدیده ها و یا احکام دست نیابد به لغزش های اعتقادی و یا رفتاری می افتد. (روایت 1)

5. در بعضی از روایات، علّت هایی برای غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بیان گردیده است و ممکن است اینها علّت اصلی غیبت نباشد و علّت اصلی پس از ظهور آن حضرت، آشکار شود. (روایت 1)

غیبت، سنّت الهی

6. غیبت ولیّ خدا یک سنّت و برنامه الهی است که سابقه طولانی دارد. مطابق روایات، بسیاری از پیامبران خدا مدّتی از عمر خود را در غیبت به سر برده اند و در برخی از «روایاتِ علّت غیبت» آمده است که جریان غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف براساس همان سنّت الهی است که در گذشته دربارهٔ حجّت های الهی جاری بوده است. (روایت 2)

7. براساس روایات اسلامی، سنّت هایی که پیش از اسلام بوده است در امّت اسلامی نیز رخ خواهد داد و به ویژه در روایات بر سنّت های قوم بنی اسرائیل تکیه شده است که آن سنّت ها در امّت اسلامی پدید خواهد آمد و یکی از سنّت های مهم در بنی اسرائیل، جریان غیبت حضرت موسی علیه السلام در دو نوبت کوتاه و بلند بوده و نیز

غیبت وصّی موسی علیه السلام جناب «لاوی بن برخیا» که مدّتی طولانی از بنی اسرائیل غائب بود و پس از ظهورش، شریعت موسی علیه السلام را حیاتی دوباره بخشید. (1)

8. در روایات ما از پیامبرانی مانند ادریس، صالح، شعیب، الیاس، دانیال، ابراهیم، موسی و عیسی علیهم السلام نام برده شده که مدّتی از قوم خود غائب شده اند و پس از آن به سوی آنها بازگشته اند. (2)

9. گرچه علّت نهایی غیبت پیامبران معلوم نیست ولی بدون

شک یکی از اسرار آن امتحان و آزمایش مردم آن زمان بوده است

زیرا که به تصریح قرآن، امتحان از سنّت های الهی است که در

همهٔ زمان ها و برای همهٔ ملل جاری بوده است و اسلام کامل ترین ادیان است و باید آن چه در ادیان دیگر بوده است در این دین هم اجرا شود

و غیبت مهدی در ادامه همان جریان است تا مؤمن از منافق

شناخته شود.

غیبت، سپر جان امام

10. طبق بعضی از روایات، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای حفظ جان خود، غائب شده اند، زیرا شواهد تاریخی به خوبی گواه است که حاکمان ظالم در پی کشتن فرزند امام عسکری علیه السلام بودند چون براساس پیش گویی های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می دانستند که جانشین دوازدهم او، دنیا را

1- ر.ک: به فرائد السمطین، ج2، ص133. (متن روایت در بخش «ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف » در پاورقی ص96 آمده است)
2- ر.ک: به کمال الدین، ج1، ب1_7، ص254 _ 315.

از لوث ظالمین پاک خواهد کرد.

11. با توجّه به این که طبق روایات اسلامی زمین هیچ گاه نباید بدون حجّت بماند، (1) مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باید متولّد می شد تا پس از شهادت حجّت پیشین یعنی امام عسکری علیه السلام ، حجّت خدا بر زمین باشد و چون پس از او حجّت دیگری نخواهد بود باید تا زمان انجام رسالت بزرگ خود زنده بماند به همین دلیل غائب شد تا جان شریفش حفظ شود.

12. ترس بر جان، آن گاه که در راستای مسئولیت الهی و تحقق اهداف و رسالت های خدا باشد امری مطلوب و پسندیده است و بارها در قرآن از زبان انبیا الهی مطرح شده است:

خداوند از زبان حضرت موسی علیه السلام فرموده:

«فَفَرَرْتُ مِنکُمْ لَمَّا خِفْتُکُمْ»؛ (2)

پس آن گاه که از شما ترسیدم از شما فرار کردم.

و نیز در جای دیگر از توطئه فرعونیان برای قتل موسی علیه السلام پرده برداشته و سفارش مؤمن آل فرعون را مطرح کرده که از موسی خواست تا برای حفظ جانش از مصر خارج شود و سپس فرموده:

«فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفاً یَتَرَقَّبُ»؛ (3)

پس موسی از شهر خارج شد در حالی که ترسان بود و هر لحظه در انتظار حادثه ای.

1- این روایات در اصول کافی، ج1 کتاب الحجه آمده است.
2- سورۀ شعراء، آیۀ 21.
3- سورۀ قصص، آیۀ 21.

13. خداوند قدرت بی نهایت دارد و می تواند حتّی در صورت ظهور امام، او را از هر خطر جانی حفظ کند ولی در این صورت باید نظام طبیعی عالم بر هم خورد و امور براساس معجزه و خرق عادت ها پیش رود و چون خداوند اراده کرده است که جریان امور به شکل طبیعی باشد، مسیر غیبت و نهان زیستی را برای حجّت خود قرار داده است.

آزادی از بیعت طاغوت ها

14. اگر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پیش از فرارسیدن زمان قیام، ظاهر باشد لازم است با طاغوت ها عهد و پیمانی ببندد و تا فراهم شدن شرایط قیام با آنها بیعت کند و تعهّد کند که برعلیه آنها تعرّضی نداشته باشد؛ چنان که امامان پیشین مجبور به چنین بیعتی گردیدند، ولی خداوند خواسته است که بیعت هیچ طاغوتی برعهده مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نباشد تا در زمان مناسب بدون هیچ تعهّدی نسبت به ستم کاران، قیام کند. این حقیقت نیز به عنوان یکی از علل غیبت در روایات متعدّد مطرح شده است. (روایت 4)

15. رهایی از بیعت طاغوت ها، همان علّتی است که در بیان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز آمده است و ایشان تصریح فرموده که:

وقتی من قیام می کنم بیعت هیچ طاغوتی برگردن من

نخواهد بود. (1)

16. آن چه ذکر شد بخشی از اموری بود که در روایات به عنوان علّت

1- کمال الدین، ج2، ب45، ح3، ص239.

غیبت بیان شده است و البتّه سرّ اصلی آن پیش خداست، ولی از مجموعه این عوامل می توان به دست آورد که علت غیبت امام، عدم آمادگی جهان و انسان ها برای ظهور و دولت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است و هرگاه زمینه های لازم برای ظهور فراهم گردد، حجاب غیبت کنار رفته و خورشید وجود او ظاهر خواهد گشت.

فصل چهارم: آثار و برکات امام غائب

اشاره

گرچه ضرورت امام و لزوم وجود او در میان امت روشن است ولی وقتی سخن از غیبت امام مطرح می شود این سؤال پیش می آید که وجود امام غائب چه لزومی دارد و آیا امامی که غائب است فائده ای بر وجود او مترتّب است؟ در پاسخ باید گفت: معمولاً کسانی این سؤال را طرح می کنند که وظیفه امام را تنها رهبری اجتماعی و دینی مردم می دانند و حال آن که این امر یکی از کارهای امام است و جایگاه امام و حجت الهی به منزله قلب در کالبد انسان است و او محور عالم ممکنات است که بدون او عالم و آدمی نمی ماند. (1)

آری، جای این سؤال هست که چگونه انسان ها می توانند از امام غائب از نظر استفاده کنند و از هدایت و دست گیری او بهره ببرند؟ این مطلب در روایات متعدد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام او توضیح داده

1- در بخش ضرورت وجود امام به تفصیل درباره این مطلب توضیح داده شد.

شده است که برخی از آن ها را می آوریم و به اختصار به آن می پردازیم.

روایات

1. امام صادق علیه السلام فرمود:

ما امامان مسلمین هستیم و حجت های خدا بر جهانیان و سروران مؤمنین و رهبران و پیشوایان آن ها و ما [سبب] امنیت ساکنان زمین هستیم همان گونه که ستارگان [سبب] امنیت اهل آسمان هستند و ما آنانیم که خدا به سبب ما آسمان را نگه داشته تا بر زمین فرود نیاید مگر به اذن و ارادهٔ او و به وسیلهٔ ما زمین را نگه داشته تا مبادا اهل خود را فرو برد و به سبب ما باران می فرستد و رحمت می پراکند و برکت های زمین را بیرون می آورد و اگر کسی از ما [حجت های الهی] بر زمین نباشد، هر آینه زمین، اهل خود را فرو می برد [و طومار هستی در هم پیچیده می گردد] سپس فرمود، و از زمانی که خداوند آدم علیه السلام را آفریده است [هیچ گاه] زمین، خالی از حجت خدا نبوده است حال یا آن حجت، آشکار و شناخته شده بوده است و یا پنهان و پوشیده! و تا قیامت همین گونه خواهد بود و اگر چنین نباشد خداوند پرستش نخواهد شد. راوی گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: مردم چگونه از حجت غائب و پوشیده بهره می برند؟ فرمود: همان گونه که از خورشید پشت ابر، استفاده می کنند. (1)

1- عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ مِهْرَانَ الْأَعْمَشِ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام : « نَحْنُ أَئِمَّةُ الْمُسْلِمِينَ وَ حُجَجُ اللهِ عَلَى الْعَالَمِينَ وَ سَادَةُ الْمُؤْمِنِينَ وَ قَادَةُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَ مَوَالِی الْمُؤْمِنِينَ وَ نَحْنُ أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ وَ نَحْنُ الَّذِينَ بِنَا يُمْسِكُ اللهُ السَّماءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ بِنَا يُمْسِكُ الْأَرْضَ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا وَ بِنَا يُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَ تُنْشَرُ الرَّحْمَةُ وَ تَخْرُجُ بَرَكَاتُ الْأَرْضِ وَ لَوْ لَا مَا فِی الْأَرْضِ مِنَّا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا ثُمَّ قَالَ وَ لَمْ تَخْلُ الْأَرْضُ مُنْذُ خَلَقَ اللهُ آدَمَ مِنْ حُجَّةٍ لِلهِ فِيهَا ظَاهِرٍ مَشْهُورٍ أَوْ غَائِبٍ مَسْتُورٍ وَ لَا تَخْلُو إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ مِنْ حُجَّةٍ لِلهِ فِيهَا وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَمْ يُعْبَدِ اللهُ قَالَ سُلَيْمَانُ فَقُلْتُ لِلصَّادِقِ عليه السلام فَكَيْفَ يَنْتَفِعُ النَّاسُ بِالْحُجَّةِ الْغَائِبِ الْمَسْتُورِ قَالَ كَمَا يَنْتَفِعُونَ بِالشَّمْسِ إِذَا سَتَرَهَا السَّحَاب ». (فرائد السمطين، ج 1، باب 2، ح 11، ص45-46؛ ينابيع المودّه، ص447)

2. امام علی علیه السلام فرمود:

خدایا، جز این نیست که قطعاً باید حجتی از ناحیه تو بر مردم، روی زمین وجود داشته باشد که آنان را به دین تو هدایت کند و تعالیم تو [و وحی را] به آن ها بیاموزد تا حجت های تو از بین نرود و اولیاء تو پس از آن که به وسیله آن حجت ها [و برهان های محکم الهی] هدایت شدند، گرفتار گمراهی نگردند. [پس وجود حجت الهی در هر زمان ضروری است حال] یا آن حجت الهی آشکار است ولی از او اطاعت نمی شود و یا پنهان است و در انتظار [ظهور] به سر می برد ولی اگرچه شخص [= جسم] او از مردم پنهان است اما در آن حال که هدایت شده هستند علم و آداب امام غائب در دل هایشان ثابت و استوار است و [گرچه در غیبت به سر می برند ولی] به تعالیم و تادیب حجت غائب عمل می کنند. (1)

1- عَنْ عَلِیٍّ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ فِی خُطْبَهٍ لَهُ عَلَی مِنْبَرِ الْکُوفَهِ: «اللهُمَّ إِنَّهُ لَا بُدَّ لِأَرْضِکَ مِنْ حُجَّهٍ لَکَ عَلَی خَلْقِکَ یَهْدِیهِمْ إِلَی دِینِکَ وَ یُعَلِّمُهُمْ عِلْمَکَ لِئَلَّا تَبْطُلَ حُجَّتُکَ وَ لَا یَضِلَّ أَتْبَاعُ أَوْلِیَائِکَ بَعْدَ إِذْ هَدَیْتَهُمْ بِهِ إِمَّا ظَاهِرٍ لَیْسَ بِالْمُطَاعِ أَوْ مُکْتَتِمٍ مُتَرَقِّبٍ إِنْ غَابَ عَنِ النَّاسِ شَخْصُهُ فِی حَالِ هِدَایَتِهِمْ فَإِنَّ عِلْمَهُ وَ آدَابَهُ فِی قُلُوبِ الْمُؤْمِنِینَ مُثْبَتَهٌ فَهُمْ بِهَا عَامِلُون». (کمال الدین، ج1، ب26، ح11، ص562؛ اثبات الهداه، ج6، ح112، ب32، ف2، ص363)

3. امام علی علیه السلام (در مورد آینده جهان و حکومت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود:

... کسی از ما [یعنی امام مهدی علیه السلام] که آن فتنه ها را دریابد با چراغی روشنگر در آن حرکت می کند و بر همان سیره و روش نیکان [یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام] رفتار می کند تا گره ها را باز کند و بردگان و اسیران را آزاد سازد. جمعیت ها [یِ گمراه و ستمگر] را پراکنده و [حق جویانِ] پراکنده را جمع کرده و سامان دهد [و این تلاش امام علیه السلام] در پنهانی او از مردم است [به گونه ای که] جستجوگران با تمام سعی و کوشش خود نمی توانند اثری از او بیابند. (1)

4. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود:

به راستی که ما مراقبت و نظارت بر حال شما [شیعیان] را رها نکرده ایم و هرگز شما را از یاد نبرده ایم و اگر چنین نبود هر آینه بلاهای سخت بر شما فرود می آمد و دشمنان شما را نابود می کردند. (2)

5. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود:

1- عن علی علیه السلام : «... وَ إِنَّ مَنْ أَدْرَکَهَا مِنَّا یَسْرِی فِیهَا بِسِرَاجٍ مُنِیرٍ وَ یَحْذُو فِیهَا عَلَی مِثَالِ الصَّالِحِینَ لِیَحُلَّ فِیهَا رِبْقاً وَ تعتق [یُعْتِقَ رِقّاً وَ یَصْدَعَ شَعْباً وَ یَشْعَبَ صَدْعاً فِی سُتْرَهٍ عَنِ النَّاسِ لَا یُبْصِرُ الْقَائِفُ أَثَرَهُ وَ لَوْ تَابَعَ نَظَرَه». (ینابیع المؤده، ص437، نهج البلاغه، صبحی صالح، خ150، ص208)
2- فی توقیع للامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف: «إِنَّا غَیْرُ مُهْمَلِینَ لِمُرَاعَاتِکُمْ وَ لَا نَاسِینَ لِذِکْرِکُمْ وَ لَوْ لَا ذَلِکَ لَنَزَلَ بِکُمُ اللَّأْوَاءُ وَ اصْطَلَمَکُمُ الْأَعْدَاء». (احتجاج طبرسی، ج2، ص373؛ بحارالانوار، ج53، ص174، ح7)

و اما چگونگی بهره مندی از من در دوران غیبتم بسان بهره گیری از خورشید است آن گاه که ابرها آن را از چشمان پوشانده باشد و همانا من موجب امنیت برای اهل زمینم همان طور که ستارگان سبب امنیت اهل آسمانند. (1)

نکته هایی از روایات

ضرورت حجّت، ظاهر یا غائب

1. از روایات استفاده می شود که وجود حجّت الهی بر زمین ضرورت دارد (2) ولی لازم نیست حتماً ظاهر و آشکار باشد بلکه ممکن است به دلائلی غائب و پنهان باشد؛ معلوم می شود که صرف وجود او آثار فراوانی دارد و غیبت او سبب از بین رفتن همه آثار او نیست. (حدیث 1 و 2)

2. از مهم ترین آثار وجود حجّت الهی بر زمین آن است که واسطهٔ فیض خداست یعنی خداوند اراده کرده است که نظام عالم را به سبب وجود حجّت هایش، حفظ کرده و تداوم بخشد؛ بنابراین اگر زمانی، حجّت الهی بر زمین وجود نداشته باشد، هستی فرو می ریزد! (حدیث 1)

3. این که همه خیرات و برکات و بقاء آسمان و زمین و اهل آنها به

1- فی توقیع للامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف: «أَمَّا وَجْهُ الِانْتِفَاعِ بِی فِی غَیْبَتِی فَکَالانْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَیَّبَهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ وَ إِنِّی لَأَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ کَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاء». (کمال الدین، ج2، ب45، ح4، ص239)

2- در بخش «ضرورت وجود امام» روایات آن بیان گردید و توضیح داده شد.

واسطه حجّت های الهی است با توحید هیچ منافاتی ندارد. در نظام فکری شیعه همه امور عالم به ارادهٔ مطلق پروردگار عالم است ولی او خود اراده کرده است که در ایجاد و حفظ هستی، واسطه هایی قرار دهد همان گونه که به تصریح قرآن، فرشتگان الهی در تدبیر عالم نقش دارند و هرکدام وسیله انجام امری از اوامر خداوند هستند. (1)

4. برترین مصداق حجّت های الهی، امامان معصومند که مطابق روایات فراوان وجود هریک از آنها در هر زمان مایهٔ ثبات زمین و زمان است و امروز وجود و تداوم هستی به وجود پربرکت آخرین ایشان یعنی بقیّهالله الاعظم امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف وابسته است، چنان که در دعای عدیله آمده است: و بیمُنهِ رُزِقَ الوَری و بُوجودِه ثبَتَت الارضُ و السِّماء. (2)

خورشید پشت ابر

5. خورشید فوائد و آثار فراوان دارد که بعضی از آنها وابسته به تابش مستقیم آن است و برخی از آنها حتّی در صورت پوشیده شدن در پشت ابرهاست و امام غائب به خورشید پشت ابر تشبیه شده یعنی برکات امام نیز دو دسته است برخی مربوط به زمان ظهور و آشکاری اوست و برخی دیگر حتّی در زمان غیبت او وجود دارد.

6. خورشید مرکز منظومه شمسی است و جاذبه آن نگه دارنده زمین و سایر کرات منظومه از سقوط است و حرارت و نور آن سبب حیات

1- ر.ک: به تفسیر نمونه، ج26، ص73 _ 79، تفسیر سورهٔ نازعات، آیات 1 تا 5.

2- یعنی به برکت او خلق روزی داده می شوند و به واسطه وجودش زمین و آسمان برپاست. (مفاتیح الجنان، باب اول، فصل ششم)

انسان و حیوان و گیاه است زیرا رشد و نمو موجودات زنده و تولید و تغذیه و حرکت آنها و نیز غرّش امواج دریا و خروش بادها و ریزش باران ها و سیرابی زمین های مرده و هزاران فعل و انفعالات در جهان طبیعت وابسته به خورشید و شعاع آن است، خواه ظاهر باشد و یا در پشت ابرها پنهان و پوشیده باشد. امام نیز وجودش _ حتّی در پس پرده غیبت _ ضامن بقا عالم است و نور هدایتش به اهل عالم می رسد.

امام غائب و هدایت باطنی

7. همان گونه که خورشید علاوه بر یک سلسله اشعه مرئی که

از ترکیب آنها با هم، هفت رنگ معروف پیدا می شود، یک سلسله

اشعه نامرئی به نام اشعه فوق بنفش و اشعه مادون قرمز دارد، حجّت الهی نیز علاوه بر رهبری و هدایت ظاهری یک سلسله تربیت روحانی و معنوی نیز دارد که از راه نفوذ معنوی در دل ها و افکار انجام می دهد؛ بنابراین حتّی در غیبت او می توان از جذبه های معنوی او بهره گرفت. (حدیث 2)

8. مطابق سخن امام علی علیه السلام ، وجود حجّت الهی گنجینه علم و هدایت الهی است و اگر نباشد آن علم و هدایت نابود می گردد. حال اگر به دلیلی در غیبت بسر برد ولی غیبت او مانع از تابش انوار هدایت او بر دل های مؤمنان نخواهد بود. بلکه مؤمنان پیوسته براساس هدایت های حجّت الهی عمل می کنند به همین دلیل وجود حجّت الهی سبب مصونیّت اولیا خدا از گم راهی است. (حدیث 2)

امام غائب و لطف و هدایت آشکار

9. آن چه به عنوان هدایت باطنی مطرح شد بنابر اعتقاد ما شیعیان است امّا نکته مهم دیگری باقی مانده است و آن این که غیبت امام به معنی نهان زیستی او از نظر شخصیّت و منصب امامت اوست یعنی مردم او را به عنوان امام و حجّت خدا نمی شناسند (1) ولی او در جامعه بشری و در میان مردم حضوری پیوسته و مداوم دارد بنابراین غیبت او منافاتی با ارتباط افرادی از مردم با او ندارد و چه بسیار اتفاق افتاده که انسان هایی با او ملاقات کرده و از او راهنمایی گرفته اند و چه بسیار نیازمندانی که از ناحیه او مدد شده اند. بنابراین غیبت او حتّی با هدایت آشکار از جانب او سازگار است.

10. مطابق نقل های فراوان از علما و بزرگان شیعه، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در طول دورهٔ غیبت به سؤال برخی از عالمان پاسخ گفته اند (2) و افراد زیادی را در امور زندگیشان راهنمایی کرده اند و حتّی در سیاست های کلان جامعه اسلامی دخالت کرده اند و البته در بسیاری از موارد ناشناخته بوده است. قرآن کریم در سورهٔ کهف جریانِ همراهی موسی علیه السلام با خضر علیه السلام را بیان کرده که خضر علیه السلام به عنوان ولیّ غائب، کارهایی را به مصلحت افرادی از جامعه انجام می دهد و در جریان این

1- در بحث غیبت گذشت که یک مفهوم غیبت، ناشناخته بودن امام است و این نظر در میان عالمان طرف دارانی دارد مانند مرحوم سیدصدرالدین صدر، در کتاب المهدی، ص184.

2- مانند جریان تشرّف مقدس اردبیلی رحمه الله _ از علمای بزرگ شیعه _ به محضر امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف (ر.ک: امام مهدی از ولادت تا ظهور، ص419)

کارها، هم خودِ خضر علیه السلام از دیدگان مردم _ غیر از موسی علیه السلام _ پنهان است و هم کارهای او. بنابراین غیبت حجّت الهی با فعالیّت او در جامعه هیچ منافاتی ندارد!

11. عنایت و لطف مداوم امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در طول دورهٔ غیبت از کلمات و سخنان خود آن حضرت نیز آشکار است که دلیل بر نظارت و مراقبت دایمی آن حضرت نسبت به شیعیان است و معلوم است که بهره گیری از آن حضرت وابسته به علم و آگاهی ما نیست و چه بسیار حقایقی است که ما از آن بی خبریم! (حدیث 4)

امام غائب و هدایت با واسطه

12. این را هم اضافه کنیم که لازم نیست در هر هدایتی، امام علیه السلام ، مستقیم و بی واسطه عمل کند بلکه ممکن است فرد یا افرادی را بین خود و امّت قرار دهد مانند نایبان خاص آن حضرت در دورهٔ غیبت صغری و نائبان عام او که علما و مراجع تقلید هستند در غیبت کبری. بنابراین، اینها نیز شعاع هایی از توجّهات و عنایات امام غائب است که امّت اسلامی در دوره غیبت از آن بهره می برند.

فصل پنجم: طول عمر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

یکی از ویژگی های زندگی امام دوازدهم، طول عمر آن حضرت است. ایشان در سال 255 هجری قمری متولد شده است و تا الآن

که در سال 1435 هستیم، 1180 سال از حیات پربرکتش می گذرد.

این عمر طولانی برای بعضی ایجاد شبهه کرده است در حالی که

عمر طولانی نه از نظر عقل امر محالی است و نه علوم تجربی و پزشکی آن را انکار می کند و در تاریخ بشریت نیز دارای سابقه ای روشن

است. نهایت این که چنین عمری، امری خارق العاده است

امّا از قدرت الهی بیرون نیست و خداوند در قرآن کریم به اموری

چون «تولّد عیسی علیه السلام بدون داشتن پدر» و «سرد شدن آتش بر ابراهیم علیه السلام » و «نگه داشتن یونس علیه السلام در شکم ماهی دریا» و «بیرون آوردن ناقه صالح از کوه» تصریح فرموده است که اینها همه از مظاهر قدرت بی انتهای خداوند است آیا پس از این آیات بیّنات، عمر طولانی

برای امام زمان که آخرین ذخیرهٔ حجت های الهی است امری غیرقابل باور خواهد بود؟ !

انصاف این است که اگر کسی با دلیل قطعی به وجود امام زمان معتقد باشد و حضور او را در عالم ضروری بداند به واسطه این گونه امور به تردید نمی افتد به ویژه این که امامان معصوم علیهم السلام نیز از غیبت طولانی و نیز عمر طولانی آن حضرت، خبر داده اند و پیشاپیش به این سؤال، پاسخ فرموده اند:

1. امام حسن عسکری علیه السلام فرمود:

به راستی که پسرم همان قائم پس از من است و او همان کسی است که سنت های پیامبران علیهم السلام در او جاری خواهد شد به عمر طولانی و غیبت؛ تا آن گاه که به خاطر درازی مدّت [غیبت] دل ها سخت گردد ! پس بر اعتقاد به او ثابت نمی ماند مگر آن کس که خداوند در دل او ایمان را نوشته باشد و با رحمتی از سوی خود تأییدش کرده باشد. (1)

2. امام سجّاد علیه السلام فرمود:

در قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف سنت هایی از سنن پیامبران وجود دارد: سنتی از

پدر ما آدم علیه السلام و سنّتی از نوح علیه السلام و سنّتی از ابراهیم علیه السلام و سنّتی

از موسی علیه السلام و سنّتی از عیسی علیه السلام و سنّتی از ایوب علیه السلام و سنّتی

از محمّد صلی الله علیه و آله و سلم . امّا سنّتی که از آدم و نوح علیهما السلام دارد عبارتست از

1- عَنِ الْحَسَنَ بْنَ عَلِیٍّ الْعَسْکَرِیَّ علیه السلام قال: «إِنَّ ابْنِی هُوَ الْقَائِمُ مِنْ بَعْدِی وَ هُوَ الَّذِی یَجْرِی فِیهِ سُنَنُ الْأَنْبِیَاءِ علیهم السلام بِالتَّعْمِیرِ وَ الْغَیْبَهِ حَتَّی

تَقْسُوَ قُلَوبٌ لِطَولِ الْأمَدِ وَ لَا يَثْبُتَ عَلَى الْقَوْلِ بِهِ إِلّا مَنْ كَتَبَ اللهُ عَزَّوَجَلّ فِى قَلْبِهِ الْإِيمَانَ وَ أَيَّدَهُ بِرُوحٍ مِنْه». (بحارالانوار: ج1، ص224)

طول عمر... (1)

3. امام صادق علیه السلام _ در ضمن حدیثی که شباهت های امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با پیامبران را بیان می کردند _ فرمود:

و اما بنده صالح، خضر علیه السلام پس خداوند تبارک و تعالی عمر او را طولانی نکرد به جهت پیامبری که برای او در نظر گرفته باشد و نه برای این که کتابی بر او نازل کند... و نه برای این که او را امام قرار دهد تا بندگانش به او اقتداء کنند... آری چون در علم الهی مقرر شده بود که عمر قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف را در زمان غیبتش به آن مقدار [طولانی] قرار دهد و می دانست بندگانش نسبت به آن مقدار طول عمر راه انکار خواهند پیمود، عمر بندهٔ صالح، خضر علیه السلام را فقط به همین دلیل طولانی کرد تا آن که شاهدی بر عمر طولانی قائم علیه السلام باشد و از این رهگذر بهانهٔ دشمنان را خنثی و حجّت ایشان را قطع کند. (2)

1- عَن عَلِیَّ بْنَ الْحُسَیْنِ علیه السلام قال: «فِی الْقَائِمِ مِنَّا سُنَنٌ مِنْ سُنَنِ الْأَنْبِیَاءِ علیهم السلام سُنَّهٌ مِنْ آدَمَ وَ سُنَّهٌ مِنْ نُوحٍ وَ سُنَّهٌ مِنْ إِبْرَاهِیمَ وَ سُنَّهٌ مِنْ مُوسَی وَ سُنَّهٌ مِنْ عِیسَی وَ سُنَّهٌ مِنْ أَیُّوبَ وَ سُنَّهٌ مِنْ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله و سلم فَأَمَّا مِنْ آدَمَ وَ مِنْ نُوحٍ فَطُولُ الْعُمُرِ و...». (بحارالانوار، ج51، ص224، ب13، ح11) «تمام روایت همراه با شرح آن در بخش خصائص حضرت آمده است».

2- عن الامام جعفر بن محمد الصادق علیه السلام : «... وَ أَمَّا الْعَبْدُ الصَّالِحُ الْخَضِرُ علیه السلام فَإِنَّ اللهَ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی مَا طَوَّلَ عُمُرَهُ لِنُبُوَّهٍ قَدَّرَهَا لَهُ وَ لَا لِکِتَابٍ یُنْزِلُهُ عَلَیْهِ وَ لَا لِشَرِیعَهٍ یَنْسَخُ بِهَا شَرِیعَهَ مَنْ کَانَ قَبْلَهَا مِنَ الْأَنْبِیَاءِ وَ لَا لِإِمَامَهٍ یُلْزِمُ عِبَادَهُ الِاقْتِدَاءَ بِهَا وَ لَا لِطَاعَهٍ یَفْرِضُهَا لَهُ بَلَی إِنَّ اللهَ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی لَمَّا کَانَ فِی سَابِقِ عِلْمِهِ أَنْ یُقَدِّرَ مِنْ عُمُرِ الْقَائِمِ علیه السلام فِی أَیَّامِ غَیْبَتِهِ مَا یُقَدِّرُ وَ عَلِمَ مَا یَکُونُ مِنْ إِنْکَارِ عِبَادِهِ بِمِقْدَارِ ذَلِکَ الْعُمُرِ فِی الطُّولِ طَوَّلَ عُمُرَ الْعَبْدِ الصَّالِحِ مِنْ غَیْرِ سَبَبٍ أَوْجَبَ ذَلِکَ إِلَّا لِعِلَّهِ الِاسْتِدْلَالِ بِهِ عَلَی عُمُرِ الْقَائِمِ علیه السلام وَ لِیَقْطَعَ بِذَلِک حُجَّهَ الْمُعَانِدِینَ لِئَلَّا یَکُونَ لِلنَّاسِ عَلَی اللهِ حُجَّه». (بحارالانوار، ج51، ص222 به نقل از کمال الدّین)

نکته هایی از روایات

طول عمر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سنتّی الهی

1. خداوند اراده کرده است که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که آخرین حجت اوست؛ نشانه هایی از پیامبران بزرگ داشته باشد و یکی از آن نشانه ها و سنّت ها، طول عمر است که به ویژه در حضرت آدم علیه السلام و حضرت نوح علیه السلام رخ داده است. مطابق روایات، حضرت آدم علیه السلام 930 سال و حضرت نوح علیه السلام 2500 سال عمر کردند. (1) (حدیث1 و 2)

طول عمردر امّت های پیشین

2. مسئله طول عمر، امر تازه ای نیست بلکه در پیامبران و امت های گذشته فراوان رخ داده است و حتّی بعضی از افراد با عمر طولانی در زمان ما زندگی می کنند که گواهی محکم بر عمر طولانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛ مانند جناب خضر علیه السلام که در پیامبر بودنش اختلاف است ولی در این که زنده است بحثی نیست و به اعتقاد مسلمین او زنده است و طبق برخی از روایات، رفیق و یار دورۀ غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. (حدیث3)

پیش بینی طول عمر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

3. امامان معصوم علیهم السلام سال ها بیش از تولّد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ویژگی های آن حضرت یاد کرده اند و از جمله ویژگی های او، طول عمر

1- ر.ک: بخش «خصائص امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف » از همین کتاب.

آن حضرت را بیان کرده اند. (همه احادیث)

4. به جز روایات طول عمر، روایاتی که از غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و طولانی شدن آن خبر داده نیز دلیل بر عمر طولانی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. (1) (حدیث1)

5. در روایات فراوان آمده است که امامان شیعه، دوازده نفرند؛ با توجه به این که، مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرزند امام عسکری علیه السلام است و آن حضرت در سال 260هجری به شهادت رسیده است پس این دسته روایات نیز دلیل بر عمر طولانی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است. (2) (حدیث1)

6. در برخی از روایات، ضمن پیش بینی طول عمر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پیامدهای آن همچون بی اعتقادی گروهی از مردم به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز بیان گردیده است. (حدیث1)

1- ر.ک: بخش «غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف » و بخش «علّت غیبت» و بخش «فوائد امام غایب» در همین کتاب.
2- ر.ک: بخش «روایات اثنی عشر خلیفه» در همین کتاب.

فصل ششم: اهمیّت انتظار فرج و جایگاه منتظران

اشاره

از موضوعات مهم در رابطه با امام غائب علیه السلام ، «مسئله انتظار» است. انتظار ظهور آن حضرت، حقیقتی است که ریشه در اصل دین و عقیده دینی دارد چون منشأ آن، اندیشه و تفکّری است که در همه ادیان الهی وجود داشته و دارد و آن عبارتست از اندیشه پیروزی نهایی نیروی حق و عدالت بر نیروی باطل و ظلم و امید و آرزوی تحقق این اندیشه همان «انتظار فرج» است که نقطه مقابل یأس و ناامیدی است. اینکه در چشم انداز آینده جهان، امید به حاکمیت جهانی دین و ارزش های دینی وجود دارد، سبب استواری و پای بندی هرچه بیشتر مؤمنان می گردد و تحمّل و طاقت آنها را با وجود همه سختی ها افزایش می دهد. هم چنین «انتظار»، مهم ترین حلقهٔ اتصال بین امام غائب و امت منتظر است و به همین دلیل، انتظار در شیعه بسیار عمیق تر و واقعی تر جلوه می کند و فرد فرد منتظران را در خدمت امام و اهداف

امام قرار داده و عالی ترین نمادهای آمادگی روحی و عملی را در آنها ایجاد می کند.

روایات فراوان در فضیلت انتظار و جایگاه رفیع و بلند منتظر و وظائف سنگین او بیان شده است که چند نمونه آن را می آوریم:

1. امام صادق علیه السلام فرمود:

آیا شما را خبر ندهم به اموری که خدای بلندمرتبه، هیچ عملی را جز به سبب آنها نمی پذیرد؟ (ابوبصیر گوید عرض کردم: بفرمایید! فرمود:) گواهی بر این که معبودی جز «الله» نیست و «محمد صلی الله علیه و آله و سلم » بنده و پیامبر اوست و اقرار به آن چه خدا به آن فرمان داده است و دوستی نسبت به ما و بیزاری از دشمنان ما (امامان) و تسلیم بودن در برابر ایشان و پرهیزکاری و تلاش و [حفظ] آرامش و انتظار قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف . سپس فرمود:

همانا برای ما [اهل بیت علیهم السلام] دولتی است که هرگاه خداوند اراده فرماید خواهد آورد. سپس فرمود:

هرکه خشنود می شود به این که از یاران قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد پس منتظر باشد و براساس پرهیزکاری و اخلاق نیکو عمل کند در حالی که اهل انتظار است. پس اگر [در چنین حال] بمیرد و قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از او قیام کند پاداش کسی را دارد که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف را درک کرده باشد! پس تلاش کنید و منتظر باشید! گوارا باد بر شما ای گروه مورد رحمت [الهی]. (1)

1- عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِاللهِ علیه السلام : «أَنَّهُ قَالَ ذَاتَ یَوْمٍ أَ لَا أُخْبِرُکُمْ بِمَا لَا یَقْبَلُ اللهُ عَزَّوَجَلَّ مِنَ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا بِهِ فَقُلْتُ بَلَی فَقَالَ شَهَادَهُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ الْإِقْرَارُ بِمَا أَمَرَ اللهُ وَ الْوَلَایَهُ لَنَا وَ الْبَرَاءَهُ مِنْ أَعْدَائِنَا یَعْنِی الْأَئِمَّهَ خَاصَّهً وَ التَّسْلِیمَ لَهُمْ وَ الْوَرَعُ وَ الِاجْتِهَادُ وَ الطُّمَأْنِینَهُ وَ الِانْتِظَارُ لِلْقَائِمِ علیه السلام ثُمَّ قَالَ إِنَّ لَنَا دَوْلَهً یَجِی ءُ اللهُ بِهَا إِذَا شَاءَ ثُمَّ قَالَ مَنْ سَرَّهُ أَنْ یَکُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْیَنْتَظِرْ وَ لْیَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظِرٌ فَإِنْ مَاتَ وَ قَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ

كَانَ لَهُ مِنَ الْأجْرِ مِثْلُ أجْرِ مَنْ أدْرَكَهُ فَجِدُّو اوَ انْتَظِرُوا هَنِيئاَ لَكُمْ أَيَّتُهَا الْعِصَابَهُ الْمَرْحُومَه». (الغيبه، نعمانى، باب11، ج16، ص207)

2. امام صادق علیه السلام فرمود:

[از پدران گرامیش روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به علی علیه السلام فرمود:] ای علی! بدان، برترین مردم از جهت یقین، گروهی از ایشانند که در آخرالزّمان خواهند بود! آنها به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نرسیدند [و او را ندیدند] و حجت [الهی نیز] از ایشان

غائب خواهد بود [امّا] براساس سیاهی بر سفیدی [= آثار و کتب] ایمان خواهند آورد! (1)

3. امام سجّاد علیه السلام فرمود:

هرکس در دورهٔ غیبت قائم، بر ولایت ما [اهل بیت علیهم السلام] ثابت قدم بماند، خداوند به او پاداش هزار شهید مانند شهدای بدر و احد عطا فرماید. (2)

4. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

برترین کارهای امّت من، انتظار فرج از سوی خدای بلندمرتبه است. (3)

1- عن الصادق علیه السلام عن ابائه علیه السلام قال: قال النبی صلی الله علیه و آله و سلم لعلی علیه السلام : «یَا عَلِیُّ وَ اعْلَمْ أَنَّ أَعْجَبَ النَّاسِ إِیمَاناً وَ أَعْظَمَهُمْ یَقِیناً قَوْمٌ یَکُونُونَ فِی آخِرِ الزَّمَانِ لَمْ یَلْحَقُوا النَّبِیَّ وَ حَجَبَتْهُمُ الْحُجَّهُ فَآمَنُوا بِسَوَادٍ عَلَی بَیَاض.» (کمال الدین و تمام النعمه، صدوق، ج1، ص288، باب26، ح8)

2- قال سیّدالعابدین علیه السلام : «مَنْ ثَبَتَ عَلَی مُوَالاتِنَا فِی غَیْبَهِ قَائِمِنَا أَعْطَاهُ اللهُ عَزَّوَجَلَّ أَجْرَ أَلْفِ شَهِیدٍ مِنْ شُهَدَاءِ بَدْرٍ وَ أُحُد». (کمال الدین و تمام النعمه، صدوق، ج1، ص323، باب 31، ح7)

3- عن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قال: «أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِی انْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنَ اللهِ عَزَّ وَ جَل.» (کمال الدین و تمام النعمه، ج2، ص644، باب55، ح3)

5. امام صادق علیه السلام [از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت] فرمود:

خوشا به حال آن که قیام کننده خاندان مرا درک کند در حالتی که پیش از قیام آن حضرت به او اقتدا کرده باشد؛ دوستان او را دوست داشته و از دشمنانش بیزاری جوید و امامان هدایت گر پیش از قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف را به امامت و ولایت پذیرفته باشد. آنان رفیقان من و صاحبان دوستی و محبت من خواهند بود و نیز گرامی ترین امت در نزد من. (1)

6. امام صادق علیه السلام فرمود:

هرکه بمیرد در حالی که در انتظار این امر [= ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف] به سر برده، مانند کسی است که در خیمه قائم و همراه او بوده است بلکه مانند کسی است که پیشاپیش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با شمشیر جنگیده است. (2)

7. امام باقر علیه السلام فرمود:

هرکس بمیرد در حالی که امام خویش را شناخته است، پیش افتادن یا تاخیر این امر [= ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف] به او ضرری نخواهد رساند و هرکه بمیرد در حالی که امام خود را شناخته است مانند کسی است که در خیمه قائم با او همراه بوده است. (3)

1- عن ابی عبدالله علیه السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: «طُوبَی لِمَنْ أَدْرَکَ قَائِمَ أَهْلِ بَیْتِی وَ هُوَ مُقْتَدٍ بِهِ قَبْلَ قِیَامِهِ یَتَوَلَّی وَلِیَّهُ وَ یَتَبَرَّأُ مِنْ عَدُوِّهِ وَ یَتَوَلَّی الْأَئِمَّهَ الْهَادِیَهَ مِنْ قَبْلِهِ أُولَئِکَ رُفَقَائِی وَ ذُو وُدِّی وَ مَوَدَّتِی وَ أَکْرَمُ أُمَّتِی عَلَی.» (الغیبه، شیخ طوسی، ص456، ح466)
2- عن المفضّل بن عمر عن الصادق علیه السلام : «مَنْ مَاتَ مُنْتَظِراً لِهَذَا الْأَمْرِ کَانَ کَمَنْ کَانَ مَعَ الْقَائِمِ فِی فُسْطَاطِهِ لَا بَلْ کَانَ کَالضَّارِبِ بَیْنَ یَدَیْ رَسُولِ اللهِ صلی الله علیه و آله بِالسَّیْف.» (کمال الدین، ج2، ص338، باب33، ح11)

3- عن أبی جعفر علیه السلام قال: «مَنْ مَاتَ وَ هُوَ عَارِفٌ لِإِمَامِهِ لَمْ یَضُرَّهُ تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرُ أَوْ تَأَخَّرَ وَ مَنْ مَاتَ وَ هُوَ عَارِفٌ لِإِمَامِهِ کَانَ کَمَنْ هُوَ قَائِمٌ مَعَ الْقَائِمِ فِی فُسْطَاطِهِ.» (الغیبه، نعمانی، ص330، باب25، ح5)

8. امام صادق علیه السلام فرمود:

همانا برای صاحب این امر [مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف] غیبتی خواهد بود پس [مؤمن به آن حضرت] باید در غیبت او پروای الهی پیشه کند و بر دین خود چنگ زند [و آن را حفظ کند]. (1)

نکته هایی از روایات

جایگاه انتظار

1. انتظار ظهور قائم آل محمّد صلی الله علیه و آله و سلم چنان اهمیتی دارد که در کنار اصول دین چون توحید و نبوّت و مطالب اساسی مکتب مانند تولّی و تبرّی مطرح گردیده است. (حدیث1)

2. انتظار مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هم برترین اعمال است و هم شرط قبولی سایر اعمال! انتظار مهدی، انتظار حاکمیت اسلام در جهان است و به همین دلیل با اصول دین پیوندی عمیق دارد یعنی از توحید و نبوت و امامت سرچشمه می گیرد و نیز ایمان به این اصول در شکل گیری «انتظار صحیح» مؤثر است یعنی «اصول دین» و «انتظار» تأثیر متقابل دارند. (حدیث1)

3. گرچه انتظار یک حالت روحی و روانی است ولی جریانی است که در تمامی زوایای زندگی فردی و اجتماعی شیعیان، جاری است و

1- قال ابوعبدالله علیه السلام : «إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً فَلْيَتَّقِ اللهَ عَبْدٌ وَ لْيَتَمَسَّکْ بِدِينِه.» (الغیبه، نعمانی، ص169، باب10، ح11)

خط فکری و عملی آنها را ترسیم می کند. این حقیقتی است که از جایگاه مهم انتظار و فضیلت های بلند منتظران دریافت می شود.

جایگاه منتظر

4. ارزش و اعتبار انسان های آخرالزمان و دورهٔ غیبت، به «یقین» و ایمانی است که به غیب و حجّت غائب دارند چنان که قرآن در وصف متقین، ابتدا به همین وصف، آنها را توصیف فرموده است: «الَّذِینَ یُؤْمِنُونَ بِالْغَیْبِ...» (1) (حدیث2)

5. مهم ترین عامل پیوند میان غیبت و ظهور، انتظار پیوسته و عملی است و به همین دلیل، «منتظر» حتی در دورهٔ غیبت امام نیز جزء نیروهای مؤثّر و کارآمد جبههٔ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است و تلاش او در دورهٔ غیبت همانند پیکار مجاهد دورهٔ ظهور است و اگر در مسیر این مجاهدت ها بمیرد مثل مجاهد جبهه ظهور، شهید خواهد بود. (احادیث1، 3، 6 و 7)

3. از این که «منتظر امام» به جهادگر دوران ظهور تشبیه شده،

معلوم می شود که منتظر، فردی فعّال و تلاشگر است و در مسیر فعالیت برای خدا و دین خدا و حمایت از امام خود هر سختی و زحمتی را به جان خریدار است چنان که رزمنده در جبهه نیز بیشترین فعالیت را دارد و زخم ها و دردها او را از تلاش باز نمی دارد. این برداشت از انتظار، تعهد آفرین و نشاط آور است و به شیعه پویائی و

1- سوره بقره، آیه3.

زندگی می بخشد و در مقابل آن، «انتظار منفی» و ویرانگر است که همه کارها را به عهدهٔ امام می گذارد و هرگونه مسئولیتی را از آدمی سلب می کند. (حدیث3 و 6)

7. ارزش انتظارِ هر امری وابسته به آن امر مورد انتظار است؛ بنابراین آنچه از فضائل برای انتظار مهدی و منتظِر امر ظهورش بیان گردیده، نشان دهندهٔ عظمت و بلندی مقام امام منتظَر، (1) مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف است و نیز بیان گر شکوه و بزرگی رویداد ظهور و انقلاب جهانی اوست و نتیجه می دهد که تنها راه سعادت انسان مؤمن آن است که در تمامی حالات و با تمامی امکانات مادّی و معنوی در خدمت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و اهداف او باشد.

وظایف منتظران

بزرگی منزلت و مقام منتظران قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف می تواند نشان دهندهٔ مسئولیت بزرگ آنها، در دورهٔ غیبت و سختی ها و مشکلات این آزمون بزرگ الهی باشد؛ به همین دلیل، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام نسبت به امور زیر به شیعیان دوران غیبت توجه کرده اند:

الف) معرفت عمیق نسبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و ویژگی های او که به دنبال آن دلدادگی و محبّت و سپس اطاعت و تسلیم در برابر خواست امام خواهد بود و انسان را از افتادن به دام رهبران زر و زور نگه خواهد

1- «منتظر»، اسم مفعول است به معنی شخص یا امر مورد انتظار و این یکی از القاب مبارک حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است همان گونه که «منتظِر» اسم فاعل است و به معنی کسی که انتظار کسی یا چیزی را دارد.

داشت. (حدیث7)

هرکه نشناسد امام خویش را

بر که بسپارد زمام خویش را (1)

ب) اقتداء به امام و پیروی عملی از آن حضرت.

انسان به هرحال از دیگران الگو می گیرد و اگر از انسان کامل و امام بر حق، الگو و مدل زندگی را فرا نگیرد به دام الگوهای ناقص افتاده و به انحراف کشیده خواهد شد. در مسیر زندگی، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بهترین الگوئی است که قرآن معرفی کرده است: «لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه...» (2) یعنی حتماً چنین است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای شما مؤمنان الگوی نیکویی است و امام که جانشین رسول خداست نیز همان ویژگی را داراست چنان که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود. (حدیث5)

ج) ثابت قدم ماندن بر امر ولایت اهل بیت علیهم السلام و عدم انحراف از مسیر الهی آنها در همه ابعاد زندگی. (حدیث3)

د) پیوسته روح تولّی و دوستی نسبت به اولیاء الهی و تبرّی و بیزاری نسبت به دشمنان امام را در خود زنده نگه دارد. چنان که در «زیارت عاشورا» از پس قرن ها و اعصار می گوییم: «انّی سلمٌ لمن سالمکم و حربٌ لمن حاربکم الی یوم القیامه؛ یعنی (یا حسین) من تا قیامت با آنها که با شمایند خواهم بود و با آنها که با شما سرجنگ دارند در ستیز بسرخواهم برد.» (حدیث1)

1- مثنوی بلند مرحوم «آغاسی».
2- سوره احزاب، آیه 21.

ه) مراقبت پیوسته نسبت به اصول اعتقادی (دین) و حفظ اصل تقوا و پرهیزکاری در عمل و آراستگی به فضائل اخلاقی در همه حال. (حدیث1)

و) زنده نگه داشتن روح انتظار و بی قراری نسبت به ظهور امام خوبان و دولت خوبی ها! (حدیث1)

بخش چهارم: ظهور

اشاره

ص:181

فصل اوّل: جهان پیش از ظهور

اشاره

در روایات زیادی از شیعه و اهل سنت حوادث آخرالزّمان و پیش از ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بیان گردیده است. و این اخبار حکایت از آن دارد که پیش از ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فتنه های زیادی رخ می دهد و بلاهای گوناگونی جامعه بشری را فرا می گیرد و ظلم و ستم و زشتی به انواع و اقسامش دنیا را پر می کند و پس از آن مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با انقلاب الهی خود بساط هرچه بدی و زشتی و بی دینی است برمی چیند و به جای آن عدالت و زیبایی را در تمام عالم می گستراند. در این بخش چند روایت می آوریم تا سیمایی کلّی از جهان پیش از ظهور را نشان بدهیم:

1. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

در آخرالزّمان بلایی شدید از جانب سلطان بر امّت من فرود خواهد آمد که بلایی از آن شدیدتر شنیده نشده است به گونه ای که زمین با وسعتی که دارد بر آنها تنگ می گردد تا

بدان جا که زمین از جور و ستم پر می گردد و مؤمن برای خود پناه گاهی از ظلم نمی یابد پس خداوند مردی از خاندان من برمی انگیزد، و او زمین را از قسط و عدل پر می کند همان طور که از ظلم و جور پر شده باشد... (1) .

2. امام باقر علیه السلام فرمود:

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظاهر نمی شود مگر در دورانی که ترس شدید

و مصیبت ها و فتنه ها (بر جامعه) حاکم باشد و گرفتاری و

بلا دامن گیر مردم شود و پیش از آن بیماری طاعون شیوع یابد

و در میان عرب درگیری شدید و مُهلکی اتفاق افتد و اختلاف شدید در میان مردم حاکم شود و پراکندگی در دین آنها پدید آید و وضعیت مردم تغییر کند تا جایی که، هر آرزومندی

هر صبح و شام _ از آن چه که از درنده خویی مردم و تجاوز آنان به حقوق یک دیگر می بیند _ آرزوی مرگ می کند. بنابراین قیام آن حضرت در زمانی است که مردم از مشاهده فرج و گشایش ناامید شده باشند. پس خوشاحال آن که او را درک کند

و از یاورانش باشد و بدبخت و بیچاره آن که با او و اوامرش مخالفت کند. (2)

1- عن ابی سعید الخدری قال: «قال نبی الله صلی الله علیه و آله و سلم: ینزل بامّتی فی آخرالزّمان بلاء شدید من سلطانهم لم یسمع بلاء اشدّ منه حتی تضیق عنهم الارض الرُّحبَه و حتی یملأ الارض جوراً و ظلماً لایجد المؤمن ملجأ یلتجئ الیه من الظلم فیبعث الله عزّوجل رجلا من عترتی فیملأ الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً و جوراً...». (المستدرک علی الصحیحین، ج4، ص465؛ عقدالدرر، ب4، ف1، ص43 و ب7، ص141)

2- عن ابی جعفر محمد بن علی علیهم السلام قال: «لَا یَقُومُ الْقَائِمُ علیه السلام إِلَّا عَلَی خَوْفٍ شَدِیدٍ وَ زَلَازِلَ وَ فِتْنَهٍ وَ بَلَاءٍ یُصِیبُ النَّاسَ وَ طَاعُونٍ

قَبْلَ ذَلِکَ وَ سَيْفٍ قَاطِعٍ بَيْنَ الْعَرَبِ وَ اخْتِلَافٍ شَدِيدٍ بَيْنَ النَّاسِ وَ تَشَتُّتٍ فِی دِينِهِمْ وَ تَغَيُّرٍ مِنْ حَالِهِمْ حَتَّى يَتَمَنَّى الْمُتَمَنِّي الْمَوْتَ صَبَاحاً وَ مَسَاءً مِنْ عِظَمِ مَا يَرَى مِنْ كَلَبِ النَّاسِ وَ أَكْلِ بَعْضِهِمْ بَعْضاً وَ خُرُوجُهُ إِذَا خَرَجَ عِنْدَ الْإِيَاسِ وَ الْقُنُوطِ فَيَا طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَهُ وَ كَانَ مِنْ أَنْصَارِهِ وَ الْوَيْلُ كُلُّ الْوَيْلِ لِمَنْ خَالَفَه وَ خَالَفَ أَمْرَه». (عقدالدرر، ب4، ص64؛ بشاره الاسلام، ب6، ص110؛ بحار الانوار، ج52، ب27، ح99، ص348)

ص:183

3. امام باقر علیه السلام فرمود:

قیام کننده از ما [اهل بیت علیهم السلام] به وسیله رعب [و وحشتی که در دل دشمنان می افتد] یاری می شود و با نصرتِ [الهی] تأیید می گردد... راوی گوید: گفتم: ای فرزند رسول خدا چه موقع قائم شما قیام خواهد کرد؟ فرمود: وقتی مردان به زنان و زنان به مردان شباهت پیدا کنند و مردان به مردان و زنان به زنان بسنده کننده و زنان بر زین ها سوار گردند و گواهی ناحق پذیرفته شود و گواهی شاهدان عادل مردود شود و مردم نسبت به مسئله جان دیگران، سبک بگیرند و انجام زنا و رباخواری را آسان شمارند و بدان از ترس [نیش] زبان هایشان مورد احترام باشند... !
§ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ الثَّقَفِی قال: «قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِیٍّ الْبَاقِرِ علیهم السلام یقول: الْقَائِمُ مِنَّا مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ مُؤَیَّدٌ بِالنَّصْرِ تُطْوَی لَهُ الْأَرْضُ وَ تَظْهَرُ لَهُ الْکُنُوزُ یَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ وَ یُظْهِرُ اللهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ دَیْنَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ فَلَا یَبْقَی فِی الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا قَدْ عُمِرَ وَ یَنْزِلُ رُوحُ اللهِ عِیسَی ابْنُ مَرْیَمَ علیه السلام فَیُصَلِّی خَلْفَهُ قَالَ قُلْتُ یَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ مَتَی یَخْرُجُ قَائِمُکُمْ قَالَ إِذَا تَشَبَّهَ الرِّجَالُ بِالنِّسَاءِ وَ النِّسَاءُ بِالرِّجَالِ وَ اکْتَفَی الرِّجَالُ بِالرِّجَالِ وَ النِّسَاءُ بِالنِّسَاءِ وَ رَکِبَ ذَوَاتُ الْفُرُوجِ السُّرُوجَ وَ قُبِلَتْ شَهَادَاتُ الزُّورِ وَ رُدَّتْ شَهَادَاتُ الْعُدُولِ وَ اسْتَخَفَّ النَّاسُ بِالدِّمَاءِ وَ ارْتِکَابِ الزِّنَاءِ وَ أُکِلَ الرِّبَا وَ اتُّقِیَ الْأَشْرَارُ مَخَافَةَ أَلْسِنَتِهِمْ و...». (کمال الدین، ج1، ب32، ح16، ص330_ 331؛ بحار الانوار، ج52، ب25، ح24، ص191_192)

نکته هایی از روایات

اشاره

اوضاع نابسامان جهان پیش از ظهور و فتنه های بزرگ و کوچک

آن زمان ضرورت ها و وظایفی را ایجاب می کند که بجاست آنها را بررسی کنیم.

ضرورت حجت الهی برای ساماندهی امور

1. وضعیت نابسامان عالم در آخرالزّمان و فتنه و فسادی که همه زندگی بشر را در خود فرو برده است و در عمل، بشر و نهادهای تصمیم گیر آن را برای چاره جویی ناتوان و ناکام کرده است، بیش از هرچیز ضرورت ظهور حجت الهی و منجی بشریت را اثبات می کند. در آن زمان، مردم هیچ فریادرسی را جز دست غیبی الهی کارساز نمی دانند!

2. در روزگار فراگیری ظلم و فساد در جهان، آحاد بشر به ضرورت حاکمیّت قوانین الهی و اجرایی شدن آن قوانین به وسیله حجّت آسمانی، بیش از گذشته ایمان و اعتراف خواهند داشت و در این صورت جهان برای استقبال از حکومت صالحان و همراهی و همگانی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آمادگی کامل خواهد داشت.

مؤمنان و اوضاع جهان پیش از ظهور

3. گرچه ظلم و ستم فراگیر خواهد شد و همه مردم از هر ملّت

و آئینی را در برخواهد گرفت ولی مؤمنان در آن زمان در فشار و سختی

و رنج بیشتری خواهند بود به گونه ای که هیچ پناه گاهی برای

خود نمی یابند و زمین با همه وسعتش بر آنها تنگ خواهد

شد. (حدیث1)

4. در جهان ظلم و ستم، مؤمنان با همه امید و آرزو در انتظار ظهور عدالت موعود هستند و به همین جهت به ظلم و فساد آخرالزمان آلوده نگردیده و با تقوا و ایمان، خود را برای جبهۀ امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف آماده می کنند. (حدیث1)

ترسیم روایات از جهان پیش از ظهور

5. در روایات فراوان از شیعه و اهل سنت به صراحت آمده است که جهان پیش از ظهور، جهان ظلم و فساد و ستم گری است و تمام زمین پر از ظلم و ستم خواهد شد و تعبیر «ظلم» هرگونه انحراف اعتقادی و رفتاری را شامل می شود و افزون بر اینها پیامدهای بد اعمال انسان نیز دامن گیر مردم خواهد شد. (حدیث1، 2 و 3)

6. بعضی از روایات انواع فساد و ظلمی که در جهان رخ می دهد را بیان کرده است که فهرستی از آنها بدین شرح است:

الف) وقوع بلاهای طبیعی مثل زلزله و بیماری های سخت و غیرقابل علاج مثل طاعون و اختلاف و درگیری ملّت ها و غلبه نگرانی و پریشانی بر آنها که همه اینها پیامد اعمال انسان هاست.

ب) روابط غلط و نامشروع اخلاقی که چهرۀ زشتی از فساد جنسی و پیامدهای بسیار وخیم آن را به نمایش می گذارد. (1)

1- در جهان امروز شاهدیم که بشر متمدّن و مدّعی! بعضی از انواع فساد جنسی و فحشا را آشکارا تأیید و تصویب کرده و شکل قانونی به آن داده است و متأسفانه پیامدهای فجیع آن دامن گیر انسان ها شده است، هم نظام خانواده را تهدید کرده و هم عامل بروز بیماری های کشنده ای گردیده است.

ج) روابط غلط و نامشروع اقتصادی و شیوع رباخواری و رشوه خواری به گونه ای که درهم و دینار حلال کمتر یافت می شود و این روند پیامد های اخلاقی وحشتناکی داشته و دارد مانند بی اعتمادی افراد به یک دیگر و از بین رفتن حسّ غم خواری و نوع دوستی و سست شدن باورهای دینی و... .

د) روابط غلط و غیرمعقول سیاسی و حاکم شدن افراد نالایق بر سرنوشت انسان ها.

ه) حق و اهل آن مظلوم خواهد بود به گونه ای که آشکارا گواهی باطل پذیرفته می شود و شهادت به حق و عدل ردّ می شود و تجاوز

به حقوق دیگران حتّی در دادگاه ها که محل دادخواهی است

رایج می گردد !

و) مال و حتّی جان انسان ها کمترین قیمتی نداشته و خون های زیادی به ناحق ریخته می شود و اشرار به خاطر ترس مردم از اذیت آنها، مورد احترام قرار می گیرند و در مقابل مؤمن و پرهیزکار مورد بی مهری و بی توجهی واقع می شود !

7. روشن است که این همه ظلم و زشتی و تبهکاری معلول دوری جهان و اهل آن از تعالیم الهی و محروم بودن آنها از رهبری های حیات بخش حجّت الهی است به همین جهت در دوره ظهور که

دوره حکومت ولیّ خدا و بقیّهالله بر زمین است همه گونه ظلم و بدی در همه سطوح برداشته می شود و به جای آن عدالت و حق در

همه بخش ها حاکم می گردد و این چشم انداز روشن برای جهان مایه امید مؤمنان و مستضعفان و حرکت آنها به سوی خیر و صلاح خواهد بود.

فصل دوم: علائم ظهور

اشاره

در مجموعه روایات پیامبر و اهل بیت علیهم السلام نشانه های فراوانی از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بیان شده است که دانستن همه آنها ضرورتی ندارد و فهم معنی و مراد بسیاری از آنها مشکل است ولی دانستن بعضی از آنها خالی از فایده نیست به ویژه که بخشی از علامت ها به عنوان نشانه های حتمی و قطعی ظهور معرفی شده است و روایات فراوانی دربارهٔ آنها موجود است. در این بخش چند روایت را می آوریم و به اختصار دربارهٔ آنها نکاتی را بیان می کنیم:

1. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

چون در معراج مرا به نزد پروردگارم بردند... ناگاه منادی ندا داد که ای محمّد سر بردار و در خواست کن از من تا به تو عطا کنم! گفتم: امّتم را پس از من بر ولایت علی ابن ابیطالب علیه السلام گردآور تا همگی در قیامت بر من وارد شوند. خداوند به من وحی فرمود: من بیش از آن که بندگانم را خلق کنم در میان ایشان حکم

کرده ام و حکم من در آنها قطعی و حتمی است که هرکه را بخواهم به او هلاک کرده و هرکه را بخواهم به او هدایت کنم... (1) و او را وزیر و جانشین پس از تو بر اهل تو و امّتت قرار دادم...

و برای او این فضیلت را قرار دادم و به تو نیز عطا کردم که از

نسل او یازده مهدی بیاورم که همه آنها از ذریّه تو و از فرزندان بکر بتول باشند و آخرین ایشان کسی است که عیسی

بن مریم علیه السلام پشت سر او نماز می خواند، زمین را از عدل

پر می کند همان گونه که از ظلم و جور پر شده باشد...

گفتم: خدای من! آن در چه زمانی خواهد بود؟ خداوند

وحی فرمود: آن گاه که عِلم برداشته شود و جهل و نادانی

آشکار گردد و قاریان [قرآن] فراوان و عمل [به قرآن] کم

شود و کشتار فراوان گردد و فقهای هدایت گر کم و

فقهای گمراهی و خائنان و شعراء زیاد شوند و امّت

تو قبرهایشان را مسجد کنند. قرآن ها و مساجد زیور شود

و جور و فساد فراوان گردد و منکر آشکار شده و امّتت

به آن فرمان دهند و از معروف نهی کنند و مردان به مردان و

زنان به زنان بسنده کنند و امیران کافر شوند و دوستان آنها

فاجر و بدکار و یارانشان ظالم و ستمگر و اندیش مندان

آنها فاسق. در این هنگام سه خسوف واقع شود فرورفتگی

در مشرق و فرورفتگی در مغرب و فرورفتگی در جزیره العرب؛

و بصره به دست یکی از ذریّه تو ویران گردد و زنگیان از او

پیروی کنند و یکی از فرزندان حسین بن علی علیه السلام قیام

1- یعنی امیرالمؤمنین علیه السلام و ولایت او معیار هدایت و ضلالت است و هرکه آن را بپذیرد نجات یافته و هرکه نپذیرد هلاک شده است.

کند و دجّال از مشرق و سیستان خروج کند و سفیانی

ظاهر شود... . (1)

2. امام صادق علیه السلام فرمود:

پنج علامت پیش از قیامت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود: یمانی، و سفیانی و ندادهنده ای که از آسمان ندا می دهد و فرورفتگی در

1- عن رسول الله علیهم السلام قال: «لَمَّا عَرَجَ بِی رَبِّی جَلَّ جَلَالُه... فَإِذَا مُنَادٍ یُنَادِی ارْفَعْ یَا مُحَمَّدُ رَأْسَکَ وَ سَلْنِی أُعْطِکَ فَقُلْتُ یَا إِلَهِی اجْمَعْ أُمَّتِی مِنْ بَعْدِی عَلَی وَلَایَهِ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام لِیَرِدُوا عَلَیَّ جَمِیعاً حَوْضِی یَوْمَ الْقِیَامَهِ فَأَوْحَی اللَهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَیَّ یَا مُحَمَّدُ إِنِّی قَدْ قَضَیْتُ فِی عِبَادِی قَبْلَ أَنْ أَخْلُقَهُمْ وَ قَضَایَ مَاضٍ فِیهِمْ لَأُهْلِکُ بِهِ مَنْ أَشَاءُ وَ أَهْدِی بِهِ مَنْ أَشَاءُ وَ قَدْ آتَیْتُهُ عِلْمَکَ مِنْ بَعْدِکَ وَ جَعَلْتُهُ وَزِیرَکَ وَ خَلِیفَتَکَ مِنْ بَعْدِکَ عَلَی أَهْلِکَ وَ أُمَّتِکَ عَزِیمَهً مِنِّی وَ لَا یَدْخُلُ الْجَنَّهَ مَنْ عَادَاهُ وَ أَبْغَضَهُ وَ أَنْکَرَ وَلَایَتَهُ بَعْدَکَ فَمَنْ أَبْغَضَهُ أَبْغَضَکَ وَ مَنْ أَبْغَضَکَ فَقَدْ أَبْغَضَنِی وَ مَنْ عَادَاهُ فَقَدْ عَادَاکَ وَ مَنْ عَادَاکَ فَقَدْ عَادَانِی وَ مَنْ أَحَبَّهُ فَقَدْ أَحَبَّکَ وَ مَنْ أَحَبَّکَ فَقَدْ أَحَبَّنِی وَ قَدْ جَعَلْتُ لَهُ هَذِهِ الْفَضِیلَهَ وَ أَعْطَیْتُکَ أَنْ أُخْرِجَ مِنْ صُلْبِهِ أَحَدَ عَشَرَ مَهْدِیّاً کُلُّهُمْ مِنْ ذُرِّیَّتِکَ مِنَ الْبِکْرِ الْبَتُولِ وَ آخِرُ رَجُلٍ مِنْهُمْ یُصَلِّی خَلْفَهُ عِیسَی ابْنِ مَرْیَمَ یَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا کَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْراً أُنْجِی بِهِ مِنَ الْهَلَکَهِ وَ أَهْدِی بِهِ مِنَ الضَّلَالَهِ وَ أُبْرِئُ بِهِ الْأَعْمَی وَ أَشْفِی بِهِ الْمَرِیضَ فَقُلْتُ إِلَهِی وَ سَیِّدِی مَتَی یَکُونُ ذَلِکَ فَأَوْحَی اللهُ عَزَّوَجَلَّ یَکُونُ ذَلِکَ إِذَا رُفِعَ الْعِلْمُ وَ ظَهَرَ الْجَهْلُ وَ کَثُرَ الْقُرَّاءُ وَ قَلَّ الْعَمَلُ وَ کَثُرَ الْقَتْلُ وَ قَلَّ الْفُقَهَاءُ الْهَادُونَ وَ کَثُرَ فُقَهَاءُ الضَّلَالَهِ وَ الْخَوَنَهِ وَ کَثُرَ الشُّعَرَاءُ وَ اتَّخَذَ أُمَّتُکَ قُبُورَهُمْ مَسَاجِدَ وَ حُلِّیَتِ الْمَصَاحِفُ وَ زُخْرِفَتِ الْمَسَاجِدُ وَ کَثُرَ الْجَوْرُ وَ الْفَسَادُ وَ ظَهَرَ الْمُنْکَرُ وَ أَمَرَ أُمَّتُکَ بِهِ وَ نَهَی عَنِ الْمَعْرُوفِ وَ اکْتَفَی الرِّجَالُ بِالرِّجَالِ وَ النِّسَاءُ بِالنِّسَاءِ وَ صَارَ الْأُمَرَاءُ کَفَرَهً وَ أَوْلِیَاؤُهُمْ فَجَرَهً وَ أَعْوَانُهُمْ ظَلَمَهً وَ ذَوُو الرَّأْیِ مِنْهُمْ فَسَقَهً وَ عِنْدَ ذَلِکَ ثَلَاثَهُ خُسُوفٍ خَسْفٌ بِالْمَشْرِقِ وَ خَسْفٌ بِالْمَغْرِبِ وَ خَسْفٌ بِجَزِیرَهِ الْعَرَبِ وَ خَرَابُ الْبَصْرَهِ عَلَی یَدِ رَجُلٍ مِنْ ذُرِّیَّتِکَ یَتْبَعُهُ الزُّنُوجُ وَ خُرُوجُ رَجُلٍ مِنْ وُلْدِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ وَ ظُهُورُ الدَّجَّالِ یَخْرُجُ مِنَ الْمَشْرِقِ مِنْ سِجِسْتَانَ وَ ظُهُورُ السُّفْیَانِیِّ...». (کمال الدین، ج1، ب23، ح1، ص469 _ 472)

سرزمین بیدا و کشته شدن انسان بی گناه. (1)

3. امام صادق علیه السلام فرمود:

از امور حتمی که حتماً پیش از قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود اینهاست: خروج سفیانی و فرورفتگی در بیدا و کشته شدن انسان پاک و ندادهنده ای از آسمان. (2)

4. راوی گوید:

نزد امام باقر علیه السلام بودم پس آن حضرت دو نشانه ای را بیان کرد که پیش از قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف رخ می دهد و از زمان نزول آدم به زمین چنین رخ دادی نبوده است و آن عبارتست از خورشیدگرفتگی در نیمه ماه رمضان و ماه گرفتگی در آخر آن. مردی به امام گفت: ای پسر رسول خدا این گونه نیست بلکه [عادت چنین است که] خورشید در آخر ماه و ماه در نیمه آن می گیرد! امام باقر علیه السلام به او فرمود: من به آن چه می گویم داناترم! این دو نشانه ای است که از زمان هبوط آدم علیه السلام نبوده است! (3)

1- عَنْ أَبِی عَبْدِاللهِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: «خَمْسٌ قَبْلَ قِیَامِ الْقَائِمِ ع الْیَمَانِیُّ وَ السُّفْیَانِیُّ وَ الْمُنَادِی یُنَادِی مِنَ السَّمَاءِ وَ خَسْفٌ بِالْبَیْدَاءِ وَ قَتْلُ النَّفْسِ الزَّکِیَّه». (کمال الدین، ج2، ب57، ح1، ص649)
2- عَنْ أَبِی عَبْدِاللهِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: «مِنَ الْمَحْتُومِ الَّذِی لَا بُدَّ أَنْ یَکُونَ مِنْ قَبْلِ قِیَامِ الْقَائِمِ خُرُوجُ السُّفْیَانِیِّ وَ خَسْفٌ بِالْبَیْدَاءِ وَ قَتْلُ النَّفْسِ الزَّکِیَّهِ وَ الْمُنَادِی مِنَ السَّمَاءِ». (الغیبه نعمانی، ب14، ح26، ص372)
3- عَنْ بَدْرِ بْنِ الْخَلِیلِ الْأَسَدِیِّ قَالَک «کُنْتُ عِنْدَ أَبِی جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ الْبَاقِرِ علیه السلام فَذَکَرَ آیَتَیْنِ تَکُونَانِ قَبْلَ قِیَامِ الْقَائِمِ علیه السلام لَمْ تَکُونَا مُنْذُ أَهْبَطَ اللهُ آدَمَ علیه السلام أَبَداً وَ ذَلِکَ أَنَّ الشَّمْسَ تَنْکَسِفُ فِی النِّصْفِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ الْقَمَرَ فِی آخِرِهِ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ یَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلم لَا بَلِ الشَّمْسُ فِی آخِرِ الشَّهْرِ وَ الْقَمَرُ فِی النِّصْفِ فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَر علیه السلام إِنِّی لَأَعْلَمُ بِالَّذِی أَقُولُ إِنَّهُمَا آیَتَانِ لَمْ تَکُونَا مُنْذُ هَبَطَ آدَم». (الغیبه نعمانی، ب14، ح45)

نکته هایی از روایات

مفهوم علامت و علائم ظهور

1. در بیان ائمه معصومین علیهم السلام ، زمان ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مشخص نشده است ولی علائم و نشانه های فراوانی برای آن بیان گردیده است.

2. علامت یا آیه به معنی نشانه ای است که بر مطلبی راهنمایی و دلالت می کند و موجب شناخت آن می شود. نشانه های ظهور، رخ دادهایی است که براساس پیش بینی معصومان علیهم السلام پیش از ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و یا در آستانه آن پدید خواهند آمد و تحقق هریک از این نشانه ها نویدی بر نزدیک شدن ظهور قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

3. مهم ترین منابع روایات علائم، سه کتاب کهن شیعه، الغیبه نعمانی (متوفای 360قمری)، کمال الدین و تمام النعمه اثر شیخ صدوق (متوفای 381قمری) و الغیبه شیخ طوسی (متوفای 460قمری) است. در

آثار اهل سنت هم کتاب های مختلف در این موضوع موجود است

که مهم ترین آن الفتن اثر نعیم بن حمّاد (متوفای 228قمری) است

که بسیاری از روایاتش به معصوم نمی رسد و حتّی نزد اهل سنت هم معتبر نیست.

برداشت نادرست از روایات علائم

4. در دوره های مختلف از روایات علائم ظهور بهره برداری نادرست شده و ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قریب الوقوع دانسته شده است به این شکل که برخی از علائم ظهور را بر حوادث مشابه روز تطبیق می کرده اند ولی

با توجّه به پیچیدگی روایات علائم و مشکل بودن تفسیر و توضیح آنها، تطبیق، کار مشکلی است.

5. توجّه به این نکته نیز لازم است که برخی از مواردی که در روایات به عنوان علائم ظهور بیان شده، پیش گویی های امامان درباره حوادث آینده مسلمین است و نامی از مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و ظهور او در آنها مطرح

نشده است.

دسته بندی علائم ظهور

6. تقسیم بندی های گوناگونی برای علائم ظهور گفته اند مانند علائم عادی و علائم خارق العاده، علائم خاص و علائم عام، علائم دور و نزدیک به ظهور؛ ولی تنها یک تقسیم بندی در روایات بیان شده و آن تقسیم علائم به حتمی و غیرحتمی است.

7. مقصود از علائم حتمی، علامت هایی است که قطعاً واقع خواهد شد و مراد از غیرحتمی مواردی است که ممکن است به خاطر وجود مانعی یا به جهت مصلحتی الهی واقع نشود.

علائم حتمی ظهور

8. از روایات فراوان استفاده می شود که پنج علامت حتمی برای ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وجود دارد: خروج سفیانی، خروج یمانی، خسف بیداء، [(1)] قتل نفس زکیّه و صحیۀ آسمانی، [(2)] این علائم همه در آستانه

1- خسف به معنی فرورفتن و بیداء نام سرزمینی است بین مکّه و مدینه.
2- دربارۀ این علائم توضیح مختصری در ادامه نکات آمده است.

ظهور واقع خواهند شد.

9. «سفیانی» عنصری پلید و فاسد است که طبق روایات فراوان پیش از ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از منطقه شام، قیام می کند و فساد زیادی مرتکب می شود و خون های بسیاری می ریزد. دربارۀ ویژگی های او و خصوصیّات قیام او، مطالب مختلفی در روایات آمده که همه آنها قابل اعتماد نیست.

10. از روایات استفاده می شود که پیش از ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خسف های زمینی متعدد واقع می شود ولی آن چه در این میان مهم تر است، «خسف بیداء» است که برای لشکر سفیانی در میان مکّه و مدینه واقع می شود و همه لشکر او جز یکی دو نفر نابود می شوند.

11. مقصود از «خروج یمانی» قیام سرداری از یمن است که مردم را به حق و عدالت می خواند. این نشانه در کتب شیعه روایات فراوان دارد و از حوادثی است که در نزدیکی ظهور واقع می شود.

12. «نفس زکیّه» یعنی فرد بی گناه و پاک؛ برابر روایات فراوان که تنها در منابع شیعه آمده است او در نزدیکی ظهور و در بین رکن و مقام (کنار خانه خدا) کشته می شود.

13. «صیحۀ آسمانی» در روایات شیعه و سنّی مطرح شده

که محتوای آن دعوت به حق و حمایت و بیعت با مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است

و در بعضی روایات آمده که منادی آسمانی ندا می دهد که: انّ

الحق فی علیّ و شیعته (= به راستی که حق با علی علیه السلام و پیروان اوست) یا انّ الحق فی آل محمّد صلی الله علیه و آله و سلم (= به راستی که حق در خاندان

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است).

14. از ظاهر روایات استفاده می شود که ندای آسمانی، معجزه ای الهی است تا در آستانه ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، همه مردم زمین را از این روی داد عظیم آگاه سازد؛ بنابراین، این نشانه خارج از امور طبیعی عالم خواهد بود.

15. در روایات، گاهی از ندای آسمانی، به «صیحه یا صوت یا فزعه» (به معنی فریاد) یاد شده که به نظر می رسد همه مربوط به یک حادثه است که ممکن است هر واژه به ویژگی خاصی از آن حادثه داشته باشد.

سایر علائم ظهور

16. «دجّال» به معنی دروغ گوی حیله گر است. او در کتب اهل سنت از نشانه های قیامت و در منابع شیعه از علائم ظهور شمرده شده است و البتّه منافاتی ندارد چون وقتی از علائم ظهور باشد می تواند علامت قیامت هم حساب شود. مطابق روایات دجّال پیش از قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می آید و با انجام کارهای شگفت انگیز، بسیاری را می فریبد وبرابربعضی از روایات سرانجام به دست عیسای مسیح علیه السلام در شام به هلاکت می رسد.

17. بعضی از نشانه های ظهور، به نظر معجزه می آید مانند «طلوع خورشید از مغرب» و البتّه ممکن است بعضی از آنها که روایت صحیح و مستند دارد معنایی رمزی و کنایی داشته باشد و در این

صورت به یک امر عادی، تفسیرمی شود.

18. مطابق روایات شیعه و سنّی، کسوف در نیمه ماه رمضان و خسوف در اوّل یا آخر همان ماه از نشانه های ظهور است (البتّه از علائم حتمی شمرده نشده است) و این امر بر خلاف عادت است و جریان عادی آن است که کسوف در روزهای نخست یا آخر ماه و خسوف در روزهای میانی واقع شود. ممکن است وقوع این امر، معجزه ای الهی برای اقامه حجّت بر مردم و مطمئن ساختن یاران حضرت به ظهور امام باشد.

فصل سوم: وقت ظهور

اشاره

یکی از نکات مهم دربارهٔ ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مسئله وقت ظهور است. بعضی برای ظهور، زمانی را تعیین می کنند و برای این کار به برخی از علائم ظهور، استناد می کنند و حال آن که به تصریح روایات، زمان ظهور معلوم نیست و علائم ظهور اگر علامت بودن آنها قطعی باشد دربیشتر موارد تنها از وقوع ظهور در آینده خبر می دهد نه این که زمان ظهور را معین کند.

روایات

1. از امام باقر علیه السلام سؤال شد:

آیا برای این امر [فرج مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف] وقتی [معیّن] هست؟ فرمود: آنها که وقت تعیین می کنند دروغ می گویند (و این جمله را دوبار تکرار فرمود). (1)

1- عَنِ الْفُضَیْلِ قال: سألت اباجعفر علیه السلام : «هل لِهَذَا الْأَمْرِ وَقْتٌ فَقَالَ کَذَبَ الْوَقَّاتُونَ کَذَبَ الْوَقَّاتُون کَذِبَ الْوَقَّاتُونَ». (الغیبه، شیخ طوسی، ح411، ص426)

2. امام صادق علیه السلام فرمود:

وقت تعیین کنندگان، دروغ می گویند. ما [اهل بیت علیهم السلام] نه در گذشته وقتی را تعیین کرده ایم و نه در آینده وقتی را مشخص خواهیم کرد. (1)

3. راوی گوید از امام باقر علیه السلام پرسیدم:

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چه وقت ظهور می کند؟ فرمود: همین سؤال از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پرسیده شد و آن حضرت فرمود: مَثَل وقت ظهور او مَثَل قیامت است که جز ناگهانی نخواهد بود. (2)

4. راوی می گوید:

نزد امام صادق علیه السلام بودم که «مهزم الاسدی» بر حضرت داخل شد و گفت: فدای شما شوم به من خبر دهید که این امر (فرج) که منتظر آن هستید چه وقت خواهد بود؟ زمان انتظار طولانی شده است! حضرت فرمود: ای مهزم! وقت گزاران دروغ می گویند و آنها که [نسبت به این امر] عجله می کنند هلاک می شوند و آنها که اهل تسلیم باشند نجات خواهند یافت و به سوی ما در حرکتند. (3)

1- عن ابی عبدالله علیه السلام قال: «كَذَبَ الْمُوَقِّتُونَ مَا وَقَّتْنَا فِيمَا مَضَى وَ لَا نُوَقِّتُ فِيمَا يَسْتَقْبِلُ». (الغیبه، شیخ طوسی، ح412، ص426)
2- عن الکمیت بن المسهل قال دخلت علی سیّدی ابی جعفر محمد بن علیّ الباقر علیه السلام ... قلت: «فمتی یخرج یابن رسو الله قال: لقد سئل رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم عن ذلک فقال: انّما مثله کمثل ساعه لاتاتیکم الابغته». (کفایه الاثر، ف1، ب8، ح34)
3- عن عبدالرحمن بن کثیر قال: «كُنْتُ عِنْدَ أَبِی عَبْدِاللهِ علیه السلام إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ مِهْزَمٌ الْأَسَدِیُّ فَقَالَ أَخْبِرْنِی جُعِلْتُ فِدَاکَ مَتَى هَذَا الْأَمْرِ الَّذِی تَنْتَظِرُونَهُ فَقَدْ طَالَ فَقَالَ يَا مِهْزَمُ كَذَبَ الْوَقَّاتُونَ وَ هَلَکَ الْمُسْتَعْجِلُونَ وَ نَجَا الْمُسَلِّمُونَ وَ إِلَيْنَا يَصِيرُون». (الغیبه، ح413، ص426)

5. محمد بن مسلم گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

ای محمّد هرکس به روایت از ما تعیین وقتی را به تو خبر داد هرگز از این که او را تکذیب کنی هراس نداشته باش که ما برای هیچ کس زمانی را (برای ظهور قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف) تعیین نمی کنیم. (1)

نکته هایی از روایات

مخفی بودن زمان ظهور

1. اگر قرار باشد برای ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وقتی تعیین شود باید این کار به وسیله پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم یا ائمه معصومین علیهم السلام که معادن علوم الهی و گنجینه اسرار الهی هستند، انجام گیرد ولی هیچ یک از امامان، وقتی را برای ظهور معیّن نکرده اند. (حدیث2 و 5)

2. مطابق روایات، هرکسی جز امامان معصوم وقتی را برای ظهور معیّن کند، دروغ گفته است. (2) (حدیث2 و 5)

3. هرکس با استناد به ائمه علیهم السلام زمانی را برای ظهور تعیین کند در هر جایگاهی باشد باید تکذیب گردد. (حدیث5)

1- عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللهِ علیه السلام : «یَا مُحَمَّدُ مَنْ أَخْبَرَکَ عَنَّا تَوْقِیتاً فَلَا تَهَابَنَّ أَنْ تُکَذِّبَهُ فَإِنَّا لَا نُوَقِّتُ لِأَحَدٍ وَقْتا». (الغیبه، ح414؛ الغیبه النعمانی، ب16، ح3، ص405)
2- خواننده محترم توجّه داشته باشد که گاهی افرادی سودجو، دروغی را به فردی از عالمان الهی نسبت می دهد که در واقع آن عالم اظهارنظری نکرده است و منشأ دروغ جای دیگر است و یا مطلب به گونه دیگری بوده و به صورت دقیق نقل نشده است.

4. زمان ظهور به زمان قیامت تشبیه شده است از این جهت که هر دو ناگهانی و بدون اطلاع قبلی مردم است. البتّه در هر دو روی داد علائمی پیش از آنها اتفاق می افتد که نزدیکی آنها را خبر می دهد ولی به هرحال زمان دقیق آنها بر کسی معلوم نیست. (حدیث3)

5. مقصود از تعیین وقت برای ظهور آن است که به طور مشخص سال و ماه و روز ظهور معیّن گردد نه این که گفته شود ظهور نزدیک است. «نزدیک بودن ظهور» امری است که با توجّه به برخی علائم و حوادث جهان معلوم گردیده و به آن بشارت داده شده است.

علّت پنهان بودن زمان ظهور

6. با این که از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام دربارهٔ وقت ظهور، سؤال شد آنها از پاسخ دادن، خودداری فرمودند؛ معلوم می شود که در «مخفی بودن وقت ظهور» مصلحتی نهفته است بنابراین همه باید تسلیم باشند و اصرار بی جا نداشته باشند.

7. شاید یکی از دلایل پنهانی زمان ظهور، زنده ماندن روح امیدواری به فرج و تقویت آن باشد تا از این رهگذر شیعیان پیوسته در فکر کسب آمادگی از جهات مختلف برای ظهور امام خویش باشند و هرگز دچار یأس و غفلت نشوند، در دعای عهد می خوانیم:

انّهم یرونه بعیداً و نراه قریباً؛

دشمنان خدا و بشریّت، ظهور منجی را دور می پندارند و ما آن را نزدیک می دانیم!

این نگاه زیبا به آینده و این نور امید به دنبال پنهان بودن وقت ظهور پدید می آید و اگر معلوم گردد که ظهور در آینده ای دور خواهد بود امید و نشاط از دست می رود یا ضعیف می گردد.

خطر هلاکت و سقوط

8. آنها که پیوسته از وقت ظهور می پرسند در واقع برای تحقق آن، عجله می کنند یعنی خواستار این هستند که ظهور منجی حتی بدون آن که شرایط و زمینه های آن فراهم باشد اتّفاق افتد! این گروه به طور طبیعی در دام شیّادان می افتند و سخن وقت گذاران را باور می کنند و به آن دل خوش می شوند و وقتی در آینده مورد نظرشان، ظهوری رخ نمی دهد گرفتار یأس و نومیدی و گاهی سستی اعتقاد به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و حتّی انکار وجود حضرت می شوند! به همین دلیل امام صادق علیه السلام فرمود: «هلک المستعجلون» (روایت 4).

9. نهی کردن از «عجله نسبت به ظهور» با دعا کردن برای «تعجیل ظهور و فرج» تفاوت دارد. اوّلی همان است که به هلاکت و سقوط منتهی می شود و از آن به «استعجال» تعبیر می گردد و دومی به معنی آن است که از خدا می خواهیم تا هرچه زودتر شرایط و زمینه های ظهور را فراهم کند تا ظهور منجی زودتر اتّفاق افتد؛ این امری مطلوب و پسندیده است و این دعا و خواسته سبب می شود که آدمی برای اجابت این دعا تمام تلاش خود را به کار گیرد چون دعای حقیقی از عمل و تلاش انسان جدا نیست بلکه باید هماهنگ باشد. بنابراین

منتظر ظهور امام در عین حال که تسلیم اراده پروردگار است پیوسته برای نزدیکی ظهور دعا می کند و برای تحقق زمینه های آن می کوشد و این همان است که امام صادق صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

و نجی المسلّمون؛

آنها که اهل تسلیم هستند نجات یافته اند.

یعنی همه ی تلاش خود را می کنند ولی نسبت به وقت ظهور چون و چرایی ندارند و همیشه در فکر انجام وظیفۀ متناسب با زمان خود هستند.

فصل چهارم: برکات ظهور امام مهدی علیه السلام

اشاره

در روزگار امام مهدی علیه السلام و حاکمیت الهی او برکات فراوان مادی و معنوی نصیب زمین و اهل آن خواهد شد که بیرون از شماره است و روایات فراوانی از شیعه و سنی به بیان آنها پرداخته است. در این بخش، جلوه ای از دستاوردهای حکومت مهدی موعود علیه السلام را می بینیم:

1. امام باقر علیه السلام :

وقتی قیام کننده ما قیام کند، خداوند دست خود بر سر بندگان نهد پس عقل های ایشان را به این وسیله جمع کرده و اخلاق آنها را کامل کند. (1)

2. امام باقر علیه السلام دربارۀ آیۀ «آنها که اگر در زمین به آنها امکانات دادیم نماز را به پا داشته و زکات می دهند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند و عاقبت امور برای خداست» فرمود:

1- عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام : «قَالَ إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللهُ یَدَهُ عَلَی رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَ کَمَلَتْ بِهِ أَحْلَامُهُم». (الکافی، ج1، ص25، کتاب العقل و الجهل، ح21)

این آیه برای خاندان پیامبر علیهم السلام و مهدی علیه السلام و یاران اوست. خداوند مشرق ها و مغرب های زمین را به ملک آنها درآورد و دین را (به سبب ایشان) غالب سازد و خدا به وسیله ایشان صاحبان بدعت و باطل را بمیراند، همان گونه که سفیهان، حق را میراندند، تا آن گاه که اثری از ظلم نماند و [ایشان] به معروف امر می کنند و از منکر بازمی دارند و نهایت کارها از آن خداست. (1)

3. امام صادق علیه السلام فرمود:

به راستی که قائم از ما [اهل بیت علیه السلام] به رعب [و وحشتی از جانب خدا در دل دشمنان] یاری می گردد و به نصر [از طرف خدا] تأیید می شود. زمین برای او پیچیده می گردد و گنج ها همگی برای او آشکار می گردد و خداوند به سبب او دین خود [اسلام] را بر همه ادیان غلبه می دهد، گرچه مشرکان خوش نداشته باشند و سلطنت او به مشرق و مغرب عالم می رسد و هیچ ویرانه ای در زمین نمی ماند مگر این که آباد می شود و روح الله عیسی بن مریم علیه السلام [از آسمان] پایین می آید و پشت سر او به نماز می ایستد. (2)

1- عن ابی جعفر(فی قوله عزوجل: (الَّذِینَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِی الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَوةَ وَآتَوُا الزَّكَوةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنكَرِ وَلِلهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ((سوره حج، آیه 41)، قَالَ هَذِهِ لِآلِ مُحَمَّدٍ الْمَهْدِیِّ وَ أَصْحَابِه یُمَلِّكُهُمُ اللهُ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا وَ یُظْهِرُ الدِّینَ وَ یُمِیتُ اللهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ وَ بِأَصْحَابِهِ الْبِدَعَ وَ الْبَاطِلَ كَمَا أَمَاتَ السَّفَهَةُ الْحَقَّ حَتَّی لَا یُرَی أَثَرٌ مِنَ الظُّلْمِ وَ یَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ یَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلهِ عاقِبَةُ الْأُمُور.» (بحار، ج51، ص47، ب5، ح9؛ نورالثقلین، ج3، ص506، ح1611).
2- عن الصادق(قال: «انَّ الْقَائِمُ مِنَّا مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ مُؤَیَّدٌ بِالنَّصْرِ تُطْوَی لَهُ الْأَرْضُ وَ تَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ یَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ وَ یُظْهِرُ بِهِ اللهُ دِینَهُ عَلَی الدِّینِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ فَلَا یَبْقَی فِی الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا عُمِرَ وَ یَنْزِلُ رُوحُ اللهِ عِیسَی ابْنُ مَرْیَمَ فَیُصَلِّی خَلْفَه.» (منتخب الاثر، ج3، ص121، ح1105؛ به نقل از الغیبه للفضل بن شاذان؛ کفایه المهتدی، ص212، ذیل ح39).

4. امام علی علیه السلام فرمود:

خدا به وسیله ما شروع کرده و به وسیله ما پایان می دهد و به وسیله ما آن چه را اراده کند محو کرده و ثابت می گذارد و به وسیله ما زمان سختی ها را برطرف می کند و به وسیله ما باران می فرستد. پس شیطان شما را نسبت به خدا نفریبد [و گمراه نکند]. از زمانی که خداوند باران را نگه داشته قطره ای نباریده و وقتی قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف، قیام کند آسمان باران می بارد و زمین گیاه خود را می رویاند و کینه از دل های بندگان برود و درندگان و چهارپایان سازگاری کنند [و چنان گردد که] زنی بین عراق تا شام راه رود

و قدم جز بر سبزه نگذارد و در حالی که زینت و زیورش را بر

سر نهاده از سوی هیچ درنده ای تهدید نگردد [و در امنیت کامل باشد]. (1)

5. امام صادق علیه السلام فرمود:

وقتی قائم علیه السلام قیام کند به عدالت حکم می کند و در روزگار او ظلم برداشته می شود و راه ها امن می گردد و زمین برکات خود را

1- فی حدیث طویل عن امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب(جاء فیه: بِنَا يَفْتَحُ اللهُ وَ بِنَا يَخْتِمُ اللهُ وَ بِنَا يَمْحُو مَا يَشَاءُ وَ بِنَا يُثْبِتُ وَ بِنَا يَدْفَعُ اللهُ الزَّمَانَ الْكَلِبَ وَ بِنَا يُنَزِّلُ الْغَيْثَ فَلا يَغُرَّنَّكُمْ بِاللهِ الْغَرُورُ مَا أَنْزَلَتِ السَّمَاءُ قَطْرَةً مِنْ مَاءٍ مُنْذُ حَبَسَهُ اللهُ عَزَّوَجَلَّ وَ لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا لَأَنْزَلَتِ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَ لَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا وَ لَذَهَبَتِ الشَّحْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ وَ اصْطَلَحَتِ السِّبَاعُ وَ الْبَهَائِمُ حَتَّى تَمْشِیَ الْمَرْأَةُ بَيْنَ الْعِرَاقِ إِلَى الشَّامِ لَا تَضَعُ قَدَمَيْهَا إِلَّا عَلَى النَّبَاتِ وَ عَلَى رَأْسِهَا زَبِيلُهَا لَا يُهَيِّجُهَا سَبُعٌ وَ لَا تَخَافُه...» (الخصال، ج2، ص626؛ بحار، ج52، ص316، ب27، ح11 و فیه: «و علی رأسها زبّیلها»)

بیرون می ریزد و هر حقی به صاحبش برمی گردد و هیچ اهل دینی نمی ماند مگر آن که اظهار اسلام کرده و به ایمان اعتراف می کنند. آیا نشنیده ای سخن خدای عزوجل را که می فرماید: «و برای او همه آنها که در آسمان و زمین هستند تسلیم می گردند با رغبت و یا کراهت، و به سوی او برمی گردند». او بین مردم به حکم داود علیه السلام و حکم محمد صلی الله علیه و آله داوری می کند. پس در این هنگام (وقت ظهور) زمین گنج های خود را ظاهر ساخته و برکات خود را آشکار می کند و در آن روز کسی از شما جایی برای (پرداخت) صدقه و احسان خود نمی یابد. چون بی نیازی همه مؤمنان را دربرگرفته است. پس فرمود: به درستی که

دولت ما آخرین دولت هاست و هیچ اهل بیت صاحب

دولتی نمی ماند مگر آن که پیش از ما مالک و حاکم می گردد تا وقتی شیوه و روش ما را در هنگام حاکمیت دیدند نگویند اگر ما نیز مالک و حاکم می شدیم مثل اینان رفتار می کردیم و این همان سخن خدای متعال است که: «و نهایت کار برای پرهیزگاران است». (1)

1- عن ابی عبدالله(قال: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَ ارْتَفَعَ فِی أَيَّامِهِ الْجَوْرُ وَ أَمِنَتْ بِهِ السُّبُلُ وَ أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ بَرَكَاتِهَا وَ رَدَّ كُلَّ حَقٍّ إِلَى أَهْلِهِ وَ لَمْ يَبْقَ أَهْلُ دِيْنٍ حَتَّى يُظْهِرُوا الْإِسْلَامَ وَ يَعْتَرِفُوا بِالْإِيمَانِ أَ مَا سَمِعْتَ اللهَ سُبْحَانَهُ يَقُول: (وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِی السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ((سوره آل عمران، آیه83) وَ حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ وَ حُكْمِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله و سلم فَحِينَئِذٍ تُظْهِرُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا وَ تُبْدِی بَرَكَاتِهَا وَ لَا يَجِدُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ يَوْمَئِذٍ مَوْضِعاً لِصَدَقَتِهِ وَ لَا لِبِرِّهِ لِشُمُولِ الْغِنَى جَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ ثُمَّ قَالَ إِنَّ دَوْلَتَنَا آخِرُ الدُّوَلِ وَ لَمْ يَبْقَ أَهْلُ بَيْتٍ لَهُمْ دَوْلَةٌ إِلَّا مَلَكُوا قَبْلَنَا لِئَلَّا يَقُولُوا إِذَا رَأَوْا سِيرَتَنَا إِذَا مَلَكْنَا سِرْنَا بِمِثْلِ سِيرَةِ هَؤُلَاءِ وَ هُوَ قَوْلُ اللهِ تَعَالَى: (وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ(. (سوره اعراف، آیه 128) (کشف الغمّه، ج2، ص465 _ 466)

6. امام صادق علیه السلام فرمود:

علم بیست و هفت حرف است. پس همه آن چه انبیاء آورده اند، دو حرف از علم است و مردم تا امروز جز دو حرف از علم را نشناخته اند. وقتی قائم علیه السلام قیام کند، 25 حرف (دیگر) را بیرون آورد و در میان مردم نشر دهد و آن دو حرف سابق را به آن ضمیمه سازد تا آن که (همه) بیست و هفت حرف علم را در میان مردم منتشر سازد. (1)

7. امام صادق علیه السلام فرمود:

همانا قائم ما وقتی قیام کند، خداوند عزوجل قوه شنوایی و بینایی شیعیان ما را تقویت خواهد کرد چنان که بین آنها و حضرت پیکی نخواهد بود (2) و آن حضرت در حالی که در جای خود مستقر است با شیعیان [در نقاط مختلف عالم] سخن خواهد گفت و آنان خواهند شنید و به او نگاه خواهند کرد. (3)

1- عن ابی عبدالله(قال: الْعِلْمُ سَبْعَهٌ وَ عِشْرُونَ حَرْفاً فَجَمِیعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ حَرْفَانِ فَلَمْ یَعْرِفِ النَّاسُ حَتَّی الْیَوْمِ غَیْرَ الْحَرْفَیْنِ فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَخْرَجَ الْخَمْسَهَ وَ الْعِشْرِینَ حَرْفاً فَبَثَّهَا فِی النَّاسِ وَ ضَمَّ إِلَیْهَا الْحَرْفَیْنِ حَتَّی یَبُثَّهَا سَبْعَهً وَ عِشْرِینَ حَرْفا. (مختصر بصائر الدرجات، ص117؛ منتخب الانوار المضیئه، ص201؛ البحار، ج52، ص336، ب27، ج73)
2- این ترجمه بنا بر بعضی از نسخه ها است که روایت با کلمه «لا یکون» نقل شده است ولی طبق بعضی دیگر از نسخه ها که کلمه «یکون» آمده معنی روایت این است که آن حضرت از فاصله یک برید (چهار فرسخ) با شیعیان سخن می گوید و آنها می شنوند و او را می بینند. و به هر حال معنی روایت روشن است.
3- عن ابی عبداله(قال: «إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ مَدَّ اللهُ لِشِیعَتِنَا فِی أَسْمَاعِهِمْ وَ أَبْصَارِهِمْ حَتَّی لَا یَکُونَ بَیْنَهُمْ وَ بَیْنَ الْقَائِمِ بَرِیدٌ _ یُکَلِّمُهُمْ فَیَسْمَعُونَ وَ یَنْظُرُونَ إِلَیْهِ وَ هُوَ فِی مَکَانِه.» (روضه الکافی، ص164، ج329؛ بحار، ج52، ص336، ح72)

نکته هایی از روایات

اشاره

از بررسی روایات دورۀ ظهور، روشن می شود که در آن زمان تحولی بزرگ در همه زمینه ها رخ می دهد. جامعه بشری که در زمینه های مختلفی مانند عقل و اخلاق و روابط فردی و اجتماعی به انحطاط و پستی کشیده شده است در دوره ظهور به شکوفایی و کمال می رسد و همه عقب ماندگی ها را جبران می کند و حتّی در آن زمینه هایی که پیشرفت کرده است به وضعیّتی بهتر و مطلوب تر دست می یابد. آن روز نه فقط بشریت که زمین و زمان شکوفا می گردد و برکات مادی و معنوی آشکار می شود. حال با توجه به روایاتی که مرور کردیم به نکته هایی اشاره می کنیم:

شکوفایی عقل و کمال اخلاقی

1. «عقل و اخلاق» دو مشخصه مهم انسان است که زندگی حقیقی او به این دو بستگی دارد و به همین جهت در قرآن و روایات اسلامی بااهمیت شمرده شده است. آیات فراوانی به تعقّل و خردورزی دعوت کرده و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هدف از بعثت خود را تکمیل مکارم اخلاق دانسته است. (1) در دولت موعود که بر محور قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله خواهد بود، به رشد عقلی و کمال اخلاقی انسان، اهمّیت ویژه ای داده خواهد شد. (حدیث1)

1- قال رسول الله(: «اِنّما بُعثت لِاُتمِّمَ مکارم الأخلاق.» (میزان الحکمه، ح5058؛ به نقل از کنز العمّال، ح5217)

2. جریان «دست خدا بر سر خلق» که در دولت کریمه مهدی اتفاق می افتد کنایه از برخورداری مردم از تربیت الهی است که سبب رشد عقلانی و تکامل اخلاقی مردم می شود و پس از یک دوره طولانی که هوی و هوس ها و ناهنجاری های اخلاقی در جامعه رایج بوده زمان حکومت عقل و اخلاق فرامی رسد و همه خوبی ها و زیبایی ها از همین نقطه آغاز می شود. (حدیث1)

3. وقتی هویٰ و هوس ها محور تصمیم گیری و عمل افراد باشد تنها به منافع شخصی فکر می شود و همه چیز به دنیا و مادّیات ختم می شود و جایی برای عدالت و انصاف و اخلاص و مهرورزی و نوع دوستی نمی ماند و وقتی عقل محور باشد جایی برای کینه و حرص و دنیاپرستی نیست بلکه فضا، فضای صمیمیت و محبّت و خداخواهی و اخلاق نیکوست و مهدی موعود علیه السلام بشارت دهنده چنین عقلانیت و اخلاقی برای جامعه بشری است.

حکومت و دین جهانی

4. در دولت مهدی علیه السلام حکومت واحد جهانی شکل می گیرد و

همه جهان با مدیریت معصوم که انسان کامل و حجّت خداست

نظام می گیرد و وعده قرآن مبنی بر جهانی شدن اسلام تحقق می یابد. همه به اختیار، مسلمان می شوند و به امام عصر علیه السلام ایمان می آورند. (1)

1- دربارهٔ وجود پیروان سایر ادیان در زمان حکومت امام مهدی(اختلاف نظر است و البته بعید نیست که وجود داشته باشند ولی با رعایت قوانین اسلامی زندگی کنند اما با توجه به بشارت های قرآنی و روایات، جمعیت زیادی را تشکیل نمی دهند.

(حدیث2 و 3)

5. تشکیل حکومت واحد جهانی با توجه به توسعه ارتباطات و نیز هم سویی عقاید و آرمان های مردم زمین امری ممکن و آسان است؛ زیرا آن چه مردم را متفرّق و پراکنده می کند اختلاف اعتقادی و اخلاقی است و چون در زمان ظهور، حق آشکار می شود و مردم به فطرت الهی خود به حق گرایش پیدا می کنند، زمینه نزدیکی و یکی شدن ملّت ها فراهم می گردد.

عدالت جهانی در همه بخش ها

6. وقتی دولت مهدی موعود علیه السلام حاکم می شود، حق و عدل فراگیر می شود به گونه ای که هیچ زاویه ای از زوایای زندگی بشر _ چه در جنبه فردی و چه در جنبه اجتماعی _ باقی نمی ماند که در آن ظلم و ستم باشد چون از طرفی، حکومت و شخص حاکم در پی اجرای عدالت است و شخص امام، عدالت مجسّم است و از سویی دیگر مردم با کمال اخلاقی و رشد عقلانی از بی عدالتی گریزانند. بنابراین توفیق حکومت مهدی علیه السلام در اجرای عدالت در سطح عموم به دلیل عدالت پذیری مردم و عدالت محوری حاکمان است.

7. گستردگی عدالت در زمان ظهور به گونه ای است که فرموده اند «حقّ هر صاحب حقی داده می شود» و عدالت محوری امام چنان است که به طور مطلق فرموده اند او به عدالت حکم می کند و هر

ستمی در روزگار او برطرف می شود و نیز درباره شیوۀ حکم او آمده است که بسان داود نبی علیه السلام حکم می کند که او بر اساس علم خود _ که از علم الهی بود _ حکم می کرد و در این صورت هیچ گونه ظلمی _ حتّی در ظاهر _ اتفاق نمی افتد. (حدیث5)

امنیّت همگانی در همه حوزه ها

8. امنیّت از نعمت های بزرگ الهی است که بدون آن زندگی _ حتّی در اوج رفاه و دارایی _ مفهوم واقعی ندارد و می بینیم که در جامعه پیش از ظهور، بشر از ناامنی در حوزه های مختلف زندگی هم چون جان و مال و آبرو به شدت رنج می برد ولی در روزگار ظهور موعود، جامعه ای سراسر امن و آرام، شکل می گیرد؛ جان و مال و آبروی مردم _ در هر طبقه ای باشند _ محترم و محفوظ است به گونه ای که عبور از یک مرز به مرز دیگر برای یک زن _ که عنصری آسیب پذیرتر نسبت به مرد است _ بدون هیچ تهدیدی، امکان پذیر است. (حدیث4 و 5)

9. امنیّت زمان ظهور در روایات مختلف و با تعبیرهای گوناگون مطرح شده است. بعضی از روایات با صراحت از امنیّت، سخن گفته است مثل این که فرموده «راه ها» امن خواهد بود و به گونه ای است که یک زن با زیور و زینت خود به تنهایی سفر می کند و از کشوری به کشور دیگر می رود ولی هیچ تهدیدی برای او نیست و بعضی از روایات از تعبیر کنایه ای استفاده کرده و فرموده درندگان با هم آشتی می کنند و گرگ و میش کنار هم قرار می گیرند که این بیانات به معنی نهایت

امنیّت و آرامش و سازگاری موجودات است و این که امنیّت در آن زمان، امنیّتی فراگیر و عمومی است. (حدیث4)

10. امنیّت در زمان ظهور از بشارت ها و وعده های قرآنی به مؤمنان نیز هست زیرا وقتی در آیه 55 سورهٔ نور از حاکمیّت مؤمنان و جهانی شدن دینِ آنها در آینده خبر می دهد به عنوان وعده سوم از امنیّت

آنها در آن زمان هم خبر داده است و این آیه یکی از آیات روشن

دربارهٔ جامعه مهدی موعود است زیرا که این وعده ها تاکنون

اتفاق نیفتاده است. (1)

صفا و صمیمیّت و همدلی مردم

11. از برکات مهم دوران ظهور، نزدیکی دل ها و مهربانی انسان ها نسبت به یک دیگر است و این امر به سبب گسترش فرهنگ قرآنی و سنّت معصومین علیهم السلام است. در آن زمان کینه ها از دل ها می رود و به جای آن دوستی و یک رنگی و اعتماد متقابل می نشیند و این خود نمونه ای دیگر از امنیّت روانی و اخلاقی در زمان ظهور است. (حدیث4)

12. روشن است که همدلی و صمیمیت بین افراد، مادر بسیاری از خوبی هاست. همان طور که کینه و بددلی، ریشه ی خیلی از بدی ها و نابسامانی هاست. همدلی و دوستی، اعتماد میان افراد را تقویت

1- در بخش «امام مهدی در قرآن» از این کتاب به طور مشروح راجع به این آیه بحث شده است.

می کند و حسّ تعاون و همکاری اجتماعی را افزایش می دهد. چنان که کینه و قهر سبب از بین رفتن اعتماد متقابل و کم شدن همکاری و کمک رسانی افراد جامعه به یک دیگر است و این معضل از مشکلات بزرگ دوران پیش از ظهور است!

ریشه کن شدن فقر از جامعه بشری

13. در دولت موعود علیه السلام که حق و عدل حاکم می شود و خداپرستی و آخرت جویی فراگیر می گردد برکات آسمان و زمین به طور بی سابقه بر مردم نثار می شود. (1) آسمان بی دریغ می بارد و زمین پیوسته رویش دارد از همه نوع و همه صنف! هم گنج ها و ذخایر خود را بیرون می ریزد و هم انواع گیاه و نبات را می رویاند و همه جا را سبزی و خرمی فرا می گیرد! (حدیث4 و 5)

14. وقتی حاکم جامعه عادل باشد و مردم عدالت پذیر و غم خوار

و دوست یک دیگر باشند و برکات الهی هم فراوان باشد، بستر مناسب برای از بین رفتن فقر از همه افراد جامعه فراهم می شود و به همین دلیل در جامعه موعود فقیر یافت نمی شود و گیرندهٔ صدقه و زکات نخواهد بود.

15. با توجه به روایات فراوان، در دولت مهدی علیه السلام که حکومت خدا

1- قرآن می فرماید: (وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَی آمَنُوا وَاتَّقَوا لَفَتَحْنَا عَلَیْهِمْ بَرَکَاتٍ مِنَ السَّماءِ وَالْأَرْضِ وَلکِن کَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا کَانُوا یَکْسِبُونَ(؛ و اگر اهل شهرها ایمان آورده و تقوا پیشه کنند، برکت های آسمان و زمین را بر آنها می گشاییم... . (سوره اعراف، آیه 96)

بر زمین است همان طور که به رشد معنوی انسان ها اهمیت بالایی داده می شود و وسیله تقرّب و کمال انسان ها فراهم می گردد همان گونه به جنبه مادّی و رفاه دنیوی آنها نیز توجّه می شود. یعنی حاکمیّت به معاد و معاش مردم _ هر دو _ توجّه دارد. (حدیث5)

تعهّد و مسئولیت پذیری افراد

16. جامعه اسلامی، جامعه تعهّد و مسئولیت پذیری انسان ها نسبت به یک دیگر است. چنان که قرآن فرموده است؛ (1) و در حکومت مهدی علیه السلام که بر اساس قرآن عمل می کند این واجب قرآنی(یعنی امر به معروف ونهی از منکر) در سطح حاکمان و توده مردم زنده خواهد شد و همگان به این وظیفه اسلامی و انسانی عمل خواهند کرد. (حدیث2)

17. وقتی در جامعه ای، مردم نسبت به حاکمان و نیز در سطح جامعه نسبت به یک دیگر تعهّد و دل سوزی داشته باشند و در مقابل عمل خوب و بد آنها واکنش نشان دهند، خوبی و صلاح رواج یافته و بدی و تباهی رو به کاهش خواهد گذاشت و به برکت این نظارت عمومی و همگانی جامعه ای سالم و صالح شکل خواهد گرفت. بنابراین رمز سلامت جامعه موعود و زیبایی آن، عمل کردن بر اساس آموزه های قرآنی است و این گونه نیست که مردم و جامعه بی اختیار و ناخواسته و به وسیله اعجاز خدا و امام، صالح شوند! و یک شبه همه

1- اشاره است به آیه (كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّهٍ أُخْرِجَتْ لِلْنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ(؛ شما بهترین امتی هستید که برای مردم آورده شده است امر به معروف می کنید و از منکر نهی می کنید. (سوره آل عمران، آیه110)

بدی ها دفن شود!

18. از الگویی که روایات دربارۀ جامعه ظهور ارائه کرده است می توانیم به نفع امروز خود بهره بگیریم و با ترویج فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر در سطح مردم و حاکمان از بسیاری از ناهنجاری های اجتماعی جلوگیری کنیم و راه را برای ترویج ارزش ها و اخلاق اسلامی هموارتر کنیم.

پیشرفت علمی و رشد ارتباطات

19. امام مهدی علیه السلام میراث دار علوم همه انبیاء و اولیاء است و در زمان او و به برکت ظهور او، دورۀ شکوفایی علم پدیدار می شود و بشر به چشمه های جدیدی از علم دست می یابد که قابل مقایسه با دورۀ پیش از ظهور نخواهد بود. (حدیث6)

20. پیشرفت های علمی دورۀ ظهور در حوزه های مختلف خواهد بود از جمله این که «ارتباطات» رشد عجیبی خواهد کرد، به گونه ای که مطابق روایات، مردم در شرق و غرب زمین با سرعت و سهولت با هم ارتباط خواهند داشت و هرکس در هر نقطه ای که باشد مهدی علیه السلام را خواهد دید و سخن او را خواهد شنید. (1) (حدیث7)

21. ارتباطات سریع خود یکی از ابزارهای تحقق جامعه جهانی و حکومت واحد است و شاید یکی از عوامل غیبت، فراهم شدن زمینه های مناسب برای شکل گیری حکومت جهانی باشد که از جمله

1- البته رشد ارتباطات ممکن است نوعی اعجاز و امداد غیبی الهی هم باشد و به هر حال این واقعیتی است که در دوره ظهور به وقوع می پیوندد.

آنها مسئله «ارتباطات» است.

22. آن چه از برکات دوران ظهور بیان شد بخشی از نتایج حکومت صالحان بر زمین است که به خوبی بیان گر ضرورت برپایی چنین حکومتی است که آرزوهای بشر را هم عملی خواهد کرد و البتّه زیبایی های دورۀ طلایی حکومت مهدی علیه السلام بیش از آن است که در قلم و بیان بگنجد. (1)

1- دربارۀ این موضوع کتاب های مفصّلی نوشته شده است. برای نمونه نک. به: چشم اندازی به حکومت مهدی(نوشته آقای نجم الدین طبسی.

سخن پایانی

امام مهدی علیه السلام حقیقتی است فراتر از درک و فهم بشر و خورشید عالم افروزی است که دست و دیده ما از او کوتاه است ولی تلاش کردیم پرتوی از سیمای تابناک او را در آیینه کلمات معصومان علیه السلام ببینیم تا به سهم خود از تماشای جمال بی مثالش بهره ای برده باشیم و در پایان خاضعانه به پیشگاه مقدسش عرض می کنیم:

«... یا أَیُّهَا الْعَزِیزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَا الضُّرُّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَهٍ مُّزْجَاهٍ فَأَوْفِ لَنَا الْکَیْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَیْنَا إِنَّ اللَّهَ یَجْزِی الْمُتَصَدِّقِینَ». (1)

1- سوره یوسف، آیه88.

ص:221

کتابنامه

قرآن کریم

1. نهج البلاغه

2. مفاتیح الجنان

3. ابن ابی الحدید، ابوحامد عبدالحمید بن هبهالله، شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمدابوالفضل ابراهیم، بی جا:داراحیاءالکتب العربیه، بی تا.

4. ابن حجر هیتمی، احمدبن محمد، الصواعق المحرقه، لبنان، موسسه الرساله، چاپ اول، 1417ق.

5. ابن صباغ المالکی، علی بن محمد، الفصول المهمه فی معرفه الائمه، تحقیق: سامی الغریری، قم، دارالحدیث، 1379ش.

6. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفظ الائمه، مصحح: هاشم رسلی محلاتی، تبریز، بنی هاشمی، چاپ اول، 1381ق.

7. بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، قسم الدراسات الاسلامیه، موسسه البعثه، چاپ اول، 1374ش.

8. بخاری، محمدبن اسماعیل، صحیح البخاری، لبنان، دارالفکر، 1401ق.

9. بهاءالدین نیلی نجفی، علی بن عبدالکریم، منتخب الانوار المضیئه، قم، مطبعه الخیام، 1360ش.

10. تفتازانی، شرح المقاصدفی علم الکلام، پاکستان، دارالمعارف النعمانیه، 1401ق.

11. جوادی آملی، عبدالله، امام مهدی موجود موعود، قم، اسراء، 1387ش.

12. جوینی، ابراهیم، فرائد السمطین، تحقیق: محمدباقرمحمودی، ایران، دارالحبیب، 1428ق.

13. حاکم نیشابوری، محمدبن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، بیروت، مکتبه العصریه، بی تا.

14. حرعاملی، محمدبن حسن، اثبات الهداه بالنصوص و المعجزات، بیروت، اعلمی، چاپ اول، 1425ق.

15. حلی، حسن بن سلیمان، مختصر بصائر الدرجات، نجف، حیدریه، 1370ق.

16. حویزی، علی بن جمعه، نور الثقلین، تصحیح و تعلیق: رسولی محلاتی، قم، اسماعیلیان، 1412ق.

17. خزاز رازی، علی بن محمد، کفایه الاثرفی النص علی الائمه الاثنی عشر، حسینی کوه کمری، قم، بیدار، چاپ اول، 1401ق.

18. شیخ صدوق، ابوجعفرمحمدبن علی، کمال الدین وتمام النعمه، قم، دارالکتب الاسلامیه، 139ق.

19. ___________، علل الشریع، قم، داوری، چاپ اول، 1385ش.

20. ___________، معانی الاخبار، قم، انتشارات جامعه مدرسین، 1361ق.

21. شیخ طوسی، ابوجعفرمحمدبن الحسن، کتاب الغیبه، قم، موسسهالمعارف الاسلامیه، چاپ دوم1417ق.

22. صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر، قم، موسسه حضرت معصومه علیها السلام ، 1419ق.

23. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیرالقرآن، قم، انتشارات جامعه مدرسین

حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، 1417ق.

24. طبرانی، المعجم الاوسط، دارالحرمین، 1415ق.

25. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر، موصل، مکتبه الزهراء، چاپ دوم، 1404ق.

26. طبرسی، ابومنصوراحمدبن علی، الاحتجاج، مشهد، نشر مرتضی، 1403ق.

27. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، قم، آل البیت علیهم السلام چاپ اول، 1417ق.

28. فخر رازی، محمدبن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، 1421ق.

29. فیض کاشانی، محمدمحسن، الوافی، اصفهان، کتابخانه امیرالمومنین علیه السلام چاپ اول، 1406ق.

30. قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع الموده، قم، نشرشریف المرتضی، چاپ دوم، 1417ق.

31. کلینی، محمدبن یعقوب، کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، 1362ق.

32. کورانی، علی، معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام ، قم، موسسه المعارف الاسلامیه، چاپ اول، 1411ق.

33. متقی هندی، علاءالدین، کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، لبنان، موسسه الوفاء، 1409ق.

34. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، نشر موسسه الوفاء، چاپ دوم، 1400ق.

35. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، تهران، موسسه النشر الاسلامی، 1362ش.

36. مشهدی، محمدبن محمدرضا، کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد، چاپ اول، 1368ش.

37. مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی بن علی، عقد الدرر فی اخبار المنتظر، تحقیق: عبدالفتاح محمدالحلو، قاهره، مکتبه عالم الفکر، 1399ق.

38. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1367ش.

39. موسوی اصفهانی، محمدتقی، مکیال المکارم، ترجمه: حائری قزوینی، قم، نشر مسجد جمکران، 1383ق.

40. نعمانی، محمدابراهیم، الغیبه، تصحیح غفاری، تهران:نشر صدوق، چاپ اول، 1397ق.

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آيا کسانى كه مى‌دانند و کسانى که نمى‌دانند يکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
ANDROID.1
IOS.2

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .
درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 03134490125
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109